جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

دوره هشتم ـ سال اول | شماره چاپ ۱۱۵
تاریخ چاپ ۱۳۸۷/٤/۱۵ | شماره‌ثبت ۱۱٤

دو شوری

لایحه تجارت

جلد اول

در اجراء ماده(۱٤۱) آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

کمیسیونهای ارجاعی

اصلی:	اقتصادی
فرعی:	اجتماعی –صنایع و معادن –عمران –قضایی و حقوقی

اداره کل قوانین

باسمه تعالی

شماره ٤٠٠٥٠/٤٦١٣٣ تاریخ ١٣٨٧/٤/١

معاونت حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور

هیأت وزیران در جلسه مورخ ١٣٨٧/٣/١٩ موافقت نمود:

لوایح مندرج در فهرست پیوست که به مهر «دفتر هیأت دولت» تأیید شده است، در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گیرد.

پرویز داودی- معاون اول رئیس‌جمهور

شماره ٣٣٢٠١/٢٨٥٠٩ تاریخ ١٣٨٤/٥/١٠

جناب آقای حدادعادل ـ رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه تجارت که بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی در جلسه مورخ ۵/۴/۱۳۸۴ هیأت‌وزیران به تصویب رسیده است، برای طی تشریفات قانونی به پیوست تقدیم می‌شود.

سیدمحمد خاتمی ـ رئیس جمهور

یکی از ارکان اصلی توسعه و پیشرفت کشور، نهادهای پویا از جمله نهادهای حقوقی می‌باشد. در این راستا سعی و اهتمام براعتلای قوانین به عنوان

عنصر اصلی نهاد حقوقی کشور از اولویتهای اساسی است.

شکوفایی اقتصاد ملی به عنوان یک عرصه مهم نیازمند قوانینی است که درعین جذاب و شفاف ساختن محیط کسب و کار باتوجه به ویژگیهای ملی و در تعامل با تحولات اقتصاد جهانی با به نظم کشیدن روابط اقتصادی از حقوق فعالان این عرصه پشتیبانی کند.

در بین قوانین اقتصادی بی‌تردید قانون تجارت بی‌همتا می‌باشد. مجموعه ای که در گستره‌ای بسیط و درعین حال منسجم مقررات مختلفی از تعریف تاجر گرفته تا قراردادهای تجاری، از اسناد تجارتی تا حقوق شرکتها و از ثبت تاجر تا تصفیه و ورشکستگی آن و حوزه‌های فراوان دیگر را به نظم درمیآورد. از این رو چه از لحاظ گستردگی موضوعات و چه از باب حساسیت آنها بی‌نظیر است.

قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱ که از قانون تجارت ۱۸۰۷ کشور فرانسه اقتباس شده است، علی‌رغم گذشت مدت زمان طولانی از تاریخ تصویب اولیه آن و دگرگونی در شرایط اقتصاد جهانی و اوضاع و احوال اجتماعی با تحولات اجتماعی و تغییر روابط اقتصادی و تجاری هماهنگی ندارد. این قانون که در حیطه خود قانون مادر محسوب می‌شود، توان بهره‌برداری از فناوریهای روز و نیز توان همگامی با شرایط اقتصادی امروز را ندارد و درمورد بسیاری از موضوعهای تجارتی نظیر سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت الکترونیکی، تجارت دریایی، مایه تجارتی، سرقفلی، بورس، بانکداری، بیمه و مالکیتهای صنعتی نارسا می‌باشد.

با عنایت به قدیمی و نارسا بودن قانون یادشده و لزوم تحول و بازنگری

در قوانین قدیمی به منظور پویا نمودن آن و تطابق با تحولات اجتماعی و اقتصاد جهانی، لایحه زیر برای طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود:

لایحه تجارت

باب اول - تجار و معاملات تجارتی

ماده ۱ - تاجر شخصی است که به منظور کسب منفعت مادی، برای خود به فعالیت تجارتی اشتغال دارد.

ماده ۲ - فعالیت‌های ذیل ذاتاً تجارتی محسوب می‌شوند:

الف - هرگونه فعالیت توزیعی یا خدماتی، مانند :

۱ - خرید یا تحصیل هرنوع مال جاندار یا بی‌جان، مادی یا غیرمادی به قصد فروش یا اجاره، هرچند که ازطریق شبکه‌های الکترونیک و در فضای مجازی انجام شده باشد.

۲ - تصدی به هرنوع تأسیساتی که برای تسهیل زندگی و تدارک و عرضه کالا یا خدمات ایجاد می‌شود، ازقبیل: امانت فروشی‌ها، انبارهای عمومی، بنگاههای کاریابی و تأمین خدمه، آبرسانی، گازرسانی، برق‌رسانی، خدمات رایانه‌ای، تهیه و رساندن ملزومات مانند تدارک نیازهای روزانه منازل و اماکن و سوخت و انرژی مورد نیاز کارخانجات، کشتی‌ها و سفائن و امثال آن.

۳ - تصدی به هرنوع تأسیسات ازقبیل مجتمع‌های تفریحی یا ورزشی،

هتل‌ها و مهمانسراها، کمپینگ‌ها، پارکینگ‌های عمومی، سالن‌های مختص جشن‌ها و میهمانی‌ها و کنفرانس‌ها، سالن‌های آرایش و زیبایی و مجتمع‌های خدمات بهداشتی، داروخانه‌ها و مؤسساتی که خدمات تبلیغی و مهندسی و فنی ارائه می دهند.

ب – هرگونه فعالیت تولیدی یا صنعتی مانند:

۱ – تأسیس و بهره‌برداری از هر قسم کارخانه، اعم از تأسیسات تبدیل یا تولید هر نوع مواد مصرفی و مواد اولیه و ساخت انواع ماشینآلات صنعتی، تولیدی، کشاورزی و بهداشتی، انواع خودروها، کشتی‌ها، هواپیماها و هاورکرافت‌ها و معاملات راجع به آنها.

۲ – تأسیس و بهره‌برداری از مجتمع‌های کشاورزی، دامپروری، پرورش ماهی و زنبور عسل و پرورش طیور و کشتارگاهها و امثال آن.

۳ – تصدی به هرنوع عملیات حمل و نقل کالا یا مسافر از راه خشکی یا آب یا هوا به هرنحو که باشد.

۴ – بهره‌برداری از معادن، در خشکی باشد یا در آب، اعم از معادن مربوط به جمادات، مایعات، یا گازها و همچنین تصدی به هر قسم نمایشگاه عمومی ازقبیل سینماها، تئاترها، سیرک‌ها، باغ‌وحش‌ها، استادیوم‌های ورزشی، فرهنگسراها، موزه‌ها نمایشگاه منطقه‌ای یا بین‌المللی کالاها، صنایع و امثال آن.

ج – هرگونه فعالیت مالی مانند: تصدی به عملیات بانکی، صرافی، مؤسسات مالی واعتباری و صندوقهای قرض‌الحسنه و عملیات بورس و بیمه و هرنوع عملیات براتی اعم از صدور و انتقال یا ظهرنویسی برات یا سفته اعم از

کاغذی و الکترونیکی.

د – هرگونه فعالیت معاضدتی و واسطه‌ای مانند: تصدی به عملیات دلالی و تسهیل معاملات منقول یا غیرمنقول، همچنین تصدی به هر قسم حق‌العملکاری، نمایندگی تجارتی و عملیات حراجی.

ماده ۳ – کلیه فعالیت‌های تجار، تبعاً تجارتی محسوب می‌شود، مگر ثابت شود که مربوط به امور تجارتی نیست. هرگونه تعهد قراردادی یا قانونی تاجر که به مناسبت یا برای اجرای فعالیت‌های تجارتی وی ایجاد شده نیز تجارتی محسوب می‌شود.

تبصره – فعالیت‌هایی که نمایندگان یا قائم‌مقامهای تاجر از طرف وی انجام می‌دهند در حکم فعالیت‌های خود تاجر می‌باشد.

باب دوم – حقوق و تکالیف تاجر

فصل اول – دفاتر تجارتی

ماده ۴ – هر تاجر، به استثنای کسبه جزء، مکلف است دفاتر (کاغذی یا الکترونیکی) زیر یا دفاتر دیگری را که دولت به موجب آئین‌نامه جایگزین آنها قرار می‌دهد، داشته باشد:

۱ – دفتر روزنامه

۲ – دفتر کل

۳ – دفتر دارایی

۴ – دفتر ثبت مکاتبات

تبصره – آئین‌نامه مربوط به دفاتر و نحوه تنظیم و نگهداری آنها را وزارتخانه‌های بازرگانی و امور اقتصادی و دارایی، ظرف مهلت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون و با توجه به قانون تجارت الکترونیک و توسعه و تحول وضع اقتصادی کشور و حجم فعالیت تجار و شیوع سیستم‌های نوین حسابداری رایانه‌ای تنظیم می‌نمایند. این آئین‌نامه پس از تصویب هیأت وزیران لازم‌الاجراء خواهد شد.

ماده ۵ – دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید کلیه عملیات مالی اعم از خرید و فروش و دیون و مطالبات و ظهرنویسی و هرگونه فعالیتی که ایجاد دین یا طلب کند یا مالی را مقید کند و نیز عملیات محاسباتی را به تاریخ وقوع و سایر عملیات که طبق اصول حسابداری و عرف متداول دفترداری در پایان دوره مالی برای تنظیم صورتهای مالی لازم است را بلااستثناء و هر روز به ترتیب در آن ثبت کند.

تبصره – تاجر می‌تواند برای ثبت کلیه عملیات دفتر روزنامه واحد و یا دفاتر روزنامه متعدد برای هر طبقه یا طبقاتی از آنها داشته باشد، از قبیل دفتر روزنامه صندوق، دفتر روزنامه بانک و دفاتر روزنامه غیرنقدی مانند خرید و فروش نسیه و اقساطی و یا چند مورد از حسابها.

ماده ۶ – دفتر کل دفتری است که کلیه عملیات ثبت شده در دفتر یا دفاتر روزنامه برحسب سرفصل یا کدگذاری حسابها در صفحات مخصوص آن ثبت می شود به ترتیبی که براساس آن تنظیم صورتهای مالی امکان‌پذیر باشد.

تبصره ۱ – کلیه عملیات ثبت شده در دفاتر روزنامه در هر ماه باید حداکثر

تا پانزدهم ماه بعد به دفتر کل نقل شود.

تبصره ۲ – تجاری که دارای شعبه هستند مکلفند با توجه به روشهای حسابداری، خلاصه عملیات شعبه یا شعب خود که دارای دفاتر قانونی باشند را ماه به ماه و در غیر این‌صورت لااقل سالی یک بار در دفاتر خود ثبت کنند.

ماده ۷ – دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز مرتب کند و در آن دفتر ثبت و امضاء کند و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

ماده ۸ – دفتر ثبت مکاتبات دفتری است که کلیه مکاتبات و صورت حسابهای وارده و صادره و قراردادهای تاجر اعم از کاغذی یا الکترونیکی به ترتیب تاریخ و با قید شماره باید در آن ثبت شود.

ماده ۹ – درصورتی که دفاتر مذکور در ماده (۴) این قانون (به استثناء دفتر ثبت مکاتبات) به صورت کاغذی تنظیم و نگاهداری شوند باید توسط نماینده اداره ثبت امضاء و تعداد صفحات و مشخصات کامل صاحب دفتر در صفحات اول و آخر آن نوشته شود. این دفاتر باید دارای نمره ترتیبی باشد و کلیه معاملات و عملیات مالی به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوص به آن نوشته شود. هرگونه تراشیدن، حک کردن، جای سفید گذاشتن، پائین خطوط نوشتن و امثال آن در این دفاتر ممنوع است.

تبصره ۱ – ضوابط مربوط به تنظیم، نگهداری و قابلیت استناد دفاتر الکترونیکی، به ترتیبی که در تبصره ماده (۴) این قانون پیش‌بینی شده، تنظیم خواهد

شد.

تبصره ۲ – تاجر باید دفاتر هر سال مالی اعم از کاغـذی و الکترونیکـی را حداقل ده‌سال پس از پایان آن سال مالی نگهداری کند.

ماده ۱۰ – دفاتر موضوع ماده (۴) این قانون و سایر دفاتری که تجار بـرای امور تجارتی خود به کار می‌برند درصورتی که مطابق مقـررات ایـن قـانون تنظـیم شود بین تجار در امور تجارتی اعتبار دارد و درهرصورت در برابر صاحب آن قابل استناد است.

تبصره – هرگاه دفاتر تجارتی به‌صـورت الکترونیکـی تنظـیم شـده باشـد، درصورتی قابل استناد است که سندیت آن طبق قانون تجارت الکترونیکی پذیرفتـه شود.

ماده ۱۱ – تخلـف از مـواد (۴) و (۹) مسـتلزم ده میلیـون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال جزای نقدی است و قطع نظر از تقاضـای مدعی خصوصی یا مقامات قضایی، دادگاه تجارتی می‌تواند رأساً حکم بدهـد. ایـن مجازات مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته‌ای کـه دفتـر مرتـب نـدارد، نیست.

فصل دوم – دفتر ثبت تجارتی

ماده ۱۲ – گروه اقتصادی با منافع مشترک و تجار به اسـتثناء کسـبه جـزء باید نام خود را طبق آئین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارت دادگستری به‌تصویب هیـأت وزیران خواهد رسید، در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برسانند. متخلف از این حکم به

جزای نقدی از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد. ثبت‌نام در دفتر ثبت تجارتی امارهء تاجر بودن ثبت کننده است.

وزارت دادگستری موظف است ظرف سه ماه از تصویب این قانون آئین نامه این ماده را تهیه و به‌تصویب هیأت وزیران برساند.

تبصره ۱ – اسم و مشخصات تاجری که طبق آئین‌نامه مربوطه در دفتر ثبت تجارتی ثبت‌نام می‌کند، باید در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی و یک روزنامه کثیرالانتشار برای اطلاع عموم آگهی شود و اشخاص می‌توانند با مراجعه به دفتر ثبت، اطلاعات راجع به تاجر را مطالبه کنند و از آنها رونوشت بگیرند.

تبصره ۲ – مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجارتی را وزارت دادگستری با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به‌موجب آئین‌نامه معین خواهد کرد.

ماده ۱۳ – هر تاجر، به استثناء کسبه جزء باید در کلیه اسناد، اوراق، صورتحسابها، آگهی‌ها، تابلوها و سایر مکتوبات خطی یا چاپی یا الکترونیکی خود تصریح کند که با چه شماره‌ای به ثبت رسیده است والا به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال محکوم می‌شود.

ماده ۱۴ – کسبه جزء و ضوابط مرتبط با فعالیت آنها مطابق آئین‌نامه‌ای که ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد وزارت بازرگانی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، معین می‌شود.

فصل سوم – نام تجارتی

ماده ۱۵ – نام تجارتی، اسم یا عنوانی است که نمایانگر یا مشخص کننده تاجر باشد.

ماده ۱۶ – فعالیت تحت یک نام تجارتی درصورتی مجاز است که نام تجارتی ثبت شده باشد.

ماده ۱۷ – نام تجارتی نباید طوری انتخاب شود که موجب اشتباه گردد. مثلاً تاجری که دارای شریک نیست نمی‌تواند برای بنگاه تجاری خود اسمی انتخاب کند که موهم وجود شریک باشد، یا اسمی انتخاب کند که به نام تاجر دیگری مشتبه شود، همچنین هر اسمی که استفاده از آن برخلاف نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد، ممنوع است.

ماده ۱۸ – پس از ثبت نام تجارتی، برای دارنده آن حق انحصاری ایجاد می‌شود هیچ تاجری نمی‌تواند نام تجارتی ثبت شده دیگران را برای فعالیت تجارتی خود انتخاب کند، خواه به صورت اسم یا علامت تجارتی باشد. همچنین استفاده از اسم یا علامت تجارتی مشابه که باعث گمراهی عموم شود ممنوع است، هرچند که نام خانوادگی تاجر باشد.

ماده ۱۹ – نام تجارتی تنها به همراه سرمایه تجارتی قابل انتقال است.

ماده ۲۰ – وزارتخانه‌های دادگستری و بازرگانی مکلفند ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون آئین‌نامه مربوط به شرایط و ضوابط ثبت‌نام تجارتی را تهیه و به‌تصویب هیأت وزیران برسانند.

باب سوم – قراردادهای تجارتی

فصل اول – دلالی

ماده ۲۱ – دلال شخصی است که درمقابل اجرت، واسطه انجام معـاملات می‌شود یا برای شخصی که مایل به انجام دادن معامله‌ای است، طرف معاملـه پیـدا می‌کند. جز درموارد مصرح در این قانون، قرارداد دلالـی تـابع مقـررات راجـع بـه وکالت است.

ماده ۲۲ – دلال می‌تواند در انواع فعالیت‌های تجارتی مربوط به خدمات و کالا، اعم از معاملات منقول و غیرمنقول و عملیات بیمه و حمل و نقل و غیـره، بـه عنوان واسطه دخالت کند.

ماده ۲۳ – دلال می‌تواند به فعالیت تجارتی به سود خود نیز بپردازد، اما به هیچ‌عنوان نمی‌تواند در موضوع دلالی به حساب خود اقدام کند.

تبصره – چنانچه دلال به هرعنوان به حساب خود به معاملاتی بپردازد کـه در آن موضوع اقدام به دلالی می‌کند، معامله او باطل اسـت و بـه جبـران خسـارت زیان‌دیده از این اقدام محکوم می‌شود.

ماده ۲۴ – دلال باید با صداقت دوطرف معامله را از جزئیات قرارداد آگـاه سازد و درمقابل هر یک از آن دو، مسؤول تقلب و تقصـیر خـویش اسـت هرچنـد دلالی را فقط برای یکی انجام داده باشد.

ماده ۲۵ – هیأت عـالی نظـارت موضـوع مـاده (۱۱) قـانون نظـام صـنفی مصوب سال ۱۳۸۲ مکلف است با رعایت قانون نظام صنفی مصوب سـال ۱۳۸۲ و اصلاحات آن، فعالیت واحدهای صنفی را که به‌دلالی اشتغال دارنـد در چـارچوب

اتحادیه‌های صنفی انتظام بخشد و بر تدوین موازین و ضوابط حرفه‌ای لازم توسط تشکل‌های صنفی مزبور نظارت کند، به‌گونه‌ای که هر تشکل تا پایان یک سال پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون دارای ضوابط و مقررات لازم شود. دلالی در رشته هایی که دارای مقررات خاص هستند از شمول این ماده مستثنی است.

ماده ۲۶ – دلال نمی‌تواند از سوی یکی از دو طرف معامله دریافت وجه یا تأدیه دین کند یا تعهدات آنها را به موقع اجرا گذارد، مگر اینکه چنین اجازه‌ای را داشته باشد.

ماده ۲۷ – دلال مسؤول اشیاء و اسنادی است که در جریان معامله به او داده شده، مگراینکه ثابت کند ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبور ناشی از علتی است که به شخص یا خدمه و کارکنان او مربوط نبوده است.

ماده ۲۸ – درموردی که فروش از روی نمونه باشد، دلال باید نمونه کالا را تا پایان اجرای تعهدهای دو طرف یا زمانی که در قرارداد قید شده است نگاه دارد، مگر اینکه به تراضی دوطرف از این قید معاف شده باشد.

ماده ۲۹ – حکم ماده(۲۳) این قانون درمورد افشاء هرگونه اسرار و اطلاعات دو طرف معامله، که دلال به اقتضای شغل خود از آن آگاه شده است نیز جاری است. اطلاعاتی که برای انجام صحیح وظایف دلالی، مطابق ماده(۲۴) این قانون باید به اطلاع دو طرف معامله برسد، مشمول این حکم نیست. همچنین است اطلاعاتی که عرف حرفه‌ای انتقال آن را به دیگران مباح می‌داند، و زیانی به‌بار نمیآورد.

ماده ۳۰ – دلال می‌تواند در یک زمان برای چند آمر دلالی کند، در این

صورت، باید آمران را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود، آگاه سازد.

ماده ۳۱ – هرگاه اسناد معامله انجام شده توسط دلال بین دو طرف رد و بدل شود، درصورتی که امضاها راجع به اشخاصی باشد که توسط او معامله کرده اند، دلال ضامن اصالت امضای آن اسناد است.

ماده ۳۲ – دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می‌کند و اجرای معاملاتی که توسط او انجام می‌شود، نیست.

ماده ۳۳ – دلال مسؤول ارزش و کیفیت و جنس موضوع مورد معامله نیست، مگر این‌که ثابت شود تقصیر از جانب او بوده است.

ماده ۳۴ – هرگاه معامله کننده به اعتبار تعهد شخص دلال معامله کند، دلال ضامن اعتبار معامله و اجرای تعهدهای ناشی از آن در برابر او است.

ماده ۳۵ – درصورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهیم باشد باید به طرفی که این نکته را نمی‌داند اطلاع دهد وگرنه مسؤول خسارات وارده می‌باشد.

ماده ۳۶ – درصورتی که دلال در معامله سهیم باشد با آمر خود متضامناً مسؤول اجرای تعهد است.

ماده ۳۷ – دلال نمی‌تواند اجرت دلالی را مطالبه کند مگر درصورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد.

ماده ۳۸ – دلال حق ندارد برخلاف تعهد خود در برابر کسی که به او مأموریت داده است، به نفع طرف دیگر معامله اقدام کند یا برخلاف عرف تجارتی محل از آن طرف وجهی دریافت یا وعدهء وجهی را قبول کند دراین صورت

مستحق دریافت اجرت و مخارجی که کرده است نخواهد بود.

تبصره – هرگاه اتمام معامله منوط به حصول شـرطی باشـد، دلال پـس از تحقق شرط، مستحق اجرت است.

ماده ۳۹ – مخارجی را که دلال با اذن یا اجازه آمر می‌کند، حتی در فـرض انجام نشدن معامله نیز قابل مطالبه است. همچنین است درموردی که عرف تجارتی محل به پرداخت هزینه‌ای حکم کند.

ماده ۴۰ – درصورتی که معامله اقاله یا به اسـتناد یکـی از خیـارات فسـخ بشود حق دلالی از بین نمی‌رود، مشروط بر این که انحلال معامله منتسب بـه دلال نباشد.

ماده ۴۱ – دلالی معامله ممنوع اجرت ندارد.

ماده ۴۲ – دلال باید علاوه بر دفاتر موضوع ماده (۴) این قـانون، در دفتـر ویژه‌ای کلیه معاملاتی را که به دلالی او انجام گرفته‌اند با ذکر مشخصات معاملـه و طرفهای معامله ثبت کند.

نحوه تنظیم این دفتر و چگونگی ثبت معاملات را آئین‌نامـه‌ای کـه ظـرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد و به‌تصویب وزرای امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی و دادگستری می‌رسد، معـین خواهد کرد.

فصل دوم – حق‌العملکاری

ماده ۴۳ – حق‌العملکاری قراردادی است که به موجب آن شخصی که حق العملکار نامیده می‌شود بنا به درخواست دیگر که آمر می‌باشد، معامله یا معاملات مشخصی را در ازای کارمزدی معین، به نام خود و به حساب آمر انجام می‌دهد.

ماده ۴۴ – درمواردی که در این قانون سکوت شده است، مقررات راجع به وکالت در حق‌العملکاری جاری خواهد بود.

ماده ۴۵ – حق‌العملکار باید آمر را از جریان اقدامات خود آگاه کند و درصورت انجام دادن معامله، بی‌درنگ مراتب را با ذکر مشخصات و زمان معامله به آمر اطلاع دهد.

ماده ۴۶ – حق‌العملکار مکلف به بیمه کردن اموال موضوع معامله نیست، مگر در مواردی که به حکم قانون و یا دستور آمر بیمه اجباری باشد.

ماده ۴۷ – اگر کالایی که به‌منظور فروش برای حق‌العملکار ارسال شده است، معیوب باشد، حق‌العملکار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع به متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارت، به‌نحو مقتضی برای محافظت کالا، اقدامات لازم را به عمل آورد و آمر را از اقدامات خود آگاه کند، وگرنه مسؤول خسارت ناشی از این غفلت است.

ماده ۴۸ – اگر بیم فساد سریع کالایی رود که نزد حق‌العملکار برای فروش ارسال شده است، درصورتی که منافع آمر ایجاب کند، حق‌العملکار مکلف است کالا را با اطلاع دادستان یا نماینده او به فروش برساند.

ماده ۴۹ – اگر حق‌العملکار کالا یا خدمات را به کمتر از قیمتی که آمر

معین کرده است بفروشد یا به قیمتی بیش از آنچه آمر معین کرده است، بخرد دربرابر آمر مسؤول تفاوت قیمت است، مگر اینکه حق‌العملکار ثابت کند معاملهء انجام شده به منظور جلوگیری از ورود ضرر بیشتری به آمر بوده و تحصیل اجازهء آمر به هنگام، مقدور نبوده است.

ماده ۵۰ – اگر حق‌العملکار تقصیر کرده باشد، مسؤول جبران کلیه خساراتی است که از تقصیر او ناشی شده است.

ماده ۵۱ – اگر حق‌العملکار، کالا را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده است، بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین کرده است، بفروشد حق استفاده از تفاوت قیمت را ندارد و باید آن را به حساب آمر محسوب کند.

ماده ۵۲ – اگر حق‌العملکار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا برای خرید پیش‌پرداخت دهد، ضررهای ناشی از آن برعهده خود او است. با وجود این درصورتی که عرف تجارتی فروش نسیه یا پیش‌پرداخت را ایجاب کند، حق العملکار ماذون به آن محسوب می‌شود، مگر درصورت دستور مخالف آمر.

ماده ۵۳ – حق‌العملکار در مقابل آمر مسؤول اجرای تعهدات طرف معامله نیست، مگر این که مجاز به معاملهء اعتباری نباشد یا ضمانت طرف معامله را کرده باشد یا عرف تجارتی او را مسؤول شناسد.

ماده ۵۴ – هزینه‌های لازم برای انعقاد معامله و اجرای تعهدات ناشی از آن ، مانند انبارداری و حمل و نقل و بیمه، به عهده آمر است و اگر حق‌العملکار پرداخته باشد، می‌تواند آن را مطالبه کند. همچنین است هر پرداخت دیگری که در جریان معامله به سود آمر انجام شده است.

ماده ۵۵ – وقتی حق‌العملکار مستحق کارمزد می‌شود که معامله انجام شده باشد، نسبت به مواردی که عدم انجام آن مستند به فعل آمر یا سبب دیگری بوده است، حق‌العملکار مستحق اجرتی است که عرف برای اقدام او معین می‌کند.

ماده ۵۶ – اگر حق‌العملکار رعایت امانت را نکند و به‌عنوان مثال بهایی بیش از قیمت خرید یا کمتر از قیمت فروش به حساب آمر منظور دارد، مستحق کارمزد نیست و آمر می‌تواند خود طرف معامله با خریدار یا فروشنده قرار گیرد. این امر مانع از اجرای مجازات خیانت در امانت نخواهد بود.

ماده ۵۷ – حق‌العملکار در مقام وصول مطالبات خود از آمر نسبت به اموال موضوع معامله و قیمتی که اخذ کرده است حق حبس دارد.

ماده ۵۸ – اگر فروش کالا ممکن نشود و یا آمر از اجازه فروش رجوع کند و کالا را بیش از حد متعارف نزد حق‌العملکار بگذارد، حق‌العملکار می‌تواند آن را با نظارت دادستان یا نماینده او ازطریق مزایده به فروش برساند. اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد، فروش بدون حضور او یا نماینده او به عمل خواهد آمد. در هرحال قبلاً باید به نحو مضبوطی به او اطلاع داده باشد، مگر این که کالا ضایع شدنی یا سریع‌الفساد باشد.

ماده ۵۹ – اگر حق‌العملکار مأمور به خرید یا فروش کالا یا اسناد تجاری یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد، می‌تواند خود طرف معامله قرار گیرد، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد. در این صورت طرف معامله بودن حق‌العملکار مانع از مطالبه هزینه‌های قراردادی یا متعارف حق‌العملکار نیست.

ماده ۶۰ – درمواردی که حق‌العملکار می‌تواند طرف معامله قرار گیرد، اگر

انجام معامله را بدون تعیین طرف معامله به آمر اطلاع دهد، خود طرف معامله محسوب می‌شود.

ماده ۶۱ – اگر آمر از امر خود رجوع کند و حق‌العملکار قبل از ارسال خبر معامله، از این رجوع مطلع گردد دیگر نمی‌تواند معامله‌ای را انجام دهد.

ماده ۶۲ – معاملاتی که حق‌العملکار انجام می‌دهد برای آمر محسوب می شود، مگر اینکه خلاف آن را در معامله تصریح کند یا بعد خلاف آن ثابت شود ولی اگر موضوع معامله مال معین و متعلق به آمر باشد، آن معامله برای آمر محسوب می‌شود.

فصل سوم – حمل و نقل

ماده ۶۳ – تعاریف:

۱ – قرارداد حمل و نقل: پیمانی است که به‌موجب آن شخصی که متصدی حمل و نقل نامیده می‌شود در برابر دیگری تعهد می‌کند که درمقابل اجرت ، اشخاص یا کالاها را با شرایط معین و با وسیله معینی از محلی به محل دیگر حمل کند.

۲ – متصدی حمل و نقل: شخصی است که درمقابل اجرت، تصدی به حمل کالاها یا اشخاص را برعهده می‌گیرد.

۳ – حمل و نقل کننده فرعی: شخصی است که اجرای قرارداد حمل و نقل یا اجرای بخشی از آن توسط متصدی حمل و نقل به او واگذار می‌شود. این تعریف شامل هر شخص دیگری هست که اجرای تمام یا بخشی از قرارداد به وی

واگذار شده است.

۴ – فرستنده: شخصی است که به نام یا به حساب وی با متصدی حمل و نقل قرارداد بسته شده یا کالا به نام یا به حساب وی به متصدی حمل و نقل تحویل داده شده است.

۵ – گیرنده: شخصی است که مجاز به دریافت کالا در مقصد می‌باشد.

۶ – کالا: کالا شامل هرگونه مال اعم از اموال و اشیاء جامد یا مایع یا گاز و حیوانات می‌گردد. درموردی که کالا در داخل کانتینر، جعبه، قفس یا پالت یا هر وسیله مشابه دیگری قرار داده شده یا به‌گونه‌ای بسته‌بندی شده است، کلمه کالا شامل کانتینر، جعبه، قفس، پالت و وسایل مشابه دیگر نیز می‌گردد، به شرط آنکه به وسیله فرستنده تهیه شده باشد.

۷ – بارنامه: سندی کاغذی یا الکترونیک است که به تقاضای فرستنده و به وسیله متصدی حمل و نقل یا نماینده او صادر و توسط اشخاص یاد شده امضاء گردیده و مشخصات کامل کالا در آن قید شده است و دلیل وجود قرارداد حمل و نقل و رسید تحویل کالا به متصدی حمل و نقل محسوب می‌شود. عدم صدور بارنامه یا ناقص بودن آن تأثیری براعتبار قرارداد حمل و نقل ندارد.

۸ – دوره مسؤولیت متصدی حمل و نقل کالا: دوره مسؤولیت متصدی حمل و نقل کالا از لحظه‌ای شروع می‌شود که کالا در مبدأ حمل دراختیار و تحت کنترل وی، نماینده یا قائم‌مقام وی قرار می‌گیرد تا زمانی که در مقصد دراختیار و تحت کنترل گیرنده، نماینده یا قائم مقام وی قرار داده شود، ادامه دارد.

۹ – دوره مسؤولیت متصدی حمل و نقل مسافر شامل مدتی است که

مسافر در سالن یا سکوی مخصوص سوار شدن و درحال سوار شدن، داخل وسیله نقلیه و در حال پیاده‌شدن از آن است.

ماده ۶۴ – قرارداد حمل و نقل، تابع این قانون است مگر آن‌که قانون دیگر مقررات خاصی برای آن وضع کرده باشد. درموارد سکوت، قرارداد حمل و نقل تابع قواعد عمومی وکالت است.

ماده ۶۵ – فرستنده باید این اطلاعات را به متصدی حمل و نقل ابلاغ کند:

۱ – نشانی صحیح گیرنده.

۲ – محل تحویل کالا.

۳ – نوع کالا و مشخصات آن، اعم از تعداد، مقدار و وزن. چنانچه کالا در طول مدت حمل نیاز به مراقبت مخصوص داشته باشد، مانند کالاهای گرانبها، حیوانات، کالاهای خطرناک و آتش‌زا، تبخیر شونده، فاسد شدنی و خورنده، باید اطلاعات مربوط به آن نیز به وضوح ارائه شود. چنانچه فرستنده اطلاعات یاد شده را ارائه نکند یا به غلط ارائه دهد خسارت‌های ناشی از آن بر عهده وی خواهد بود.

ماده ۶۶ – فرستنده باید کالا را به طرز مناسب بسته‌بندی کند و عهده‌دار خسارت ناشی از عیوب بسته‌بندی است، ولی خسارات ناشی از بارگیری و بارچینی نادرست برعهده متصدی حمل و نقل است.

ماده ۶۷ – اگر بسته‌بندی عیب ظاهری داشته و متصدی حمل و نقل کالا را بدون قید عدم مسؤولیت قبول کرده باشد مسؤول خسارات خواهد بود.

ماده ۶۸ – فرستنده می‌تواند مادام که کالا دراختیار متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارج و خساراتی که متصدی حمل و نقل متحمل شده

پس بگیرد، مگر در موارد ذیل:

۱ – درصورتی که بارنامه به گیرنده کالا تسلیم شده باشد.

۲ – درصورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به فرستنده داده و فرستنده نتواند آن را پس دهد.

۳ – درصورتی که متصدی حمل و نقل به گیرنده اعلام کرده باشد که کالا به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد.

۴ – درصورتی که پس از وصول کالا به مقصد گیرنده تسلیم آن را تقاضا کرده باشد. در این موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور گیرنده عمل کند. معذلک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به فرستنده داده مادام که بار به مقصد نرسیده مکلف به رعایت دستورگیرنده نخواهد بود مگر این‌که رسید به گیرنده تسلیم شده باشد.

۵ – فرستنده نمی‌تواند دستوری بدهد که موجب تقسیم شدن کالا به دو یا چند قسمت شود.

ماده ۶۹ – اگر گیرنده کالا را قبول نکند یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت کالا تأدیه نشود یا به گیرنده دسترسی نباشد، متصدی حمل ونقل باید مراتب را به‌اطلاع فرستنده برساند و کالا را نزد خود به امانت نگاه دارد یا نزد دیگری به امانت گذارد و درهر دوصورت مخارج ناشی از این امر به عهده فرستنده خواهد بود. اگر فرستنده یا گیرنده در مدت مناسبی تکلیف بار را معین نکند، متصدی حمل و نقل می‌تواند مطابق ماده(۴۸) این قانون آن را به فروش رساند. منتها، باید فرستنده و گیرنده را از این‌که بار به فروش خواهد رسید، از قبل آگاه

کند، مگر این‌که مقدور نباشد.

ماده ۷۰ – اگر کالا در معرض تضییع سریع باشد یا قیمتی که می‌توان برای آن فرض کرد مخارجی را که برای آن می‌شود، تأمین نکند، متصدی حمل و نقل باید فوراً مراتب را به اطلاع دادستان محل یا نماینده او برساند و با نظارت او مال را به فروش برساند. منتها، باید فرستنده و گیرنده را از این‌که مال‌التجاره به فروش خواهد رسید، درصورتی که ممکن باشد، از قبل آگاه کند.

ماده ۷۱ – اگر کالا تلف، ناقص یا گم شود متصدی حمل و نقل مسؤول قیمت آن است، مگر این که ثابت کند تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود کالا یا مستند به تقصیر فرستنده یا گیرنده یا ناشی از دستورها و اطلاعاتی بوده است که یکی از آنها داده‌اند یا به حوادثی مربوط می‌شود که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری کند.

دو طرف می‌توانند در قرارداد برای میزان خسارات مبلغی زیادتر از قیمت کامل کالا معین کنند. اما شرط خسارت به کمتر از قیمت کالا باطل است.

ماده ۷۲ – متصدی حمل و نقل مسؤول جبران هرگونه خسارت جانی، مادی و معنوی مسافران است مگر آن که ثابت کند خسارت در نتیجه تقصیر خود مسافر حادث شده یا ناشی از قوه قاهره یا علت خارجی بوده است که هیچ متصدی مواظبی نمی‌توانسته از آن جلوگیری کند.

ماده ۷۳ – درمورد خسارت‌های ناشی از تأخیر تسلیم یا نقص یا سایر خسارات کالا نیز متصدی حمل و نقل درحدود ماده فوق مسؤول خواهد بود. خسارات مزبور نمی‌تواند از خساراتی که ممکن بود درصورت تلف شدن تمام کالا

حکم به آن شود تجاوز کند، مگر این‌که دو طرف در قرارداد به نحو دیگری توافق کرده باشند.

تبصره ۱ – تأخیر در تحویل هنگامی رخ می‌دهد که کالا در مدت یا زمان مورد توافق و درصورت فقدان چنین توافقی، در مدت معقولی که با توجه به اوضاع و ا حوال از متصدی مواظب انتظار می‌رود، به گیرنده تسلیم نشده باشد.

تبصره ۲ – اگر شصت روز تمام پس از گذشتن موعد تحویل مطابق تبصره (۱) این ماده، کالا به گیرنده تحویل نشده باشد، مدعی خسارت می‌تواند آن را تلف یا گم‌شده فرض کند.

ماده ۷۴ – متصدی حمل و نقل مسؤول خسارات است که در دوره حمل و نقل واقع شده اعم از این‌که خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده فرعی را مأمور کرده باشد.

بدیهی است که درصورت اخیر رجوع او به حمل و نقل کننده فرعی که ازجانب او مأمور شده محفوظ است.

ماده ۷۵ – متصدی حمل و نقل باید به محض رسیدن کالا به مقصد، گیرنده را آگاه کند.

ماده ۷۶ – اگر گیرنده هزینه‌های حمل و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل براساس توافق دو طرف، مقررات عرف تجارتی ادعا دارد، قبول نکند حق تقاضای تحویل را نخواهد داشت، مگر این‌که مبلغ مورد اختلاف را تا پایان دعوا درصندوق دادگستری به ودیعه گذارد.

ماده ۷۷ – اگر گیرنده کالا را بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن را پرداخت

کند، دعوای او از این بابت مسموع نیست، مگر در مورد تدلیس یا تقصیر سنگین متصدی، به‌علاوه متصدی حمل و نقل مسؤول خسارت غیرظاهر نیز خواهد بود درصورتی که گیرنده آن خسارت را مشاهده و حداکثر ظرف سی روز تقویمی بعد از تحویل کالا به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد.

ماده ۷۸ – درهر مورد که بین متصدی حمل و نقل و گیرنده اختلاف باشد، دادگاه تجارتی صالح می‌تواند به تقاضای یکی از دوطرف دستور دهد کالا تا پایان دعوا نزد ثالثی امانت بماند یا درصورت ضرورت فروخته شود. فروش کالا باید پس از تنظیم صورتمجلسی که حاکی از وضع کالا و ضرورت فروش باشد به عمل آید. با پرداخت تمام مخارج و وجوهی که براساس توافق دو طرف و مقررات ادعا می‌شود یا سپردن آن به صندوق دادگستری می‌توان از فروش کالا جلوگیری کرد.

ماده ۷۹ – نسبت به دعوی خسارت برعلیه متصدی حمل و نقل یا حمل و نقل کننده فرعی مدت مرور زمان یک سال است. مبداء این مدت در صورت تلف، ناقص یا گم شدن کالا و یا تأخیر در تحویل، روزی است که تحویل بایستی در آن روز به عمل آمده باشد و درمورد خسارات روزی است که کالا به گیرنده تحویل شده است.

ماده ۸۰ – حمل و نقل به وسیله پست و همچنین قراردادهای اجاره وسایط نقلیه زمینی، هوایی یا دریایی تابع مقررات این باب نیست. قراردادهای حمل و نقل، هرچند به‌صورت قرارداد اجاره تنظیم شود مشمول این قانون است.

فصل چهارم – قائم‌مقامی و نمایندگی تجارتی

ماده ۸۱ – قائم‌مقام تجارتی شخصی است که تاجر، برای انجام فعالیت های تجارتی خود به او نیابت می‌دهد و امضای او برای تاجر الزام‌آور است. این سمت ممکن است کتبی داده شود یا در عمل و به طور ضمنی، ولی در هر حال مراتب باید در دفتر ثبت تجارتی قید گردد، وگرنه در حقوق اشخاص ثالث بی‌اثر است.

ماده ۸۲ – تحدید اختیار قائم‌مقام تجارتی باید در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برسد. درهرصورت تحدید اختیار قائم‌مقام در برابر اشخاصی که از آن آگاه نشده‌اند قابل استناد نیست.

ماده ۸۳ – قائم‌مقامی تجارتی ممکن است به اجتماع داده شود، باقید این‌که تا همه امضاء نکنند تاجر ملزم نباشد ولی این قید درمقابل اشخاص ثالثی که از آن آگاه نشده‌اند درصورتی قابل استناد است که در دفتر ثبت تجارتی به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و یکی از نشریات کثیرالانتشار اعلام شده باشد.

ماده ۸۴ – قائم‌مقام تجارتی بدون اذن تاجر نمی‌تواند کسی را به‌طور عام در فعالیت‌های تجارتی نایب خود قرار دهد.

ماده ۸۵ – عزل قائم‌مقام تجارتی که به شرح مواد فوق نیابت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات به ثبت رسیده و اعلان شود والا در مقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده نیابت باقی محسوب می‌شود. درصورتی که پس ازعزل قائم‌مقام تجارتی و ثبت اعمال آن، وی همچنان عملاً به عملیات تجارتی موضوع قائم‌مقامی اشتغال داشته باشد درمقابل اشخاص ثالث قائم‌مقام تجارتی محسوب می

شود.

ماده ۸۶ – با فوت یا حجر تاجر یـا انحـلال شـرکت ومؤسسـه تجـارتی، سمت قائم‌مقام تجارتی پایان می‌یابد، لـیکن تـا تعیـین جانشـین مسـؤولیت اداره و نگهداری اموال و دارایی‌ها را برعهده خواهد داشت.

ماده ۸۷ – غیر از آنچه در این قانون تصریح شده قائم‌مقـام تجـارتی تـابع قواعد عمومی وکالت است.

ماده ۸۸ – نماینده تجارتی شخص مستقلی است که بدون قـرارداد اجـاره خدمات، در برابر تاجر اعطاء کننده نمایندگی، تعهـد مـی‌کنـد کـه در ازاء دریافـت اجرت نسبت به بازاریابی، مذاکره مقدماتی یا انعقاد قرارداد خرید، فروش یا اجـاره کالاها یا خدمات برای مدت محدود یا نامحدود به‌نام و به حسـاب او اقـدام کنـد. اعطای نمایندگی ممکن است کتبی و صریح باشد یا ضمنی و عملی.

تبصره – نمایندگی در امور تجارتی که دارای قـوانین خاصـی اسـت تـابع قوانین مخصوص به خود قرار می‌گیرد.

ماده ۸۹ – نماینده تجارتی می‌تواند بـدون اجـازه اعطاءکننـده نماینـدگی، نمایندگی اشخاص دیگر را نیز قبول کند اما نمی‌تواند بدون موافقت وی نماینـدگی شخصی را قبول کند که در همان موضوع با اعطاء کننـده نماینـدگی فعلـی رقابـت تجارتی دارد.

ماده ۹۰ – قرارداد نمایندگی براساس منافع مشترک دو طـرف منعقـد مـی شود و رابطه آنها مبتنی بر تعهد متقابل به راسـتی و درسـتکاری و الـزام بـه اطـلاع رسانی به یکدیگر است. نماینده تجارتی باید تمـام اطلاعـات لازم را در رابطـه بـا

موضوع نمایندگی به اعطاءکننده نمایندگی ارائه کند و اعطاءکننده نمایندگی نیز باید تمام اطلاعات لازم برای انجام نمایندگی و هرگونه مدارک و اسناد مربوط درخصوص موضوع نمایندگی را دراختیار نماینده تجارتی قرار دهد. همچنین اگر پیش‌بینی می‌کند که حجم معاملات به نحو محسوسی تغییر خواهد یافت یا با انتظار طبیعی نماینده تجارتی متفاوت است به طوری که وی نوعاً از آن متأثر می‌شود، باید این امر را در مهلت معقولی به نماینده اطلاع دهد.

ماده ۹۱ – نماینده تجارتی مستحق اجرت طبق مفاد قرارداد نمایندگی می باشد. درصورت سکوت قرارداد، اجرت براساس عرف معمول در محلی که فعالیت نمایندگی در آن انجام می‌شود محاسبه می‌شود و درصورت فقدان چنین عرفی، اجرت معقولی است که برمبنای شرایط ویژه فعالیت او تعیین می‌شود.

ماده ۹۲ – نماینده تجارتی حق دریافت اجرت برای تمام قراردادهای منعقده در طول نمایندگی را دارد، مشروط بر آنکه قراردادهای مزبور به مدد مداخله و همکاری وی منعقد شده باشد، یا اگر قرارداد با شخص ثالثی منعقد شده نماینده تجارتی قبلاً وی را برای همین نوع قرارداد جذب نموده باشد. هنگامی که نماینده تجارتی متعهد شده است که در یک منطقه جغرافیایی یا با اشخاص معینی فعالیت کند، مستحق اجرت برای تمام قراردادهایی است که در مدت نمایندگی با اشخاص متعلق به آن منطقه جغرافیایی یا اشخاص متعلق به آن گروه منعقد شده است.

ماده ۹۳ – نماینده تجارتی درموارد زیر مستحق اجرت قراردادهایی است که پس از پایان نمایندگی منعقد شده است:

۱ – درصورتی که قرارداد در نتیجه فعالیت‌های نماینده درطول دوره

نمایندگی و در مدت معقولی پس از خاتمه قرارداد نمایندگی منعقد شده باشد.

۲ – هنگامی که در شرایط پیش‌بینی شده در ماده قبل، پیش از پایان نمایندگی سفارش شخص ثالث به نماینده یا اعطاءکننده آن فرستاده شده باشد.

ماده ۹۴ – چنانچه طبق ماده(۹۳) این قانون نماینده تجارتی سابق استحقاق اجرت معامله‌ای داشته باشد، نماینده کنونی حقی ندارد مگر این‌که اوضاع و احوال عرفی اجرت را ایجاب کند.

ماده ۹۵ – به محض این‌که اعطاء کننده نمایندگی قرارداد را اجراء نمود یا باتوجه به قرارداد منعقده با شخص ثالث باید اجرا می‌کرد و همچنین به مجرد اجرای قرارداد از سوی شخص ثالث، نماینده تجارتی مستحق اجرت می‌باشد. اگر اعطاء کننده نمایندگی قسمت مربوط به خود از قرارداد را اجرا کرده باشد، اجرت حداکثر زمانی پرداخت می‌شود که شخص ثالث بخش مربوط به خود از قرارداد را اجرا کرده باشد یا باید اجرا می‌کرد.

تبصره ۱ – اعطاء کننده نمایندگی باید ظرف مدت معقول، نماینده را از قبول، رد یا عدم انعقاد قراردادی که نماینده زمینه انعقاد آن را فراهم کرده، مطلع سازد در غیراین‌صورت نماینده مستحق اجرت برای آن قرارداد است.

تبصره ۲ – حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ استحقاق نماینده اعطاءکننده نمایندگی باید فهرست اجرت‌های پرداخت نشده را به نماینده تجارتی تسلیم کند. این فهرست باید شامل همه معیارهایی که اجرت براساس آنها محاسبه می‌شود، باشد. نماینده تجارتی می‌تواند به‌منظور بررسی مبلغ اجرت‌های پرداخت نشده از اعطاء کننده همه اطلاعات و خلاصه اسناد مالی مربوطه را مطالبه کند.

ماده ۹۶ – چنانچه مسلم شود که قرارداد منعقده بین اعطاءکننده نمایندگی و ثالث اجرا نمی‌شود و این امر ناشی از قصور یا تقصیر اعطاءکننده نمایندگی نیست، نماینده مستحق اجرت نخواهد بود و اگر آن را گرفته باشد باید آن را مسترد دارد.

ماده ۹۷ – درموردی که قرارداد نمایندگی برای مدت معین منعقد شده است و دوطرف پس از انقضای مدت، آن را ادامه می‌دهند چنین فرض می‌شود که تعهدات قراردادی آنها باقی است مگر آنکه یکی از دو طرف به نحو مضبوطی با اخطار قبلی سه‌ماهه آن را خاتمه دهد. دو طرف قرارداد نمی‌توانند به مهلتی کمتر از سه ماه توافق کنند و اگر به مدت بیشتر توافق نمایند، مهلت پیش‌بینی شده برای اعطاءکننده نمایندگی نباید کوتاهتر از مهلتی باشد که برای نماینده تجارتی پیش‌بینی شده است درصورتی که قرارداد به علت تقصیر سنگین یکی از دو طرف یا قوه قهریه خاتمه یابد مقررات این ماده اعمال نمی‌شود.

ماده ۹۸ – درصورت قطع رابطه نمایندگی به هر دلیل، نماینده تجارتی مستحق دریافت خسارت برای جبران حقوق قراردادی خود می‌باشد چنانچه ظرف یک سال از تاریخ قطع رابطه قرارداد، نماینده تجارتی برای استیفای حقوق قراردادی به اعطاءکننده نمایندگی اخطار نکند، حق مطالبه خسارت را از دست خواهد داد. هرگاه توقف رابطه نمایندگی به علت فوت یا عدم اهلیت نماینده باشد، قائم‌مقام قانونی وی حق مطالبه خسارت جبرانی را ظرف مدت یک سال از تاریخ فوت یا عدم اهلیت، دارد.

ماه ۹۹ – قرارداد نمایندگی ممکن است متضمن شرط عدم رقابت پس از

خاتمه قرارداد باشد. این شرط باید مکتوب و محدود به منطقه جغرافیایی و درصورت مقتضی، مربوط به گروه اشخاصی باشد که فعالیت نماینده تجارتی به آنها مربوط می‌شود و همچنین باید محدود به نوع کالاها و خدماتی باشد که موضوع قرارداد نمایندگی بوده است. شرط عدم رقابت حداکثر تا دو سال پس از خاتمه قرارداد معتبر است.

ماده ۱۰۰ – وقتی که فعالیت نماینده تجارتی در اجرای قرارداد مکتوبی انجام می‌شود که اساساً برای موضوع دیگری منعقد شده است، دو طرف قرارداد می‌توانند کتباً توافق کنند که مقررات این باب از قانون درمورد بخش مربوط به نمایندگی تجارتی آن اعمال نشود. اگر در عمل معلوم شود که فعالیت نماینده تجارتی در قرارداد مزبور در واقع فعالیت اصلی را تشکیل می‌داده است، توافق مزبور باطل و بی‌اثر می‌باشد.

فصل پنجم – گروه اقتصادی با منافع مشترک

ماده ۱۰۱ – گروه اقتصادی با منافع مشترک عبارت است از تشکیل دو یا چند شخص که به‌منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجارتی و افزایش نتایج فعالیت‌های اعضای گروه به موجب قرارداد برای دوره محدود تشکیل می شود.

تبصره – عملیات این گروه اقتصادی باید با فعالیت اعضای آن مرتبط بوده و تکمیل‌کننده آن باشد.

ماده ۱۰۲ – گروه اقتصادی با منافع مشترک می‌تواند بدون سرمایه تشکیل

شود. حقوق اعضای گروه نمی‌تواند به وسیله اسناد قابل انتقال به غیر منتقل شود و هر شرط خلاف این امر باطل است.

ماده ۱۰۳ – گروه اقتصادی با منافع مشترک باید در دفتر ثبت تجارتی ثبت شود و از تاریخ ثبت از شخصیت حقوقی برخوردار خواهد شد. لیکن این ثبت‌نام، اماره تجارتی بودن گروه تلقی نمی‌شود.

تبصره – گروه اقتصادی با منافع مشترک که موضوع آن فعالیت تجارتی است می‌تواند فعالیت‌های تجارتی مربوط را به حساب خود انجام دهد.

ماده ۱۰۴ – اشخاصی که به نام گروه اقتصادی با منافع مشترک در شرف ثبت که هنوز دارای شخصیت حقوقی نیست اقدام می‌نمایند، متضامناً و به‌طور نامحدود مسؤول اقدامات خود می‌باشند. درصورتی که گروه اقتصادی پس از ثبت و تشکیل قانونی اقدامات مزبور را تنفیذ کند، چنین فرض می‌شود که تعهدات مربوط از ابتدا به وسیله گروه اقتصادی به‌عهده گرفته شده است. به هرحال ثبت گروه اقتصادی با منافع مشترک موجب سقوط تعهدات درمقابل دیگران نمی‌شود.

ماده ۱۰۵ – بطلان قرارداد گروه اقتصادی با منافع مشترک و همچنین عدم اعتبار اقدامات و تصمیمات گروه، فقط درصورت تخلف از قواعد آمره مقید در این باب و یا به دلیل وجود یکی از علل بطلان قراردادها حاصل می‌شود، چنانچه علت و منشاء بطلان در هر مرحله‌ای از دادرسی از بین برود دعوای بطلان رد خواهد شد.

تبصره – به هرصورت بطلان گروه یا فعالیت‌ها و تصمیمات گروه درمقابل اشخاص ثالث قابل استناد نخواهد بود.

ماده ۱۰۶ – اعضای گروه اقتصادی متضامناً مسؤول پرداخت دیون گروه اقتصادی از اموال شخصی خود می‌باشند، مگر این‌که با اشخاص ثالث طرف قرارداد خلاف این امر توافق شده باشد. معالوصف چنانچه قرارداد بین اعضاء اجازه بدهد عضو جدید می‌تواند نسبت به دیونی که قبل از عضویت او ایجاد شده اند معاف باشد. تصمیم به معافیت باید در روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود. طلبکاران گروه اقتصادی درصورتی می‌توانند برای وصول طلب خود به اعضاء رجوع کنند که اقدامات آنها برای وصول طلب از گروه اقتصادی بی‌نتیجه مانده باشد.

تبصره – مسؤولیت اعضاء گروه در برابر یکدیگر تابع ضوابط قرارداد بین آنها می‌باشد.

ماده ۱۰۷ – گروه اقتصادی با منافع مشترک می‌تواند مطابق شرایط عمومی انتشار اوراق مشارکت به‌وسیله شرکتها، این‌گونه اوراق را صادر کند، به شرط آنکه خود گروه اقتصادی مزبور منحصراً از شرکتهایی تشکیل شده باشد که طبق قانون شرایط انتشار اوراق مشارکت را دارند. سررسید اوراق مشارکت نباید فراتر از مدت گروه اقتصادی باشد.

ماده ۱۰۸ – قرارداد تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک، سازماندهی گروه مزبور را ضمن رعایت مقررات این باب تعیین می‌کند. این قرارداد باید کتبی باشد و موارد ذیل در آن قید گردد:

۱ – نام گروه اقتصادی.

۲ – اسامی اعضاء و نشانی اقامتگاه آنها.

۳ – شماره ثبت آنها (درصورت وجود).

۴ – مدت گروه اقتصادی.

۵ – موضوع فعالیت گروه اقتصادی.

۶ – نشانی اقامتگاه گروه اقتصادی.

۷ – نام و مشخصات صاحبان حق امضاء اسناد تعهدآور.

۸ – نحوه بازرسی حسابهای گروه.

موارد فوق و هرگونه تغییر و اصلاح آن طبق مقررات باید منتشر شود و فقط پس از انتشار برای عموم در مقابل اشخاص ثالث معتبر است.

ماده ۱۰۹ – گروه اقتصادی با منافع مشترک در طول دوره فعالیت خود می تواند با رعایت شرایط قراردادی که براساس آن تشکیل شده عضو جدید بپذیرد و هر یک از اعضاء نیز می‌تواند با رعایت شرایط قرارداد از گروه خارج شود مشروط بر این‌که تعهدات خود را انجام داده باشد یا با موافقت سایر اعضاء به نحو مؤثری ترتیب انجام آن را بدهد.

ماده ۱۱۰ – اتخاذ هرگونه تصمیم درمورد تعیین مدیران، نحوه اداره گروه، انحلال پیش از موعد، افزایش یا کاهش در حقوق و تعهدات اعضاء گروه و یا تمدید مدت در صلاحیت اعضاء آن می‌باشد. شیوه تصمیم‌گیری و از جمله موارد ذیل باید در قرارداد مشخص شود:

الف – تعداد آرایی که به هر یک از اعضاء تخصیص داده شود.

ب – حدنصاب لازم برای اتخاذ تصمیمات.

ج – حد نصاب لازم برای رسمیت یافتن جلسات. درصورت سکوت قرارداد درمورد بند (الف) هر عضو یک رأی دارد و درمورد بندهای (ب) و (ج) تصمیمات باید به‌اتفاق آراء اتخاذ گردد. جلسات به درخواست یک چهارم اعضای گروه لزوماً باید تشکیل شود.

تبصره – اتخاذ تصمیم درموارد ذیل باید به‌اتفاق آراء انجام شود مگر این که در قرارداد اکثریت دیگری پیش‌بینی شده باشد:

۱ – انحلال پیش از موعد گروه اقتصادی.

۲ – افزایش یا کاهش درحقوق یا تعهدات اعضاء گروه.

۳ – تمدید مدت پس از انجام موضوع قرارداد.

ماده ۱۱۱ – گروه اقتصادی با منافع مشترک که به‌وسیله یک یا چند مدیر اداره می‌شود، شخص حقوقی نیز می‌تواند به‌عنوان مدیر منصوب شود، به شرط آن که یک شخص حقیقی را به‌عنوان نماینده دائمی خود معرفی کند. این شخص همان مسؤولیت مدنی و کیفری را خواهد داشت که مدیر حقیقی دارد. مسؤولیت های نماینده رافع مسؤولیت‌های شخص حقوقی که او را انتخاب کرده است، نخواهد بود.

ماده ۱۱۲ – مدیر یا مدیران گروه اقتصادی با منافع مشترک و نمایندگان آنان درصورت نقض قوانین و مقررات یا تخلف از مفاد قرارداد حسب مورد به‌طور انفرادی یا تضامنی درمقابل گروه اقتصادی و اشخاص ثالث مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشند. درصورتی که خسارت حاصله ناشی از عمل دو یا

چند مدیر باشد، در رابطه بین مدیران، دادگاه تجارتی سهم هر یک را در جبران خسارت تعیین می‌کند.

ماده ۱۱۳ – هرگونه اقدام مدیر یا مدیران که درحدود موضوع گروه اقتصادی باشد گروه را درمقابل اشخاص ثالث متعهد می‌سازد و محدود کردن اختیارات مدیران فقط برای اعضاء گروه و بین خود آنها معتبر بوده و درمقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست.

ماده ۱۱۴ – گروههای اقتصادی که به فعالیت‌های تجارتی اشتغال دارند، موظف هستند دفاتر تجارتی موضوع ماده (۴) فصل اول این قانون را نگهداری نمایند و در پایان سال مالی صورت‌های مالی گروه را با رعایت استانداردهای حسابداری و مفاد آیین‌نامه موضوع ماده (۴) این قانون تهیه نمایند. صورت‌های مالی مزبور با رعایت قوانین و مقررات مربوطه توسط بازرس منتخب اعضاء مورد حسابرسی قرار می‌گیرد. اتخاذ تصمیم نسبت به صورت‌های مالی و عملکرد مدیران دراختیار اعضاء می‌باشد.

ماده ۱۱۵ – در کلیه اسناد، اوراق و مکاتبات (اعم از کاغذی و الکترونیکی) که به‌وسیله گروه اقتصادی صادر می‌شود، باید نام گروه اقتصادی که متضمن عبارت «گروه اقتصادی با منافع مشترک» باشد درج گردد. درغیر این صورت گروه اقتصادی به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال محکوم می‌شود.

تبصره – تکلیف بازرس در ماده (۶۲۹) قانون تجارت و الزام ماده (۶۳۰) قانون تجارت مبنی بر دریافت گزارش بازرس توسط مجمع درخصوص گروه

اقتصادی با منافع مشترک صادق خواهد بود.

ماده ۱۱۶ – گروه اقتصادی بدون انحلال می‌تواند به یک شرکت تضامنی تبدیل شود.

ماده ۱۱۷ – گروه اقتصادی با منافع مشترک درموارد ذیل منحل می‌شود:

۱ – با انقضای مدت گروه.

۲ – با انجام موضوع گروه یا غیرممکن شدن انجام آن.

۳ – با تصمیم اعضاء گروه اقتصادی با رعایت شرایط ماده (۱۱۰) این قانون.

۴ – به موجب رأی قطعی دادگاه تجارتی.

۵ – با فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی یکی از اشخاص حقیقی یا انحلال یا ورشکستگی یکی از اشخاص حقوقی عضو گروه، مگر این‌که قرارداد تشکیل گروه اقتصادی طور دیگری مقرر کرده باشد.

ماده ۱۱۸ – درصورت انحلال گروه اقتصادی تا خاتمه عملیات تصفیه شخصیت حقوقی آن جهت انجام تصفیه باقی است.

ماده ۱۱۹ – تصفیه گروه اقتصادی مطابق شرایط قرارداد تشکیل آن انجام می‌شود. درصورت سکوت قرارداد یک یا چند مدیر تصفیه به وسیله اعضاء گروه اقتصادی تعیین می‌گردد. چنانچه اعضاء به هر دلیل نتوانند مدیر تصفیه را تعیین کنند، مدیر تصفیه طبق مقررات ناظر بر انحلال و تصفیه شرکت‌های تجارتی انتخاب می‌شود و اقدام به تصفیه خواهد شد. مدیر تصفیه پس از پرداخت دیون، مازاد دارایی را مطابق شرایط مندرج در قرارداد تشکیل گروه بین اعضاء تقسیم می

کند. درصورت سکوت قرارداد مازاد دارایی به نسبت مساوی بین اعضاء گروه تقسیم می‌گردد.

ماده ۱۲۰ – استفاده از عنوان «گروه اقتصادی با منافع مشترک» فقط به وسیله گروههایی که مطابق این قانون تشکیل می‌شوند مجاز است. استفاده غیرقانونی از این عنوان یا هر عنوان یا اصطلاح و عبارت دیگر که موجب اشتباه و اختلاط با این عنوان گردد مستوجب مجازات حبس از چهار ماه تا یک سال یاجزای نقدی از بیست میلیون (۲۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال برای مرتکبین می‌باشد. درصورت اقتضاء دادگاه تجارتی می‌تواند حکم به انتشار تصمیم خود در جراید کثیرالانتشار بدهد.

ماده ۱۲۱ – آیین‌نامه اجرایی این باب به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های بازرگانی، امور اقتصادی و دارایی و دادگستری حداکثر ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون، تهیه و به‌تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

باب چهارم – ضمانت

ماده ۱۲۲ – ضمانت ناشی از فعالیت‌های تجارتی ممکن است عادی یا مستقل باشد. ضمانت تجارتی تابع احکام این باب است، مگر این‌که در قرارداد به نحو دیگری توافق شده باشد.

ماده ۱۲۳ – ضمانت تجارتی تضامنی است، بدین معنی که مضمون‌له می تواند همزمان به ضامن و متعهد اصلی رجوع کند یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم انجام تعهد برای تمام یا بقیه تعهد به دیگری رجوع کند، مگر این‌که در قرارداد

شرط دیگری شده باشد.

ماده ۱۲۴ – ضمانت تجارتی عادی قراردادی است که به موجب آن شخصی در برابر دیگری تعهد شخص ثالثی را به عهده بگیرد. متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون‌له و ثالث را مضمون عنه یا متعهد اصلی می‌گویند.

ماده ۱۲۵ – بقاء ضمانت تجارتی عادی مبتنی بر بقاء تعهد اصلی است لذا اگر تعهد اصلی ساقط شود، ضامن نیز بری می‌شود.

ماده ۱۲۶ – درموردی که تعهد قائم به شخص است ضمانت از آن اثری ندارد مگر با رضایت مضمون‌له.

ماده ۱۲۷ – قبل از رسیدن موعد تعهد اصلی، نمی‌توان ضامن را ملزم به اجرای تعهد کرد مگر این‌که به واسطه ورشکستگی یا فوت متعهد اصلی تعهد او حال شده باشد یا در قرارداد تصریح شود.

ماده ۱۲۸ – در ضمان حال مضمون‌له می‌تواند انجام فوری تعهد را بخواهد.

ماده ۱۲۹ – اگر انجام تعهد اصلی مشروط به شرطی باشد، این شرط نسبت به ضامن نیز معتبر است.

ماده ۱۳۰ – با حال شدن تعهد و اقدام ضامن به اجرای آن، مضمون‌له مکلف به پذیرش آن است، وگرنه ضمانت منتفی می‌شود، هرچند ضمانت مؤجل باشد. دراین صورت وثیقه دین حسب مورد فک یا مسترد می‌شود.

ماده ۱۳۱ – پس از اجرای عهد ضامن، مضمون‌له باید تمام اسناد، مدارک و وثائق مربوط به دین را برای رجوع ضامن به مضمون عنه، به او تسلیم کند. اگر

تعهد اصلی وثیقهء غیرمنقول داشته باشد، مضمون‌عنه مکلف به انجام تشریفاتی است که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است.

ماده ۱۳۲ – هرگاه مضمون‌له از مطالبه تعهد اصلی منصرف شود یا دیگری مجاناً تعهد را انجام دهد، ضامن حق رجوع به مضمون‌عنه را ندارد.

ماده ۱۳۳ – ضامنی که بدون اذن مضمون‌عنه یا به قصد تبرع ضمانت کرده است، حق رجوع به مضمون عنه را ندارد.

ماده ۱۳۴ – ضمانت بخشی از تعهد جایز است، بنابراین هرگاه اشخاص متعدد از یک شخص برای یک تعهد به نحو تسهیم ضمانت کرده باشند، مضمون‌له به هر یک از آنها فقط به‌قدر سهم او حق رجوع دارد. هرگاه سهم هر یک از ضامنان متعدد تعیین نشده باشد، ظاهر در تساوی است، مگر این‌که شرط خلاف آن شده باشد.

ماده ۱۳۵ – ضمانت از ضامن جایز است، اما ضامن حق رجوع به مدیون اصلی ندارد و فقط می‌تواند به مضمون عنه خود رجوع کند.

ماده ۱۳۶ –

۱ – ضمانت مستقل: تعهدی است پولی، مستند، لازم و غیرقابل برگشت و مستقل که به‌موجب آن صادر کننده ضمانت‌نامه (ضامن) به درخواست متقاضی (مضمون عنه) در برابر ذی‌نفع (مضمون له) و با موافقت او آن را برعهده می‌گیرد.

تبصره – مقصود از مستند بودن تعهد، مکتوب بودن آن است اعم از این‌که کاغذی باشد یا الکترونیک، به‌گونه‌ای که براساس قوانین قابلیت استناد داشته باشد.

۲ – ضمانت متقابل: ضمانتی است کـه بنـا بـه درخواسـت ضـامن بـرای تضمین بازپرداخت مبالغی که باید طبق شرایط ضمانتنامه توسط او بـه مضـمون‌لـه پرداخت شود، توسط مضمون عنه یا به درخواست وی به نفـع ضـامن صـادر مـی شود.

۳ – ضامن: شامل ضامن متقابل و همچنین شخص تأیید کننده ضـمانتنامه نیز می‌شود.

۴ – ضامن متقابل: شخصی است که ضمانتنامه متقابل را صادر می‌کند.

۵ – تأیید کننده: شخصی است که اجرای مفاد ضمانتنامه توسط ضـامن را تأیید و تعهد می‌کند.

ماده ۱۳۷ – مقررات این فصل درمورد ضمانتنامه‌های متقابل کـه براسـاس ضمانت مستقل صادر شده باشند، نیز اعمال می‌شود.

ماده ۱۳۸ – ضمانتنامه‌ای مشمول عنوان ضمانت مستقل و تابع این قـانون است که دارای یکی از شرایط زیر می‌باشد:

الف – دو طرف قرارداد آن را تابع مقررات این فصل قرار داده باشند.

ب – دو طرف به طور صریح عنوان ضمانت را به آن داده باشند.

ج – استنباط عرفی و معقـول از مـتن قـرارداد، آن را منطبـق بـا ضـمانت مستقل مندرج در این قانون بداند.

تبصره – مفاد قراردادی که با شرایط مـذکور در ایـن فصـل منعقـد شـود برمبنای اهداف ضمانت مستقل و استحکام بخشیدن به آن تفسیر می‌شود.

ماده ۱۳۹ – تعهد ناشی از ضمانت مسـتقل در مقابـل ذی‌نفـع، مسـتقل از

تعهد متقاضی دربرابر صادرکننده است. همچنین تعهدات متقابل ذی‌نفع و متقاضی که ناشی از قرارداد اصلی است، مستقل از تعهدات ایجاد شده به وسیله ضمانت مستقل می‌باشد.

ماده ۱۴۰ – صدور ضمانتنامه، صادرکننده را نسبت به مفاد آن متعهد می کند. ایراداتی که ممکن است از جهت مشروعیت موضوع یا جهت معامله و امثال آن به قرارداد اصلی وارد شود اعتبار ضمانتنامه را از بین نمی‌برد.

تبصره – ایرادات راجع به اهلیت اشخاص حقیقی قابل استناد است، لیکن ایرادات مربوط به صلاحیت یا اختیارات شخص حقوقی موجود شنیده نمی‌شود.

ماده ۱۴۱ – ضمانتنامه مستقل ممکن است به هر شکلی که عموماً مورد قبول است اعم از کاغذیی یا الکترونیکی صادر شود، مشروط به این‌که مفاد آن به نحو مضبوطی محفوظ بماند و ممکن است به هر شکلی که صریحاً مورد توافق صادر کننده و ذی‌نفع باشد صادر شود.

ماده ۱۴۲ – مفاد ضمانتنامه و اصلاحیه‌های آن باید شامل موارد زیر باشد:

الف – مشخصات متقاضی (مضمون عنه).

ب – مشخصات صادرکننده (ضامن).

ج – مشخصات ذی‌نفع (مضمون‌له).

د – مشخصات قرارداد اصلی که به‌موجب آن صدور ضمانتنامه ضروری شده است.

ه – مبلغ معین و سقف مبلغ ضمانتنامه که باید پرداخت شود.

و – تاریخ انقضاء اعتبار ضمانتنامه یا واقعه‌ای که به‌موجب آن اعتبار

ضمانتنامه پایان می‌یابد.

ز – قید شرایط دقیق مطالبه مبلغ ضمانتنامه و اسنادی که باید ارائه شود.

ح – شرایط کاهش مبلغ ضمانتنامه.

ماده ۱۴۳ – هر شرطی که ماهیت ضمانت مستقل را تغییر دهد بی‌اثر است

.

ماده ۱۴۴ – ضمانتنامه مستقل به محض صدور غیرقابل برگشت می‌باشد و صادرکننده نسبت به مفاد آن متعهد می‌شود، مگر خلاف آن در ضمانتنامه تصریح شده باشد.

ماده ۱۴۵ – به محض این‌که ضمانتنامه مستقل از کنترل صادرکننده خارج و برای ذی‌نفع ارسال یا به وی تحویل شود، صادر شده محسوب می‌شود، مگر آن که در ضمانتنامه به‌نحو دیگری توافق شده باشد.

ماده ۱۴۶ – به محض صدور ضمانتنامه، ذی‌نفع می‌تواند با رعایت شرایط مندرج در آن، مبلغ آن را مطالبه کند، مگر آن‌که در ضمانتنامه زمان یا شرایط خاصی برای مطالبه آن تعیین شده باشد.

ماده ۱۴۷ – ضمانتنامه مستقل براساس شرایطی که برای اصلاح پیش‌بینی شده و با رعایت ماده (۱۴۰) قابل اصلاح است.

ماده ۱۴۸ – چنانچه ذی‌نفع با اصلاحیه موافقت کرده باشد، از لحظه صدور اصلاحیه ضمانتنامه اصلاح شده تلقی می‌شود. چنانچه ذی‌نفع قبلاً با اصلاحیه موافقت نکرده باشد از لحظه‌ای که صادرکننده ضمانتنامه، اعلامیه‌ای مبنی بر پذیرش اصلاحات توسط ذی‌نفع را دریافت می‌کند، ضمانتنامه اصلاح شده تلقی

می‌شود، مگر آن که در متن موافقتنامه به نحو دیگری توافق شده باشد.

ماده ۱۴۹ – اصلاح ضمانتنامه نباید تأثیری به زیان متقاضی درحقوق و تکالیف متقاضی یا تأیید کننده داشته باشد، مگر این‌که آنان به نحو مضبوطی با اصلاح موافقت کرده باشند.

ماده ۱۵۰ – ضمانتنامه مستقل به موجب قرارداد یا قانون قابل انتقال است، انتقال بخشی از مبلغ ضمانتنامه باطل است.

ماده ۱۵۱ – انتقال قراردادی ضمانتنامه مستقل درصورتی ممکن است که در متن آن صریحاً قابل انتقال بودن قید شده باشد، ولی انتقال ضمانتنامه پیش از تحقق شرایط مطالبه مندرج در ضمانتنامه ممنوع است.

ماده ۱۵۲ – هرگونه انتقال باید به نحو مضبوط به اطلاع صادرکننده برسد. قبل از وصول اطلاع به نحو مزبور به صادرکننده، انتقال گیرنده حقی بر وی ندارد،

ماده ۱۵۳ – وجود ا مضای ذی‌نفع در ذیل ضمانتنامه یا تصریح به انتقال آن، به منزله انتقال است.

ماده ۱۵۴ – هر یک از اطراف ضمانت می‌تواند برای انجام وظایف و اختیارات خود به سایر طرفهای ضمانت یا اشخاص ثالث رسماً وکالت دهد. این وکالتنامه ممکن است کاغذی یا به صورت داده پیام مطمئن باشد.

ماده ۱۵۵ – در انتقال قانونی که به طور قهری یا به حکم دادگاه تجارتی انجام می‌شود، قائم‌مقامهای قانونی ذی‌نفع، اعم از وارثان متوفی، مدیر تصفیه شخص ورشکسته، قیم محجورین و امثال آن جانشین وی می‌شوند.

تبصره – تحقق مفاد این ماده خللی به تکالیف صادرکننده درمقابل ذی‌نفع

یا متقاضی یا انتقال‌گیرنده ضمانتنامه درمقابل صادرکننده ایجاد نمی‌کند. درصورت فوت یا حجر یا ورشکستگی صادرکننده و عدم تعیین نماینده قانونی، تقاضای پرداخت از دادستان و ارائه اسناد طبق مقررات این فصل برای وصول مبلغ ضمانتنامه کافی است.

ماده ۱۵۶ – درصورتی که صادرکننده یا هر شخص دیگری که باید مبلغ ضمانتنامه را پرداخت کند، از سوی ذی‌نفع به نحو مضبوطی اخطاریه‌ای مبنی بر انتقال غیرقابل برگشت ضمانتنامه به شخص ثالث دریافت کند و براساس آن تمام یا بخشی از مبلغ ضمانتنامه را به او بپردازد، به همان میزان از تعهدات ناشی از ضمانتنامه بری می‌شود.

ماده ۱۵۷ – حقوق و تعهدات طرفهای ضمانتنامه مستقل تابع شرایط مقرر در ضمانتنامه و مقررات این قانون است.

ماده ۱۵۸ – تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه باید با رعایت حسن نیت و با رعایت شرایط مندرج در ضمانتنامه و این قانون انجام شود. تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه به‌منزله اقرار ذی‌نفع به موارد ذیل است:

الف – تمامی اسناد ارائه شده منطبق با مقررات بوده و هیچ‌یک از آنها مجعول نمی‌باشد.

ب – درباره موضوع و اسناد ارائه شده هیچ پرداختی انجام نشده است.

ماده ۱۵۹ – تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه و اسناد مندرج در آن باید قبل از انقضای مدت و حداکثر تا روز انقضای مدت اعتبار آن، در محل صدور آن به صادرکننده یا نماینده او ارائه شود، مگر این که در ضمانتنامه طور دیگری مقرر

شده باشد.

تبصره – انقضای اعتبار ممکن است به تاریخ مشخص باشد یا بـه تحقـق شرایط یا واقعه معینی موکول شود.

ماده ۱۶۰ – تقاضای پرداخت بخشی از مبلغ ضمانتنامه و همچنین تقاضای پرداخت مبلغ ضمانتنامه درچند مرحله ممکن است، مشروط بر آن که ایـن امـر در ضمانتنامه پیش‌بینی شده باشد.

ماده ۱۶۱ – صادرکننده باید با حسن نیـت و بـا دقـت معقـول و متعـارف تقاضای ذی‌نفع و اسناد ضمیمه آن را بررسی کند و در حدود عرف و از نظر ظاهر، مطابقت آنها با اسناد ذکر شده در ضمانتنامه (یا نـوع رایـج آن اسـناد در معـاملات تجاری) را حداکثر یک هفته در روابط داخلی و حداکثر یـک مـاه در روابـط بـین المللی احراز و تعهد خود را ایفا کند.

تبصره – تعهد صادرکننده عبارت از تأدیه مبلغی است که ممکن است بـه طور نقدی پرداخت شود یا ازطریـق صـدور حوالـه بـه دسـتور ذی‌نفـع، قبـول و پرداخت برات و امثال آن ایفاء شود.

ماده ۱۶۲ – مغایرت اسناد ارائه شده بـا شـرایط قـرارداد یـا اسـناد نمونـه متداول، در روابط داخلی و در روابط بین‌المللی ظرف دو روز باید به اطلاع ذی‌نفع یا نماینده او برسد. همچنین صادرکننده موظف است به سریع‌ترین وسیله و به نحو مضبوطی اصل اسناد را به ذی‌نفع مسترد کند و دلیل رد آنها را به وی اطلاع دهد.

ماده ۱۶۳ – قبول هیچ یک از اسناد توسط صادرکننده نباید منوط به امضاء یا تأیید متقاضی صدور ضمانتنامه یا امضای شخص ثالث شود.

ماده ۱۶۴ – درمواردی که اسناد ارائه شده مجعول بوده یا وقوع جرمی بـر روی آنها محرز باشد، اسناد باید به مراجع ذی‌صلاح قانونی تسلیم شود.

ماده ۱۶۵ – درصورتی که صادرکننده، اسناد ارائه شده یا تقاضای پرداخت ذی‌نفع را بدون توجیه قابل قبول رد کند، ملزم به جبران تمامی خسـارات وارده بـه ذی‌نفع و متقاضی می‌باشد.

ماده ۱۶۶ – درصورتی که صادرکننده مبلغ ضمانتنامه را مطابق مقـررات و شرایط ضمانتنامه پرداخت کند، متقاضی صدور ضمانتنامه ملزم به بازپرداخت مبلـغ مزبور و سایر هزینه‌ها به صادرکننده می‌باشـد. مبـالغی کـه بایـد بازپرداخـت شـود عبارتند از:

۱ – مبلغ مندرج در ضمانتنامه تا سقفی که به ذی‌نفع پرداخت شده است.

۲ – درصدی از مبلغ ضمانت که ممکن است به‌عنوان کارمزد تعیین شـده باشد.

۳ – هزینه‌های ناشی از پرداخت به ذی‌نفع و وصول آن از متقاضی.

۴ – سایر هزینه‌ها و خساراتی که صادرکننده در اثر انجام تعهدات ناشی از ضمانتنامه متحمل شده است.

تبصره – مفاد بند (۴) راجع به مطالبه خسارات، مانع از اجـرای توافـق دو طرف مبنی بر تعیین خسارت مقطوع نمی‌باشد.

ماده ۱۶۷ – درصورت فقدان، سرقت یا از بین رفتن ضمانتنامه، صادرکننده ملزم به صدور نسخه جایگزین (المثنی) ضمانتنامه می‌باشد.

تبصره ۱ – عبارت نسخه جایگزین باید در متن ضمانتنامه اخیر درج شود.

تبصره ۲ – درصورتی که یکی از موارد فوق پس از تحقق شـرایط مطالبـه مبلغ ضمانتنامه و قبل از تقاضای پرداخت آن حادث شـود، صـادرکننده مـی‌توانـد صدور نسخه جایگزین ضمانتنامه را موکول به سپردن تـأمین متناسـب تـا انقضـای اعتبار ضمانتنامه ازجانب متقاضی صدور نسخه جایگزین کند.

ماده ۱۶۸ – هرکس از ضمانتنامه سوءاستفاه کند، متناسب با عمل ارتکابی، به جزای نقدی حداکثر تا مبلغ ضمانتنامه و جبران خسارت زیاندیده که از دو برابر مبلغ ضمانتنامه بیشتر نخواهد بود، محکوم می‌شود.

ماده ۱۶۹ – درصورت توقیف یا تأمین مبلغ ضمانتنامه توسـط مراجـع ذی صلاح قضایی، صادرکننده موظف است پس از تحقق شرایط پرداخت و ارائه اسناد مورد نیاز با رعایت مقررات این قانون، طبق دستور مرجع مذکور عمل کند.

ماده ۱۷۰ – ذی‌نفع درموارد زیر حق تقاضای پرداخت مبلـغ ضـمانتنامه را ندارد:

الف – چنانچه قبلاً به نحو مضبوطی صادر کننده را ازپرداخت معاف کرده باشد.

ب – چنانچه ذی‌نفع و صادرکننده بـه نحـو مضـبوطی ضـمانت را فسـخ نموده باشند.

ج – مبلغ ضمانتنامه پرداخت شده باشد.

د – دوره اعتبار ضمانتنامه طبق ماده (۱۷۱) این قانون منقضی شده باشد.

تبصره – وجود ضمانتنامه نزد صادرکننده به منزله برائت وی می‌باشد، مگر این‌که اثبات شود اسناد به منظور مطالبه و وصول وجه آن دراختیار صادرکننده قرار

گرفته است.

ماده ۱۷۱ – مدت اعتبار ضمانتنامه مستقل در موارد ذیل منقضی می‌شود:

الف – با انقضای تاریخ تعیین شده در ضمانتنامه یا آخرین روز مهلت مندرج در آن.

چنانچه تاریخ انقضای مدت ضمانتنامه مصادف با تعطیل رسمی در محل پرداخت آن باشد، مدت اعتبار ضمانتنامه با پایان اولین روز کاری پس از تاریخ مزبور، منقضی می‌شود.

ب – درصورتی که انقضای مدت اعتبار ضمانتنامه به تحقق شرایط یا واقعه معینی موکول شده باشد، پس از وصول گواهی یا اسناد مربوط به تحقق آن به صادرکننده، مدت اعتبار ضمانتنامه منقضی می‌شود.

ج – چنانچه درمورد انقضای مدت در ضمانتنامه سکوت اختیار شده باشد، پنج سال پس از تاریخ صدور ضمانتنامه اعتبار آن منقضی می‌شود.

باب پنجم – اسناد تجاری

فصل اول – چک

ماده ۱۷۲ – چک سندی است که به موجب آن صادرکننده مبلغی را از محل حساب بانکی خود دریافت یا به دیگری واگذار می‌کند.

ماده ۱۷۳ – چک علاوه بر امضاء یا مهر و امضاء باید دارای شرایط زیر باشد:

۱ – قید کلمه چک.

۲ – دستور بدون قید و شرط پرداخت مبلغی معین با حروف و عدد.

۳ – نام بانک محال علیه.

۴ – نام صاحب حساب.

۵ – نشانی محل پرداخت.

۶ – تاریخ صدور.

۷ – محل صدور.

۸ – شماره حساب صادرکننده چک.

ماده ۱۷۴ – درصورتی که چک متضمن یکی از شرایط مقرر در ماده (۱۷۳) این قانون نباشد جز درموارد زیر مشمول مقررات راجع به چک نخواهد بود:

۱ – درصورت قید نشدن محل پرداخت، مکانی که کنار نام بانک محال علیه نوشته شده است، محل پرداخت خواهد بود، درغیر این صورت نیز مرکز اصلی بانک محال‌علیه محل پرداخت محسوب خواهد شد.

۲ – چنانچه محل صدور چک ذکر نشده باشد محل تأدیه، محل صدور محسوب خواهد شد.

ماده ۱۷۵ – چنانچه تاریخ مندرج در چک به‌عنوان تاریخ صدور، مؤخر بر تاریخ واقعی صدور باشد اعتبار چک را دارد، با این حال مسؤولین سند از حیث رعایت مهلت ارائه و اقامه دعوا حق استناد به تاریخ واقعی را ندارند.

ماده ۱۷۶ – انواع چک عبارت است از:

۱ – چک عادی، چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر می‌کنند.

۲ – چک تأیید شده، چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تعهد شده است.

تعهد صادره از سوی بانک می‌تواند قبل و یا بعد از صدور و همچنین شامل کل مبلغ یا جزئی از آن باشد.

۳ – چک پول، چکی است که به تقاضای اشخاص توسط بانک دراختیار متقاضی قرار می‌گیرد و وجه آن در هر یک از شعب آن بانک یا توسط کارگزاران آن پرداخت می‌شود از قبیل چک مسافرتی.

تبصره – هر یک از انواع چک‌های مذکور می‌تواند به‌صورت الکترونیکی باشد که براساس قوانین مربوط صادر می‌شود.

ماده ۱۷۷ – هرگاه در متن چک، پرداخت آن منوط به تحقق شرطی شده باشد، مشمول مقررات راجع به چک نخواهد بود. با این حال، بانک مکلف است وجه آن را پرداخت کند.

ماده ۱۷۸ – صدور چک درصورت بسته بودن حساب بانکی موجب سلب اعتبار سند به‌عنوان چک نمی‌شود.

ماده ۱۷۹ – چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا حواله کرد شخص معین باشد. چک فاقد نام ذی‌نفع، در وجه حامل تلقی می‌شود.

چنانچه در چک صادره در وجه شخص معین کلمه <حامل> نیر قید شده باشد، چک در وجه حامل تلقی می‌شود.

ماده ۱۸۰ – بانک گشاینده حساب جاری یا صادرکننده چک می‌تواند با درج عبارت «واریز به حساب» یا عبارت مشابه در متن چک پرداخت نقدی آن را منع کند، دراین صورت وجه چنین چکی فقط قابل واریز به یک حساب بانکی خواهد بود.

چنانچه چک در وجه شخص معین، صادرکننده به حساب معینی در متن چک تصریح کند وجه چک فقط قابل واریز به همان حساب است.

ماده ۱۸۱ – اگر مبلغ چک بیش از یک بار به حروف نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است و اگر مبلغ با حروف و رقم نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ با حروف معتبر است. همچنین اگر تاریخ به حروف و رقم نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، تاریخ به حروف معتبر است.

ماده ۱۸۲ – درصورتی که چک به نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، امضاء کننده یا امضاءکنندگان و صاحب حساب متضامناً مسؤول عدم پرداخت هستند مگر این‌که :

۱ – نماینده ثابت کند درحدود قانون و اختیارات مبادرت به امضاء یا مهر و امضای چک کرده و عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا نماینده بعدی او است و در متن چک سمت امضاء کننده آشکار باشد. دراین صورت فقط صاحب حساب و نماینده بعدی دارای مسؤولیت تضامنی خواهند بود.

۲ – صاحب حساب ثابت کند که چک بدون اختیار یا فراتر از حدود اختیار امضاء یا مهر و امضاء شده است و اعتماد به اختیار امضاءکننده یا

امضاءکنندگان دارای مسؤولیت تضامنی خواهد بود.

ماده ۱۸۳ – اگر چک هنگام صدور فاقد شـرایط مـذکور در بنـدهای (۲)، (۳)، (۴)، (۶) و (۷) ماده (۱۷۳) این قانون باشد و سپس توسط دارنده تکمیل شود، اعتبار چک را خواهد داشت، دراین‌صورت:

الف – صادرکننده نمی‌تواند به فقدان اختیار تکمیل کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی دربرابر دارنده ناآگاه استناد کند.

ب – اشخاصی که سند تکمیل شده را به‌عنوان ظهرنویس امضاء یا مهـر و امضاء کرده‌اند درحدود مفاد چک در برابر دارندگان بعدی مسؤولیت دارند.

ماده ۱۸۴ – انتقال چک به حواله‌کرد شخص معین به‌وسیله ظهرنویسـی و تسلیم سند به‌عمل میآید.

ماده ۱۸۵ – ظهرنویسی چکی که انتقال آن با قلم گرفتگی <به حواله‌کرد> یا درج عبارت دارای معنی مشابه منع شده است انتقال عادی محسوب مـی‌شـود و وجه چک صرفاً قابل واریز به حساب بانکی دارنده خواهد بود.

ماده ۱۸۶ – انتقال عادی (ساده) انتقالی ا ست که به‌موجب آن انتقال دهنده ، حقوقی را که از آن برخوردار است به دارنده منتقل می‌کند ولی شخصی که انتقال را منع کرده می‌تواند درمقابل دارنده به ایرادات شخصی ناشی از روابط خصوصـی اش با شخصی که سند را به او منتقل کرده است استناد کند.

ماده ۱۸۷ – ظهرنویسی چک با امضاء یا مهر و امضـای دارنـده در پشـت چک محقق می‌شود. ممکن است درظهرنویسی نام شخصـی کـه چـک بـه نـام او منتقل می‌شود، همچنین تاریخ انتقال قید شود. درغیراین صورت دارنده چک مجاز

به تکمیل ظهرنویسی به نام خود یا به نام غیر است.

ماده ۱۸۸ – چک در وجه حامل، میتواند بدون ظهرنویسی و صرفاً با قبض و اقباض به‌غیر انتقال یابد.

چک متضمن ظهرنویسی سفید (فاقد نام انتقال‌گیرنده) نیز بدون ظهرنویسی قابل نقل و انتقال است.

ماده ۱۸۹ – درموردی که چک در وجه حامل با ظهرنویسی در وجه شخص معین انتقال می‌یابد همچنان چک در وجه حامل محسوب می‌شود اما ظهرنویس برابر مقررات این قانون دارای مسؤولیت است.

ماده ۱۹۰ – ظهرنویس می‌تواند ظهرنویسی مجدد را منع کند. در این صورت ظهرنویسی مجدد انتقال عادی محسوب شده و مشمول حکم مقرر در ماده (۱۸۵) این قانون می‌شود.

ماده ۱۹۱ – هرگاه در ظهرنویسی عامداً تاریخ مقدمی ذکر شود، علاوه بر جبران خسارات وارد شده به ظهرنویس‌های ماقبل خود و دارنده چک، به جزای نقدی معادل یک چهارم مبلغ چک محکوم خواهد شد.

ماده ۱۹۲ – ظهرنویسی حاکی از انتقال چک است مگر این‌که ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال چک واقع نمی‌شود اما وکیل اختیار وصول، واخواست کردن و مطالبه گواهینامه عدم پرداخت را دارد.

ماده ۱۹۳ – وکالت در وصول چک شرح ماده (۱۹۲) این قانون با فوت یا حجر ظهرنویس یا موکل منتفی نمی‌شود.

ماده ۱۹۴ – چنانچه ظهرنویسی توأم با شرط باشد این شرط برای بانک

بلااثر و ظهرنویسی معتبر است ظهرنویسی جزئی از مبلغ چک باطل است.

تبصره – شرط فوق برای محاکم قابل استماع است.

ماده ۱۹۵ – ظهرنویسی چک پس از صدور گواهینامه عدم پرداخت یا واخواست‌نامه انتقال عادی محسوب می‌شود و مشمول حکم مقرر در ماده (۱۸۵) این قانون است.

ماده ۱۹۶ – ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ چک ضمانت شود.

ماده ۱۹۷ – ضمانت با درج نام و نشانی اقامتگاه و امضاء یا مهر و امضای ضامن توأم با درج عبارتی حاکی از ضمانت و تعیین مضمون عنه محقق می‌شود.

صرف درج نام، نشانی و امضاء یا مهر و امضاء پشت چک، ظهرنویسی برای انتقال محسوب می‌شود مگر این‌که ذی‌نفع خلاف آن را ثابت کند.

ماده ۱۹۸ – ضامن فقط با شخصی که از او ضمانت کرده است مسؤولیت تضامنی دارد. به هر حال مسؤولیت ضامن از مضمون عنه بیشتر نخواهد بود. دارنده چک می‌تواند به هریک منفرداً یا مجتمعاً مراجعه کند.

ماده ۱۹۹ – مسؤولیت ضامن جز درخصوص ایرادات مرتبط با ظاهر سند و مرور زمان همواره اعتبار دارد.

ماده ۲۰۰ – ضامن درصورت پرداخت مبلغ چک، از کلیه حقوق ناشی از سند درمقابل مضمون عنه و نیز اشخاصی که در برابر او مسؤولیت دارند، برخوردار است.

ماده ۲۰۱ – وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود، هرچند تاریخ

مؤخری به‌عنوان تاریخ صدور در آن درج شده باشد.

ماده ۲۰۲ – چنانچه دارنده چک ظرف دو ماه از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه نکند، دعوای او بر ظهرنویسان مسموع نیست و اگر وجه چک به سببی که مربوط به بانک است از بین برود دعوای دارنده چک بر صادرکننده نیز مسموع نیست. تسلیم چک به بانک به‌عنوان وکیل دروصول به منزله ارائه آن جهت مطالبه است.

ماده ۲۰۳ – اگر آخرین روز مهلت، تعطیل باشد اولین روز پس از تعطیل به مهلت مذکور در ماده (۲۰۲) این قانون افزوده می‌شود.

ماده ۲۰۴ – چنانچه صادرکننده چک فوت کند یا محجور شود این امر مؤثر دراعتبار چکهای صادر شده نیست. بانک، درصورت آگاهی از صدور حکم ورشکستگی صادرکننده یا بازداشت حساب از سوی مراجع قضایی، ممنوع از پرداخت و مکلف به صدور گواهینامه عدم پرداخت با ذکر علت است.

ماده ۲۰۵ – بانک پرداخت کننده چک، مکلف است در حد عرف بانکداری امضاء یا مهر و امضای آن را با نمونه امضاء یا مهر و امضای صادرکننده تطبیق دهد.

ماده ۲۰۶ – انقضای مواعد مندرج در این قانون، مانع پرداخت وجه چک (درصورت وجود موجودی) یا صدور گواهی عدم پرداخت توسط بانک نیست.

ماده ۲۰۷ – هرگاه وجه چک پرداخت نشود بانک مکلف است گواهینامه ای با محتویات زیر صادر و به دارنده تسلیم کند:

۱ – مشخصات کامل چک.

۲ – هویت و نشانی کامل صادرکننده.

۳ – میزان موجودی حساب درصورت عدم کفایت یا تصریح بـه کفایـت موجودی.

۴ – تاریخ ارائه چک به بانک.

۵ – گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضاء یا مهر و امضای صادرکننده بـا نمونه امضاء یا مهر و امضای موجود در بانک.

۶ – نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک.

۷ – علت یا علل عدم پرداخت.

درصورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتـر از مبلـغ چک باشد بانک مکلف است به تقاضای دارنده مبلغ موجود در حساب را درقبـال اخذ رسید در پشت چک پرداخت کند و گواهینامه را با تصریح به مبلـغ پرداخـت شده صادر کند. گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چـک خواهد بود.

تبصره – هر جا که در قوانین و مقررات دیگـر واخواسـت اسـناد تجـاری پیش‌بینی شده است گواهینامه عدم پرداخت چک به منزله واخواست‌نامه تلقی مـی شود.

ماده ۲۰۸ – بانک ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهینامـه و عدم پرداخت یا صدور نادرست یا نقص آن است.

ماده ۲۰۹ – بانک مکلف است رونوشت گواهینامه مذکور در مـاده (۲۰۷) این قانون را فوراً برای صاحب حساب ارسال کند.

ماده ۲۱۰ – درصورت خودداری بانک از صدور گواهینامه مذکور در ماده (۲۰۷) این قانون، دارنده چک می‌تواند از طریق مرجع قضایی مبادرت به واخواست کند. واخواست‌نامه باید متضمن مشخصات کامل پشت و روی چک و مشخصات دارنده چک باشد. مأمور ابلاغ با مراجعه به بانک، علل عدم پرداخت وجه چک و همچنین علل امتناع از صدور گواهینامه عدم پرداخت یا امتناع از امضاء یا مهر و امضای واخواست‌نامه توسط بانک را در واخواست‌نامه قید و امضاء یا مهر و امضاء می‌کند.

ماده ۲۱۱ – صادرکننده یا صادرکنندگان، ظهرنویس‌ها و بانک تأیید کننده یا تضمین‌کننده درمقابل دارنده چک مسؤولیت تضامنی دارند. دارنده چک درصورت عدم تأدیه می‌تواند به هرکدام از آنها که بخواهد منفرداً یا مجتمعاً رجوع کند. همین حق را هر یک از ظهرنویس‌ها نسبت به صادرکننده و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد. اقامه دعوا بر یک یا چندتن از مسؤولان موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسؤولان چک نیست. اقامه کننده دعوا ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را ازحیث تاریخ رعایت کند.

ماده ۲۱۲ – دراجرای ماده (۲۱۱) این قانون، جز درموارد ایرادات مرتبط با شرایط شکلی، بطلان صدور و یا نقل و انتقالات متوالی سند، موجب سلب عنوان دارنده از شخصی که چک را با اعتماد به صحت وضع ظاهر آن تحصیل نموده است، نمیشود.

ماده ۲۱۳ – ظهرنویس می‌تواند با تصریح به عدم مسؤولیت در ضمن ظهرنویسی، خود را از قید مسؤولیت‌های مقرر در ماده (۲۱۱) این قانون معاف

دارد.

ماده ۲۱۴ – دارنده چکی که منجر به صدور گواهینامه عدم پرداخت یا واخواست‌نامه شده باشد باید مراتب را ظرف مدت ده روز از تاریخ وصول گواهینامه یا واخواست‌نامه به‌طریق مضبوطی به شخصی که چک را به او واگذار نموده ابلاغ کند.

هر یک از ظهرنویس‌ها نیز باید ظرف ده روز از تاریخ فوق به طریق مضبوطی به ید ماقبل خود ابلاغ کند درغیر این‌صورت مسؤول جبران خسارات ناشی از عدم ابلاغ خواهد بود.

تبصره – عدم اطلاع صادرکننده و یا ظهرنویسان از عدم پرداخت وجه چک رافع مسؤولیت‌های موضوع ماده (۲۱۱) این قانون دربرابر دارنده نیست.

ماده ۲۱۵ – دارندهء چک علاوه بر مبلغ تأدیه نشده چک می‌تواند ارقام زیر را از مسؤولین سند مطالبه کند:

۱ – خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ مطالبه چک تا روز پرداخت نسبت به مبلغ تأدیه نشده چنانچه موجودی صادرکننده در بانک کافی نباشد، خسارت تأخیر تأدیه فقط به کسری موجودی تعلق می‌گیرد حتی اگر دارنده موجودی را مطالبه نکرده باشد.

۲ – هزینه واخواست‌نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و حق‌الوکاله و هزینه دادرسی یا هزینه اجرای ثبت.

تبصره – خسارت تأخیر تأدیه برمبنای شاخص قیمت خرده‌فروشی است که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود و تعیین می

گردد. به هر حال خسارت تأخیر تأدیه نباید کمتر از شش درصد (۶٪) در سال باشد.

ماده ۲۱۶ – هر یک از مسؤولین تأدیه چک می‌تواند پرداخت را به تسلیم چک و واخواست‌نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و صورتحساب خسارت تأخیر تأدیه و مخارج قانونی که باید بپردازد، موکول کند.

ماده ۲۱۷ – اگر مبلغ چک به حکم قانون نزد بانک محال‌علیه توقیف شده باشد دراین‌صورت نباید وجه آن را بپردازد و درصورت پرداخت مسؤول خواهد بود.

ماده ۲۱۸ – درصورت اقامه دعوا، دادگاه تجارتی مکلف است با تقاضای دارنده چکی که به‌علت واخواست یا صدور گواهی عدم پرداخت، تأدیه نشده است معادل وجه چک را از اموال خوانده یا خواندگان تأمین کند.

ماده ۲۱۹ – دادگاه تجارتی نمی‌تواند بدون رضایت صاحب چک برای تأدیه وجه آن مهلت دهد.

ماده ۲۲۰ – اگر دارندهء چک بخواهد از حقی که ماده (۲۱۱) این قانون برای او مقرر داشته است استفاده کند باید ظرف یک سال از تاریخ واخواست یا صدور گواهینامه عدم پرداخت اقامه دعوا کند.

هریک از ظهرنویس‌ها که بخواهد از حقی که در ماده (۲۱۱) این قانون به او داده شده است استفاده کند، باید ظرف همین مدت اقامه دعوا کند و نسبت به او موعد از فردای ابلاغ احضاریه دادگاه تجارتی محسوب است و اگر وجه چک را بدون این‌که علیه او اقامه دعوی شده باشد تأدیه کند از فردای روز تأدیه محسوب

می‌شود.

ماده ۲۲۱ – پس از انقضای مواعد مقرر در ماده فوق، دعوای دارنده چک بر ظهرنویس‌ها و همچنین دعوای هر یک از ظهرنویس‌ها بر ظهرنویس سابق خود مسموع نیست.

ماده ۲۲۲ – دعاوی راجع به چک، پس از انقضای سه سال از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت یا واخواست یا آخرین تعقیب قضایی، به عنوان سند تجارتی در محاکم مسموع نخواهد بود.

تبصره – مواعد مذکور در ماده (۲۲۰) این قانون از شمول این ماده مستثنی است.

ماده ۲۲۳ – مالک چک مفقود برای حفظ حقوق خود مکلف است بلافاصله مراتب را با ارسال اظهارنامه به صادرکننده اطلاع دهد. اظهارنامه علاوه بر مشخصات مذکور در ماده (۲۰۷) این قانون باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد.

ماده ۲۲۴ – مالک چک مفقود درصورت عدم توافق با صادرکننده می‌تواند با اثبات مالکیت خویش بر چک و اعلام عدم انتقال آن به غیر و دادن تضمین مناسب به مدت سه سال به تشخیص دادگاه تجارتی، الزام صادرکننده را به پرداخت وجه آن بخواهد چنانچه دادن تضمین ممکن نباشد، صادرکننده ملزم به تودیع مبلغ چک به صندوق دادگستری است. دادگاه ضمن صدور حکم به پرداخت مبلغ چک، حکم به ابطال سند مفقود نیز خواهد داد.

ماده ۲۲۵ – مسؤولین چک ملزم به ارائه اطلاعات و مدارکی هستند که

درخصوص مالکیت مدعی فقدان سند دراختیار دارند در غیر این صورت، ضامن خسارت وارده‌اند.

ماده ۲۲۶ – مبدأ محاسبه خسارت تأدیه برای دارنده چک مفقود زمان ارائه تضمین به صادرکننده است.

ماده ۲۲۷ – درصورتی که حکم ورشکستگی چند نفر از مسؤولان چک صادر شود، دارنده چک می‌تواند در هیأت طلبکاران هر یک یا تمامی آنها برای وصول تمام طلب خود (مبلغ چک، خسارت تأخیر تأدیه و مخارج قانونی) داخل شود. مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی‌تواند برای مبلغی که به دارنده چک پرداخت می‌شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع کند، مگر این‌که مجموع مبالغی که از دارایی تمام ورشکستگان به دارنده چک تخصیص می‌یابد، بیشتر از میزان طلب او باشد که دراین صورت، مازاد به‌ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هرکدام پرداخته‌اند، جزء دارایی ورشکستگانی محسوب می‌شود که به سایر ورشکسته‌ها حق رجوع دارند.

تبصره ۱ – در هر حال، دارنده چک نباید مبلغی بیش از مبلغ سند دریافت کند.

تبصره ۲ – مفاد این ماده درمورد ورشکستگی هر چند نفری که برای پرداخت یک دین مسؤولیت تضامنی دارند رعایت می‌شود.

ماده ۲۲۸ – دارنده چک درصورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن، می‌تواند طبق مقررات مربوط به اجرای اسناد رسمی، وجه چک را به‌همراه خسارات تأدیه از صادرکننده وصول کند، برای صدور اجرائیه، دارنده

چک باید عین چک و گواهینامه مذکور در ماده (۲۰۷) این قانون را به اجرای ثبت اسناد محل تأدیه وجه چک یا محل اقامت صادرکننده تسلیم کند. درصورت دریافت جزئی از مبلغ چک از بانک، ارائه گواهینامه عدم پرداخت کافی است. اجرای ثبت درصورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضاء یا مهر و امضای چک با نمونه امضاء یا مهر و امضای صادرکننده در بانک ازطرف بانک گواهی شده باشد.

ماده ۲۲۹ – درصورت مطالبه وجه چک ازطریق اجراء ثبت، اجرائیه فقط علیه صاحب حساب صادر خواهد شد.

ماده ۲۳۰ – صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال‌علیه محل داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج کند یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید به عمد چک را به صورتی تنظیم کند که بانک به‌دلیل عدم مطابقت امضاء یا مهر و امضاء، قلم‌خوردگی در متن چک و اختلاف در مندرجات چک، از پرداخت وجه چک خودداری کند.

ماده ۲۳۱ – مجازات متخلف از هر یک از احکام ماده (۲۳۰) این قانون به قرار زیر است:

الف – چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال باشد به حبس تا شش ماه و برحسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه چک یا یک چهارم کسر موجودی و ممنوعیت از داشتن دسته چک متناسب با دوره حبس محکوم خواهد شد.

ب – چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون (۱۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال باشد به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال و برحسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه یا یک چهارم کسری موجودی و ممنوعیت از داشتن چک متناسب با دوره حبس محکوم خواهد شد.

ج – چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون (۵۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال بیشتر باشد به حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و برحسب مورد به پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه یا یک چهارم کسری موجودی و ممنوعیت از داشتن دسته چک متناسب با دوره حبس محکوم می‌شود.

تبصره ۱ – درصورتی که صادرکننده چک اقدام به صدور چکهای بلامحل نموده باشد. مجموع مبالغ مندرج چکها ملاک عمل است.

تبصره ۲ – دادگاه تجارتی می‌تواند درصورت وجود جهات مخففه مطابق مقررات مجازات اسلامی تخفیف قائل شود.

ماده ۲۳۲ – هرکس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود، مبادرت به صدور چک کند، به حداکثر مجازات مندرج در بندهای ماده (۲۳۱) این قانون حسب مورد محکوم خواهد شد.

ماده ۲۳۳ – درصورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند یا با موافقت شاکی خصوصی، ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال‌علیه فراهم کند قابل تعقیب کیفری نیست.

درمورد اخیر بانک مکلف است تا میزان وجه چک، حساب صادرکننده را مسدود کند و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک، وجه آن را بپردازد.

ماده ۲۳۴ – هرگاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند یا متهم وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه را به دارنده آن پرداخت کند یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور را فراهم آورد یا درصندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع کند قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.

صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه، رسیدگی و حکم صادر کند.

محکوم علیه، ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک چهارم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

ماده ۲۳۵ – هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند یا محکوم‌علیه به ترتیب مذکور در ماده (۲۳۴) این قانون موجبات پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم سازد، اجرای حکم موقوف می‌شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک دوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

تبصره – دارنده چک می‌تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت تمامی خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیماً و به‌طور متعارف برای وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است اعم از آن که قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تجارتی تقاضا کند، درصورتی که دارنده چک جبران خسارت

و هزینه‌های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خـود را به همان دادگاه تجارتی صادرکننده حکم تقدیم کند.

ماده ۲۳۶ – جرایم مذکور در ماده (۲۳۱) این قانون بدون شکایت دارنـده چک قابل تعقیب نیست، درصورتی که دارنده چک تـا نـود روز از تـاریخ منـدرج چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند یا ظرف شش ماه (۱۸۰ روز) از تـاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت نکنـد دیگـر حـق شـکایت کیفـری نخواهـد داشت.

منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است. برای تشخیص این‌که چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است، بانکها مکلفند به محـض مراجعـه دارنـده چـک، هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید کنند.

ماده ۲۳۷ – شخصی که پس از صدور گواهی عدم پرداخت، چک بـه وی منتقل گردیده است حق شکایت کیفری ندارد مگر آن که انتقال قهری باشد. هرگاه بعد از شکایت کیفری شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو دیگری واگذار کند تعقیب کیفری موقوف خواهد شد.

درصورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شـخص دیگـری بـه نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او درصـورت بـی‌محـل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصـریح بـه نماینـدگی آن شخص، در ظهر چک قید کند. دراین‌صورت بانک گواهینامه عدم پرداخت مـذکور در ماده(۲۰۷) این قانون را به نام صاحب چک صادر می‌کند و حق شکایت کیفری

او محفوظ می‌ماند.

ماده ۲۳۸ – درموارد زیر صادرکننده چک از نظر این قانون قابل تعقیب کیفری نیست:

۱ – هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.

۲ – هرگاه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

۳ – هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

۴ – درصورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده است.

ماده ۲۳۹ – صادرکننده چک یا دارنده یا قائم‌مقام قانونی آنها، باتصریح به این‌که چک مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگری تحصیل گردیده است می‌تواند کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد.

بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و درصورت ارائه چک به بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر می‌کند.

دارنده چک می‌تواند علیه شخصی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هرگاه ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت نشود، درصورت اثبات سوءنیت دستوردهنده به مجازات مقرر در ماده (۲۳۱) این قانون محکوم خواهد شد.

تبصره ۱ – دستور دهنده مکلف است پس از اعلام به بانک، حداکثر ظرف مدت یک هفته برای اخذ دستور موقت به مرجع قضایی مراجعه و گواهی آن را به بانک ارائه کند، درغیراین صورت پس از انقضاء مدت مذکور، بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت می‌کند. درمورد چک مفقودی لازم است مراتب به اطلاع مراجع انتظامی برسد.

تبصره ۲ – درموردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر می شود بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستوردهنده در حساب مسدودی نگهداری کند.

تبصره ۳ – پرداخت چک‌هایی را که بانکها عهده خود صادر می‌کنند، به استثناء چکهایی که بانکها در وجه شخص معین، عهده خود صادر کرده‌اند و مفقود شده است، نمی‌توان متوقف کرد، مگر آن که بانک صادرکننده نسبت به آن ادعایی جعل کند، در هر حال دادگاه تجارتی می‌تواند دستور توقف را صادر کند.

تبصره ۴ – جز درموارد مقرر در این ماده یا امر دادگاه تجارتی، بانک به دستور عدم پرداخت ترتیب اثر نمی‌دهد.

ماده ۲۴۰ – وجود چک در دست صادرکننده اماره پرداخت وجه آن است، مگر این‌که خلاف آن ثابت شود.

ماده ۲۴۱ – درصورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، امضاءکننده چک طبق مقررات این قانون مسؤولیت کیفری خواهد داشت مگر این‌که ثابت کند عدم پرداخت، مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است که در

این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسؤول خواهد بود.

ماده ۲۴۲ – درصورتی که به متهم دسترسی نباشد، ابلاغ به آخرین نشانی متهم در بانک محال‌علیه به عمل میآید. هرگاه متهم در این نشانی شناخته نشود یا چنین محلی وجود نداشته باشد، گواهی مأمور به منزله ابلاغ اوراق تلقی می‌شود و رسیدگی بدون احضار متهم به وسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت.

ماده ۲۴۳ – بانک مکلف است نسبت به صحت هویت صاحب حساب، صحت نشانی یا نشانی‌های صاحب حساب و شغل صاحب حساب دقت متعارف را اعمال کند درغیر این صورت ضامن خسارات وارد به دارنده چک خواهد بود.

ماده ۲۴۴ – بانک مکلف است در قرارداد افتتاح حساب جاری با مشتریان، تمهیدات لازم را برای حصول اطمینان از استرداد اوراق دسته چک داده شده به مشتری، پس از بسته‌شدن حساب وی پیش‌بینی کند.

ماده ۲۴۵ – بانکها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی‌محل صادر کرده‌اند و تعقیب آنها منتهی به محکومیت قطعی شده است، مسدود سازند و تا سه سال به نام آنان حساب جاری دیگری باز نکنند.

ماده ۲۴۶ – بانک ضامن زیانهای ناشی از عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط به چک، در برابر دارنده چک است.

ماده ۲۴۷ – بانکها مکلفند ضمن انتشار فهرست شماره‌های حسابهای جاری مسدود شده، امکان دسترسی اشخاص به فهرست را فراهم کنند.

ماده ۲۴۸ – بانکها مکلفند هنگام صدور گواهینامه عدم پرداخت مذکور درماده (۲۰۷) این قانون، نسخه‌ای از آن را برای بانک مرکزی جمهوری اسلامی

ایران ارسال کنند.

ماده ۲۴۹ – بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بی محل کرده‌اند و منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت یا واخواست شده است، به صورت روزآمد، مرتب و منظم ضبط و نگهداری کنند و فهرست اسامی این اشخاص را دراجرای مقررات این قانون دراختیار کلیه بانکهای کشور قرار دهد.

ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص مذکور از افتتاح حساب جاری و نحوه دسترسی اشخاص ذی‌نفع به اطلاعات در این خصوص و پاسخ به استعلام از بانکها به‌موجب آئین‌نامه‌ای که به پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأیید شورای پول و اعتبار به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، تعیین می‌شود.

ماده ۲۵۰ – چنانچه بانکها به تکلیف مقرر در مواد (۲۴۷) و (۲۴۸) این قانون و بانک مرکزی جمهوری اسلا می‌ایران به تکلیف ماده (۲۴۹) این قانون عمل نکنند، علاوه بر اعمال ضمانت اجراهای مقرر در قانون پولی و بانکی حسب مورد مسؤول جبران خسارات وارده نیز خواهند بود.

فصل دوم – سفته

ماده ۲۵۱ – سفته سندی است که به موجب آن شخصی بدون قید و شرط تعهد میکند مبلغی را در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل، شخص معین و یا به حواله‌کرد او پرداخت کند.

ماده ۲۵۲ – سفته علاوه بر نام و امضاء یا مهر و امضای متعهد باید متضمن موارد زیر باشد:

۱ – قید کلمه «سفته»

۲ – تاریخ و محل صدور

۳ – مبلغی که باید تأدیه شود با حروف.

۴ – گیرنده وجه

۵ – تاریخ پرداخت

۶ – نشانی کامل محل پرداخت

ماده ۲۵۳ – درصورتی که سفته متضمن یکی از مشخصات مقرر در مواد (۲۵۱) و (۲۵۲) این قانون نباشد مشمول مقررات راجع به سفته نخواهد بود، مگر در موارد زیر:

۱ – اگر گیرنده وجه قید نگردد، سفته در وجه حامل محسوب است.

۲ – اگر سررسید درج نشود، سفته عندالمطالبه محسوب است.

۳ – اگر محل صدور درج نگردد، محل تأدیه، محل صدور محسوب است

.

ماده ۲۵۴ – چنانچه به‌موجب قرارداد میان بانک و مشتری، وجه سفته از محل حساب جاری یا حساب پس‌انداز یا هر نوع حساب دیگری پرداخت می شود، باید نشانی شعبه بانک و شماره حساب به عنوان محل تأدیه در سفته درج شود.

ماده ۲۵۵ – اگر مبلغ سفته بیش از یک بار به حروف نوشته شده و بین

آنها اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است و اگر مبلغ با حروف و رقم نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ با حروف معتبر است. همچنین اگر تاریخ به حروف و رقم نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، تاریخ به حروف معتبر است.

ماده ۲۵۶ – سفته ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود، در این صورت اگر امضاء کننده سمت خویش را در متن سفته قید نکند با دستوردهنده مسؤولیت تضامنی دارد و اگر فراتر از حدود اختیار یا بدون اختیار عمل کند، شخصاً مسؤول است.

ماده ۲۵۷ – اگر سفته هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در بندهای (۳)، (۴)، (۵) و (۶) ماده (۲۵۲) این قانون باشد و سپس توسط دارنده تکمیل شود، اعتبار سفته را خواهد داشت. دراین صورت:

الف – صادرکننده نمی‌تواند به فقدان اختیار تکمیل‌کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی در برابر دارنده ناآگاه استناد کند.

ب – اشخاصی که سند تکمیل شده را به‌عنوان ظهرنویس امضاء یا مهر و امضاء کرده‌اند درحدود مفاد سفته در برابر دارندگان بعدی مسؤولیت دارند.

ماده ۲۵۸ – سفته ممکن است عندالمطالبه باشد یا به وعده از مطالبه یا به وعده از تاریخ صدور. پرداخت سفته ممکن است به روز معینی موکول شود.

ماده ۲۵۹ – موعد پرداخت سفته‌ای که یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از مطالبه وعده دارد به وسیله امضاء یا مهر و امضای مجدد صادرکننده در روی سفته توأم با درج تاریخ مطالبه معین می‌شود. درصورت استنکاف صادرکننده از

امضاء یا مهر و امضای مجدد، رعایت تشریفات مقرر در ماده (۳۰۲) این قانون به منزله مطالبه خواهد بود.

ماده ۲۶۰ – اگر موعد پرداخت سفته با تعطیل رسمی تصادف کند، باید روز بعد از تعطیل تأدیه شود.

ماده ۲۶۱ – در سفته‌ای که وعده آن یک یا چند ماه پس از صدور یا مطالبه تعیین شده است، هر ماه سی روز محاسبه می‌شود.

ماده ۲۶۲ – انتقال سفته به حواله‌کرد شخص معین به وسیله ظهرنویسی و تسلیم سند به‌عمل میآید.

ماده ۲۶۳ – ظهرنویسی سفته با امضاء یا مهر و امضای دارنده در پشت سفته محقق می‌شود. ممکن است در ظهرنویسی نام شخصی که سفته به نام او منتقل می‌شود، همچنین تاریخ انتقال قید شود، درغیراین صورت دارنده سفته مجاز به تکمیل ظهرنویسی به نام خود یا به نام غیر است.

ماده ۲۶۴ – ظهرنویسی سفته‌ای که انتقال آن با قلم گرفتگی «به حواله‌کرد» یا درج عبارت دارای معنی مشابه منع شده، انتقال عادی محسوب می‌شود. درموردی که بانک به عنوان محل تأدیه معین شده است وجه سفته فقط قابل واریز به حساب بانکی دارنده است.

ماده ۲۶۵ – انتقال عادی (ساده) انتقالی است که به‌موجب آن انتقال دهنده، حقوقی را که از آن برخوردار است به دارنده منتقل می‌کند ولی شخصی که انتقال را منع کرده می‌تواند درمقابل دارنده به ایرادات شخصی ناشی از روابط خصوص اش با شخصی که سند را به او منتقل کرده است، استناد کند.

ماده ۲۶۶ – سفته در وجه حامل، بدون ظهرنویسی و صرفاً با قبض و اقباض قابل به غیر انتقال یابد. سفته متضمن ظهرنویسی سفید (فاقد نام انتقال گیرنده) نیز بدون ظهرنویسی قابل نقل و انتقال است.

اگر سفته در وجه حامل به نام شخص معین ظهرنویسی شود همچنان سفته در وجه حامل محسوب می‌شود اما ظهرنویس برابر مقررات این قانون دارای مسؤولیت خواهد بود.

ماده ۲۶۷ – ظهرنویس می‌تواند ظهرنویسی مجدد را منع کند، دراین صورت ظهرنویسی مجدد انتقال عادی محسوب می‌شود و مشمول حکم مقرر در ماده (۲۶۳) این قانون است.

ماده ۲۶۸ – هرگاه در ظهرنویسی عامداً تاریخ مقدمی ذکر شود، علاوه بر جبران خسارات وارده به ظهرنویس‌های ماقبل خود و دارنده سفته، به جزای نقدی معادل یک چهارم مبلغ سفته محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۹ – ظهرنویسی حاکی از انتقال سفته است مگر این‌که ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال سفته واقع نمی‌شود اما وکیل حق واخواست یا مطالبه گواهینامه عدم پرداخت را دارد.

ماده ۲۷۰ – وکالت در وصول سفته شرح ماده (۲۶۹) این قانون با فوت یا حجر ظهرنویس یا موکل منتفی نمی‌شود.

ماده ۲۷۱ – ظهرنویسی سفته پس از صدور گواهینامه عدم پرداخت یا واخواست‌نامه، انتقال عادی محسوب می‌شود و مشمول حکم مقرر در ماده (۲۶۳) این قانون می‌شود.

ماده ۲۷۲ – چنانچه ظهرنویسی توأم با شرط باشد، ظهرنویسی معتبر است و هیچ یک از مسؤولین سند نمی‌تواند با استناد به شرط مزبور از ایفـای مسـؤولیت خویش خودداری کند. لـیکن چنـین شـرطی بـرای محـاکم قابـل اسـتماع اسـت. ظهرنویسی جزئی از مبلغ سفته باطل است.

ماده ۲۷۳ – ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلـغ سـفته ضـمانت شود.

ماده ۲۷۴ – ضمانت با درج نام و نشانی اقامتگاه و امضـای ضـامن و درج عبارتی حاکی از ضمانت و تعیین مضمون عنه محقق می‌شود. درصورت عدم ذکـر نام مضمون عنه، ضمانت به نفع صادرکننده محسوب است.

ماده ۲۷۵ – ضامن فقط با شخصی که از او ضمانت کرده است مسـؤولیت تضامنی دارد. به هرحال مسؤولیت ضامن از مضمون عنه بیشتر نخواهد بود. دارنده سفته می‌تواند به هر یک منفرداً یا مجتمعاً مراجعه کند.

ماده ۲۷۶ – مسؤولیت ضامن جز درخصوص ایرادات مرتبط با ظاهر سند و مرور زمان همواره اعتبار دارد.

ماده ۲۷۷ – ضامن درصورت پرداخت مبلغ سفته از کلیه حقـوق ناشـی از سند درمقابل مضمون عنه و نیز اشخاصی کـه نسـبت بـه شـخص اخیـر در سـفته مسؤولیت دارند، برخوردار خواهد بود.

ماده ۲۷۸ – سفته به وعده از مطالبه یا صدور باید روز آخر وعده پرداخت شود.

ماده ۲۷۹ – روز رؤیت در سفته‌ای کـه بـه وعـده از مطالبـه اسـت و روز

صدور سفته در سفته‌هایی که به وعده از تاریخ صدور است، حساب نمی‌شود.

ماده ۲۸۰ – شخصی که وجه سفته را قبل از موعد می‌پردازد درمقابل اشخاصی که نسبت به سفته حقی دارند مسؤول است.

ماده ۲۸۱ – دارنده سفته را نمی‌توان به دریافت پیش از موعد مبلغ سفته اجبار کرد.

ماده ۲۸۲ – چنانچه وجه سفته قانوناً نزد صادرکننده توقیف شده باشد، صادرکننده نباید وجه سفته را بپردازد و درصورت پرداخت مسؤول خواهد بود.

ماده ۲۸۳ – اگر جزئی از مبلغ سفته پرداخت شود به همان اندازه صادرکننده و ظهرنویس‌ها بری می‌شوند و دارنده فقط نسبت به بقیه وجه سفته می تواند به مسؤولان سند رجوع کند. درصورت پرداخت جزئی از مبلغ سفته پرداخت کننده می‌تواند پرداخت را موکول به درج آن در پشت سفته یا امضاء یا مهر و امضاء دریافت کننده، ارائه رسید، تصویر مصدق پشت و روی سفته کند.

ماده ۲۸۴ – دادگاه تجارتی نمی‌تواند بدون رضایت صاحب سفته برای تأدیه وجه آن مهلت دهد.

ماده ۲۸۵ – صادرکننده یا صادرکنندگان و ظهرنویس‌ها درمقابل دارنده سفته مسؤولیت تضامنی دارند. دارنده سفته درصورت عدم تأدیه می‌تواند به هرکدام از آنها که بخواهد منفرداً یا مجتمعاً رجوع کند. همین حق را هر یک از ظهرنویس‌ها نسبت به صادرکننده و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد.

طرح دعوا بر یک یا چند تن از مسؤولین موجب اسقاط حق رجوع به سایرین نیست. دارنده ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

ماده ۲۸۶ – دراجرای ماده (۲۸۵) این قانون، جز درموارد ایـرادات مـرتبط با شرایط شکلی، بطلان صدور و یا نقل و انتقـالات متـوالی سـند، موجـب سـلب عنوان دارنده از شخصی که سفته را با اعتماد به صـحت وضـع ظـاهر آن تحصـیل نموده است، نمی‌شود.

ماده ۲۸۷ – ظهرنویس می‌تواند با تصریح به عدم مسؤولیت مقرره در ماده (۲۸۵) این قانون ضمن ظهرنویسی، خود را از این قید معاف دارد.

ماده ۲۸۸ – دارنده سفته علاوه بر مبلغ تأدیه نشده سفته می‌تواند ارقام زیر را نیز از مسؤولین سند مطالبه کند:

۱ – خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ مطالبه سفته تا روز پرداخت نسـبت بـه مبلغ تأدیه نشده.

۲ – هزینه واخواست‌نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و حق‌الوکاله و هزینـه دادرسی یا هزینه اجرای ثبت.

تبصره – خسارت تأخیر تأدیه برمبنای شاخص قیمت خرده‌فروشی اسـت که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود. بـه هرحـال خسارت تأخیر تأدیه نباید کمتر از شش درصد (۶٪) در سال باشد.

ماده ۲۸۹ – هر یک از مسؤولین تأدیه سفته می‌تواند پرداخت را به تسـلیم سفته و واخواست‌نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و صورتحسـاب خسـارت تـأخیر تأدیه و مخارج قانونی که باید بپردازد، موکول کند.

ماده ۲۹۰ – مالک سفته مفقـود بـرای حفـظ حقـوق خـود مکلـف اسـت بلافاصله مراتب را با ارسال اظهارنامه به صادرکننده اطلاع دهد. اظهارنامه علاوه بـر

مشخصات مذکور در ماده (۳۰۳) این قانون باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد.

ماده ۲۹۱ – مالک سفته مفقود، درصورت عدم توافق با صادرکننده می تواند با اثبات مالکیت خویش بر سفته و اعلام عدم انتقال آن به غیر و دادن تضمین مناسب به مدت سه سال به تشخیص دادگاه تجارتی الزام صادرکننده را به پرداخت وجه آن بخواهد. چنانچه دادن تضمین ممکن نباشد صادرکننده ملزم به تودیع مبلغ سفته به صندوق دادگستری ا ست.

دادگاه ضمن صدور حکم به پرداخت مبلغ سفته، حکم به ابطال سند مفقود نیز خواهد داد.

ماده ۲۹۲ – مسؤولین سفته ملزم به ارائه اطلاعات و مدارکی هستند که درخصوص مالکیت مدعی فقدان سند دراختیار دارند درغیر این‌صورت ضامن خسارت وارده خواهند بود.

ماده ۲۹۳ – مبدأ محاسبه خسارت تأدیه دارنده سند مفقود زمان ارائه تضمین به صادرکننده است.

ماده ۲۹۴ – نسبت به سفته‌هایی که وجه آن باید به رؤیت یا به وعده از رؤیت تأدیه شود دارنده سفته مکلف است پرداخت یا مطالبهء آن را ظرف یکسال از تاریخ صدور سفته تقاضا کند و الا حق رجوع به ظهرنویسان را نخواهد داشت.

ماده ۲۹۵ – دارنده سفته باید ظرف پانزده روز از تاریخ سررسید وجه آن را مطالبه کند، درغیر این صورت دعوای او بر ظهرنویسان مسموع نیست.

ماده ۲۹۶ – اگر روز پانزدهم تعطیل باشد اولین روز پس از تعطیل به

مهلت مذکور در ماده قبل افزوده می‌شود.

ماده ۲۹۷ – درمورد مواد (۲۹۴) و (۲۹۵) این قانون تاریخ تقاضای واخواست یا صدور گواهینامه عدم پرداخت رعایت مهلت‌های مذکور را ثابت می کند.

ماده ۲۹۸ – درصورتی که به دلیل وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی که رفع آن از حیطه اختیار دارنده خارج است، ارائه سفته برای پرداخت یا اعتراض عدم پرداخت میسر نشود، مهلت مذکور در مواد قبل به میزان مدت زمان ممنوعیت قانونی یا حوادث غیرقابل پیش‌بینی افزایش می‌یابد. دارنده مکلف است بلافاصله پس از رفع موانع یا پایان حوادث مزبور نسبت به ارائه سفته برای قبولی یا پرداخت و درصورت لزوم اعتراض عدم پرداخت اقدام کند.

ماده ۲۹۹ – درخصوص ماده (۲۹۸) این قانون دارنده مکلف است دراولین فرصت ممکن وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی را به‌طریق مضبوطی به ظهرنویس ماقبل خود اطلاع دهد وگرنه حق مراجعه به ظهرنویسان ماقبل خود و صادرکننده را نخواهد داشت.

ماده ۳۰۰ – دارنده سفته‌ای که منجر به صدور گواهینامه عدم پرداخت و یا واخواست‌نامه شده باشد باید مراتب را ظرف ده روز از تاریخ وصول گواهینامه یا واخواست‌نامه به طریق مضبوطی به شخصی که سفته را به او واگذار نموده، ابلاغ کند.

هر یک از ظهرنویسان نیز باید ظرف ده روز از تاریخ فوق مراتب را به طریق مضبوطی به ید ماقبل خود ابلاغ کند درغیر این صورت مسؤول خسارات

ناشی از عدم ابلاغ خواهد بود.

ماده ۳۰۱ – درصورت اقامه دعوی دادگاه تجارتی مکلف است بـه مجـرد تقاضای دارنده سفته‌ای که به علت واخواست یا صدور گواهی عدم پرداخت، تأدیه نشده باشد معادل وجه سفته را از اموال خوانده یا خواندگان به‌عنوان تأمین توقیـف کند.

ماده ۳۰۲ – ارائـه سـفته و عـدم تأدیـه وجـه آن ازطریـق واخواسـت یـا گواهینامه عدم پرداخت ثابت می‌شود، درصورت فوت و ورشکستگی صـادرکننده، دارنده از تکلیف فوق معاف خواهد بود. همین حکم در موردی نیز که صـادرکننده سفته قبل از موعد سفته ورشکسته شود جاری خواهد بود.

ماده ۳۰۳ – واخواست‌نامه توسط اداره ثبت اسناد و املاک کشور و دفـاتر دادگاههای تجارتی طبق مقررات به محل پرداخت سفته ابلاغ می‌شود و باید مراتب ذیل را دارا باشد:

۱ – رونوشت کامل سفته باتمام مندرجات سفته اعم از مشخصات ضامن، ظهرنویس و غیره و یا تصویر آن.

۲ – تقاضای تأدیه وجه سفته.

ماده ۳۰۴ – چنانچه بانک، محل تأدیـه سـفته باشـد بانـک مکلـف اسـت درصورت عدم پرداخت، گواهینامه‌ای با محتویات زیر صـادر نمـوده و بـه دارنـده سفته تسلیم کند:

۱ – مشخصات کامل سفته.

۲ – هویت و نشانی کامل صادرکننده.

۳ – میزان موجودی حساب درصورت عدم کفایت و یا تصریح به کفایت موجودی.

۴ – تاریخ ارائه سفته به بانک.

۵ – گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضاء یا مهر و امضای صادرکننده با نمونه امضاء یا مهر و امضاء موجود در بانک.

۶ – نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده سفته.

۷ – علت یا علل عدم پرداخت.

درصورتی که موجودی حساب صادرکننده سفته نزد بانک کمتر از مبلغ سفته باشد، بانک مکلف است به تقاضای دارنده مبلغ موجود در حساب را درقبال اخذ رسید در پشت سفته پرداخت کند و گواهینامه را با تصریح به مبلغ پرداخت شده صادر نماید. گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده سفته جانشین اصل سفته خواهد بود.

ماده ۳۰۵ – بانک ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهینامه عدم پرداخت و یا صدور نادرست و ناقص آن است.

ماده ۳۰۶ – بانک مکلف است گواهینامه عدم پرداخت را فوراً برای صاحب حساب ارسال کند.

ماده ۳۰۷ – اگر دارنده سفته بخواهد از حقی که ماده (۲۸۵) این قانون برای او مقرر داشته است استفاده کند، باید ظرف یک سال از تاریخ واخواست یا صدور گواهینامه عدم پرداخت اقامه دعوا کند.

هریک از ظهرنویس‌ها که بخواهد از حقی که در ماده (۲۸۵) این قانون به

او داده شده استفاده کند، باید ظرف همین مدت اقامه دعـوی کنـد و نسـبت بـه او موعد از فردای ابلاغ احضاریه دادگاه تجارتی محسوب است و اگر وجـه سـفته را بدون این‌که علیه او اقامه دعوا شده باشد تأدیه کند از فـردای روز تأدیـه محسـوب است.

ماده ۳۰۸ – پس از انقضای مواعد مقرره در ماده فوق دعوی دارنده سـفته علیه ظهرنویس‌ها و همچنین دعوای هر یک از ظهرنویس‌ها بـر ظهرنـویس سـابق خود مسموع نخواهد بود.

ماده ۳۰۹ – دعاوی راجع به سـفته، پـس از انقضـای سـه سـال از تـاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت یا واخواست یا آخرین تعقیب قضایی، به‌عنوان سند تجاری در محاکم مسموع نخواهد بود.

تبصره – مواعد مذکور در ماده (۳۰۷) این قانون از شمول این ماده مستثنی است.

ماده ۳۱۰ – صادرکننده و ظهرنویس‌ها و ضامن مـی‌تواننـد بـا قیـد شـرط «بدون اعتراض» یا هر اصطلاح معادل دیگری که در سفته نوشته، امضاء یـا مهـر و امضاء می‌شود، دارنده را از اعتراض عدم پرداخت به منظـور اعمـال حـق رجـوع، معاف کنند. این شرط دارنده را از وظیفه ارائه سفته ظرف مهلت مقرر معـاف نمـی کند ولی اثبات عدم رعایت این مهلت به عهده شخصی است که در مقابل دارنده به این ایراد استناد می‌کند.

اگر این شرط توسط صادرکننده نوشته شده باشـد، آثـار آن متوجـه کلیـه مسؤولان سفته می‌شود. درصورتی که این شرط توسـط یکـی از ظهرنـویس‌هـا یـا

ضامن درج شده باشد، آثار آن فقط درمورد همان ظهرنویس یا ضامن مجری است.

اگر علی‌رغم درج شرط در سفته به وسیله صادرکننده، دارنده سفته اعتراض به عمل آورد، باید هزینه‌های مربوط را نیز متحمل شود. درصورتی که این شرط از جانب ظهرنویس یا ضامن قید شود مخارج اعتراض (اگر انجام شده باشد) از تمام مسؤولان سفته قابل مطالبه است. مفاد این ماده درصورتی که محل پرداخت سفته بانک صادر کننده باشد اعمال نمی‌شود.

ماده ۳۱۱ – درصورتی که حکم ورشکستگی چند نفر از مسؤولان سفته صادر شود، دارنده سفته می‌تواند در هیأت طلبکاران هر یک یا تمامی آنها برای وصول تمام طلب خود (مبلغ سفته، خسارت تأخیر تأدیه و مخارج قانونی) داخل شود. مدیر تصفیه هیچ‌یک از ورشکستگان نمی‌تواند برای مبلغی که به دارنده سفته پرداخت می‌شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع کند، مگر این‌که مجموع مبالغی که از دارایی تمام ورشکستگان به دارنده سفته تخصیص می‌یابد، بیشتر از میزان طلب او باشد که دراین‌صورت، مازاد به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هرکدام پرداخته‌اند، جزء دارایی ورشکستگانی محسوب می‌شود که به سایر ورشکسته‌ها حق رجوع دارند.

تبصره ۱ – در هر حال دارنده سفته نباید مبلغی بیش از مبلغ سند دریافت کند.

تبصره ۲ – مفاد این ماده درمورد ورشکستگی هرچند نفری که برای پرداخت یک دین مسؤولیت تضامنی دارند رعایت می‌شود.

ماده ۳۱۲ – دارنده سفته‌ای که محل تأدیه آن بانک است درصورت

مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن می‌تواند طبق مقررات مربوط به اجرای اسناد رسمی، وجه سفته را به همراه خسارت تأخیر تأدیه از صادرکننده وصول کند. برای صدور اجرائیه دارنده سفته باید عین سفته و گواهینامه مذکور در ماده (۳۰۴) این قانون را به اجرای ثبت اسناد محل تأدیه سفته یا محل اقامت صادرکننده تسلیم کند.

درصورتی که بخشی از وجه پرداخت شده باشد گواهینامه مزبور جانشین سفته هم هست.

اجرای ثبت درصورتی دستور اجرا صادر می‌کند که مطابقت امضاء یا مهر و امضای سفته با نمونه امضاء یا مهر و امضای صادرکننده توسط بانک گواهی شده باشد.

ماده ۳۱۳ – درصورتی که صادرکننده سفته، شخص حقوقی باشد و امضاء کننده یا امضاءکنندگان پرداخت وجه آن را از طرف شخص حقوقی ضمانت کرده باشند اجرائیه به نحو تضامن علیه شخص حقوقی و امضاء کننده یا امضاءکنندگان صادر می‌گردد.

ماده ۳۱۴ – با تقاضای دارنده سفته، اجرای ثبت مکلف است معادل مبلغ سفته، خسارت تأخیر تأدیه و هزینه اجرا را از اموال ثبت شده صادرکننده و همچنین ضامن مذکور در ماده (۳۱۳) این قانون رأساً شناسایی و بازداشت کند، درخصوص اموال ثبت نشده توقیف توسط اجرای ثبت مطابق مقررات موجود انجام خواهد شد.

ماده ۳۱۵ – اجرای ثبت مکلف است به تقاضای دارنده و با معرفی

مشخصات صادرکننده و شعبه بانک یا مؤسسه اعتباری و مالی که وی احتمال وجود حساب مفتوح صادرکننده را می‌دهد، شماره حساب بانکی صادرکننده و کفایت موجودی را استعلام و درحدود طلب بازداشت کند.

ماده ۳۱۶ – تقاضای اجرا باید حداکثر ظرف یک سال از صدور گواهینامه عدم پرداخت به عمل آید.

ماده ۳۱۷ – درمورد سفته‌هایی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی سفته تابع قوانین کشور صدور است.

در هر قسمت از سایر تعهدات ناشی از سفته (تعهدات ناشی از ظهرنویسی، ضمانت و غیره) نیز که در خارج از کشور به وجود آمده است، تابع قوانین کشوری است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است. با وجود این، اگر شرایط اساسی سفته یا تعهدات ناشی از آن مطابق قانون ایران جمع باشد، کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اند حق استناد به این را ندارند که شرایط اساسی سفته یا تعهدات ناشی از سفته مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.

ماده ۳۱۸ – اعتراض و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشی از سفته و استفاده از آن در خارج از کشور باید به عمل آید، تابع قوانین کشور محل اقدام است.

فصل سوم – برات

ماده ۳۱۹ – برات سندی است که به موجب آن شخصی به شخص دیگری دستور بی‌قید و شرط می‌دهد تا در موعد معین یا به رؤیت مبلغی را به

شخص ثالث یا دستوردهنده یا به حواله‌کرد آنها پرداخت کند.

به دستوردهنده «براتکش» یا «صادرکننده» یا «برات دهنده»، به شخصی که دستور را دریافت می‌کند «براتگیر» و به شخص ثالث، «دارنده برات» می‌گویند.

ماده ۳۲۰ – برات علاوه بر امضاء یا مهر و امضای برات‌دهنده باید متضمن موارد زیر باشد:

۱ – قید کلمه «برات».

۲ – نام و محل اقامتگاه صادرکننده برات.

۳ – تاریخ صدور به روز و ماه و سال.

۴ – محل صدور.

۵ – مبلغ برات.

۶ – موعد پرداخت مبلغ برات.

۷ – نشانی کامل محل پرداخت برات.

۸ – نام و محل اقامتگاه (براتگیر).

۹ – نام شخصی که برات باید در وجه یا حواله‌کرد او پرداخت شود.

۱۰ – درصورتی که برات در بیش از یک نسخه صادر شود قید این که نسخه اول، دوم، سوم یا الی آخر است.

ماده ۳۲۱ – درصورتی که برات مطابق ماده (۳۲۰) این قانون تنظیم نشده باشد، مشمول مقررات برات نخواهد بود مگر درموارد زیر:

۱ – براتی که در آن موعد پرداخت مشخص نشده باشد، به رؤیت تلقی می‌شود.

۲ – درصورتی که مکان پرداخت مبلغ برات مشخص نباشد، اقامتگاه براتگیر مکان پرداخت تلقی می‌شود.

۳ – درصورتی که محل صدور برات ذکر نشود، اقامتگاه برات‌دهنده محل صدور برات تلقی می‌شود.

ماده ۳۲۲ – اگر برات هنگام صدور فاقد شرایط مذکور در ماده (۳۲۰) این قانون باشد و سپس توسط دارنده تکمیل شود، اعتبار برات را خواهد داشت. دراین صورت:

الف – صادرکننده نمی‌تواند به فقدان اختیار تکمیل‌کننده سند یا خروج او از حدود اختیارات اعطایی در برابر دارنده ناآگاه استناد کند.

ب – اشخاصی که سند تکمیل شده را به عنوان ظهرنویس امضاء یا مهر و امضاء کرده‌اند درحدود مفاد برات دربرابر دارندگان بعدی مسؤولیت دارند.

ماده ۳۲۳ – چنانچه به‌موجب قرارداد میان بانک و مشتری، وجه برات از محل حساب جاری یا حساب پس‌انداز یا هرنوع حساب دیگری قابل پرداخت باشد، باید نشانی شعبه بانک و شماره حساب به عنوان محل پرداخت در برات قید شود.

ماده ۳۲۴ – اگر مبلغ برات بیش از یک بار به حروف نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است و اگر مبلغ به حروف و رقم نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است. همچنین اگر تاریخ به حروف و رقم نوشته شده باشد و بین آنها اختلاف باشد، تاریخ به حروف معتبر است.

ماده ۳۲۵ – برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود، دراین صورت امضاءکننده باید سمت خویش را در برات ذکر کند، وگرنه با دستوردهنده مسؤولیت تضامنی خواهد داشت و چنانچه فراتر از حدود اختیار، یا بدون داشتن اختیار عمل کند، شخصاً مسؤول است.

ماده ۳۲۶ – موعد پرداخت ممکن است برات به رؤیت به وعده از رؤیت یا به وعده از تاریخ صدور یا به روز معین باشد.

ماده ۳۲۷ – هرگاه براتگیر یا شخص ثالث، برات به رؤیت را قبول کند باید فوراً آن را پرداخت کند.

ماده ۳۲۸ – سررسید براتی که به وعده از رؤیت صادر شده، به‌وسیله تاریخ قبولی و درصورت خودداری براتگیر از قبول، به وسیله تاریخ واخواست‌نامه نکول معین می‌شود.

ماده ۳۲۹ – اگر سررسید برات مصادف با تعطیل رسمی باشد باید روز بعد از تعطیل پرداخت شود.

ماده ۳۳۰ – برات باید به محض ارائه یا حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از تاریخ ارائه، قبول یا نکول شود.

ماده ۳۳۱ – براتگیر تا زمانی که برات را قبول نکرده است نسبت به آن مسؤول نیست، ولی اگر قبول کند، حق نکول ندارد.

ماده ۳۳۲ – قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده، امضاء یا مهر و امضاء می‌شود. اگر در برات قابل پرداخت به وعده از رؤیت، قبولی بدون تاریخ نوشته شود، تاریخ صدور برات تاریخ رؤیت تلقی می‌شود.

ماده ۳۳۳ – هر عبارتی که براتگیر در برات بنویسد و امضاء یا مهر و امضاء کند قبولی محسوب است، مگر این که صراحت بر عدم قبول داشته باشد. درصورتی که عبارت حاکی از عدم قبول جزئی از مبلغ برات باشد، برات نسبت به بقیه مبلغ آن قبول شده محسوب می‌شود. درصورتی که براتگیر بدون درج عبارتی، برات را امضاء یا مهر و امضاء کند برات قبول شده تلقی می‌شود.

ماده ۳۳۴ – قبول برات نباید مشروط به تحقق شرطی شود، درصورت قبولی مشروط، برات نکول شده محسوب می‌شود. با این حال براتگیر درحدود شرطی که نوشته مسؤول پرداخت وجه برات است.

ماده ۳۳۵ – قبولی برات ممکن است منحصر به جزئی از مبلغ برات باشد، دراین‌صورت دارنده می‌تواند برای بقیه مبلغ آن اعتراض کند.

ماده ۳۳۶ – براتگیر نمی‌تواند تقاضا کند که برای نوشتن قبولی عین برات نزد او باقی بماند. هرگاه برات در نسخه‌های متعدد نوشته شده باشد، فقط نسخه‌ای که مخصوص براتگیر است نزد او باقی خواهد ماند.

ماده ۳۳۷ – اعتراض به نکول برات باید با «واخواست‌نامه عدم قبول» تحقق یابد.

ماده ۳۳۸ – براتگیر می‌تواند هنگام قبول برات، حسب مورد محل دیگری را غیر از محل پرداخت یا اقامتگاه خود برای پرداخت مبلغ برات تعیین کند. دراین صورت برات در محل اخیر قابل پرداخت است.

تبصره – محل ثالثی که توسط براتگیر تعیین می‌شود نمی‌تواند خارج از محدوده استان محل اقامتگاه او یا دارنده برات باشد.

ماده ۳۳۹ – با ارسال واخواست‌نامه عدم قبول، ظهرنویس‌ها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامن معتبری برای تأدیه و مبلغ آن در موعد معرفی کنند یا مبلغ برات را به اضافه مخارج واخواست‌نامه فوری پرداخت کنند.

ماده ۳۴۰ – اگر علیه کسی که براتی را قبول کرده ولی مبلغ آن را نپرداخته است، واخواست‌نامه عدم پرداخت صادر شود، دارنده برات دیگری که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است، می‌تواند از قبول‌کننده تقاضا کند که برای پرداخت مبلغ آن ضامن معتبر معرفی کند یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.

ماده ۳۴۱ – انتقال برات حتی در مواردی که با صراحت به حواله‌کرد صادر نشده باشد، ازطریق ظهرنویسی به عمل میآید.

ماده ۳۴۲ – ظهرنویسی براتی که انتقال آن با قلم‌گرفتگی «به حواله‌کرد» یا درج عبارت دارای معنی مشابه منع شده، انتقال عادی محسوب می‌شود. درموردی که بانک به‌عنوان محل تأدیه معین شده است وجه برات فقط قابل واریز به حساب بانکی دارنده است.

ماده ۳۴۳ – انتقال عادی (ساده) انتقالی است که به‌موجب آن انتقال دهند، حقوقی را که از آن برخوردار است به دارنده منتقل می‌کند ولی شخصی که انتقال را منع کرده می‌تواند درمقابل دارنده به ایرادات شخصی ناشی از روابط خصوصی اش با شخصی که وی سند را به او منتقل کرده است، استناد کند.

ماده ۳۴۴ – ظهرنویسی برات با امضاء یا مهر و امضای دارنده در پشت برات محقق می‌شود. ممکن است در ظهرنویسی نام شخصی که برات به نام او

منتقل می‌شود، همچنین تاریخ انتقال قید شود. در غیراین‌صورت دارنده برات مجاز به تکمیل ظهرنویسی به نام خود یا به نام غیر است.

ماده ۳۴۵ – برات متضمن ظهرنویسی فاقد نام انتقال گیرنده یا «در وجه حامل» ازطریق قبض و اقباض قابل انتقال به غیر است.

ماده ۳۴۶ – ظهرنویس برات می‌تواند ظهرنویسی مجدد را منع کند. در این صورت ظهرنویسی مجدد انتقال عادی محسوب می‌شود و مشمول حکم مقرر در ماده (۳۴۲) این قانون است.

ماده ۳۴۷ – هرگاه در ظهرنویسی عامداً تاریخ مقدمی ذکر شود، علاوه بر جبران خسارات وارد شده به ظهرنویس‌های ماقبل خود و دارنده برات، به جزای نقدی معادل یک چهارم مبلغ برات محکوم خواهد شد.

ماده ۳۴۸ – چنانچه ظهرنویسی توأم با شرط باشد، ظهرنویسی معتبر است و هیچ‌یک از مسؤولین سند نمی‌تواند با استناد به شرط مزبور از ایفای مسؤولیت خویش خودداری کند، لیکن چنین شرطی برای محاکم قابل استماع است.

ظهرنویسی جزئی از مبلغ برات باطل است.

ماده ۳۴۹ – ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است مگر این که ظهرنویس وکالت در وصول را قید کرده باشد که دراین صورت انتقال برات واقع نمی‌شود ولی وکیل حسب مورد حق اعتراض عدم قبول و یا اعتراض عدم پرداخت را ازطریق واخواست‌نامه یا گواهینامه عدم پرداخت خواهد داشت.

ماده ۳۵۰ – وکالت در وصول برات به شرح ماده (۳۴۹) این قانون با فوت یا حجر ظهرنویس (موکل) منتفی نمی‌شود.

ماده ۳۵۱ – برات‌دهنده، کسی که برات را قبول کـرده و ظهرنـویس‌هـا در مقابل دارنده برات مسؤولیت تضامنی دارند. درصورت عدم پرداخت مبلـغ بـرات، دارنده آن می‌تواند پس از اعتراض عدم پرداخت بـه هرکـدام از آنهـا کـه بخواهـد منفرداً یا به چند نفر به انفراد یـا اجتمـاع رجـوع کنـد. همـین حـق را هـر یـک از ظهرنویس‌ها نسبت به برات‌دهنده و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد.

اقامه دعوا بر یک یا چند نفر از مسؤولان برات موجب اسقاط حق رجـوع به سایر مسؤولان برات نیست. اقامه‌کننده دعوا ملزم نیست ترتیب ظهرنویسـی را از حیث تاریخ رعایت کند.

ماده ۳۵۲ – دراجرای ماده (۳۵۱) این قانون، جز در موارد ایرادات مـرتبط با شرایط شکلی، بطلان صدور و یا نقل و انتقـالات متـوالی سـند، موجـب سـلب عنوان دارنده از شخصی که برات را با اعتماد به صـحت وضـع ظـاهر آن تحصـیل نموده است، نمی‌شود.

ماده ۳۵۳ – ظهرنویس می‌تواند با تصریح به عدم مسؤولیت مقرره در ماده (۳۵۱) این قانون ضمن ظهرنویسی، خود را از این قید معاف دارد.

ماده ۳۵۴ – دارنده برات، علاوه بر مبلغ پرداخت نشده برات می‌تواند ارقام زیر را نیز از مسؤولان برات مطالبه کند:

۱ – خسارت تـأخیر تأدیـه از تـاریخ واخواسـت‌نامـه عـدم پرداخـت یـا گواهینامه عدم پرداخت تا روز پرداخت نسبت به مبلغ پرداخت نشده.

۲ – هزینه واخواست‌نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و حق‌الوکاله و هزینـه دادرسی و هزینه اجرای ثبت.

تبصره – خسارت تأخیر تأدیه برمبنای شاخص قیمت خرده‌فروشی که هر سال توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، تعیین می‌گردد. به هرحال خسارت تأخیر تأدیه نباید از شش درصد (۶٪) در سال کمتر باشد.

ماده ۳۵۵ – هر یک از مسؤولان پرداخت برات، می‌تواند پرداخت مبلغ آن را به تسلیم برات، واخواست‌نامه یا گواهینامه عدم پرداخت و حسب مورد صورتحساب خسارت تأخیر تأدیه و مخارج قانونی که باید بپردازد، موکول کند.

ماده ۳۵۶ – درصورتی که حکم ورشکستگی چند نفر از مسؤولان برات صادر شود، دارنده برات می‌تواند در هیأت طلبکاران هر یک یا تمامی آنها برای وصول تمام طلب خود (مبلغ برات، خسارت تأخیر تأدیه ومخارج قانونی) داخل شود، مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی‌تواند برای مبلغی که به دارنده برات پرداخت می‌شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع کند، مگر این که مجموع مبالغی که از دارایی تمام ورشکستگان به دارنده برات تخصیص می‌یابد، بیشتر از میزان طلب او باشد که دراین صورت مازاد به‌ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هرکدام پرداخته‌اند، جزء دارایی ورشکستگانی محسوب می‌شود که به سایر ورشکسته‌ها حق رجوع دارند.

تبصره ۱ – در هر حال، دارنده برات نباید مبلغی بیش از مبلغ سند دریافت کند.

تبصره ۲ – مفاد این ماده درمورد ورشکستگی هر چند نفری که برای پرداخت یک دین مسؤولیت تضامنی دارند رعایت می‌شود.

ماده ۳۵۷ – پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل میآید

با این حال درمواردی که برات به پول خارجی است و پرداخت آن به دلیل موانع قانونی متعذر شده و همچنین درصورت توافق طرفین، مبلغ برات ممکن است معادل ارزش روز سررسید و اگر برات با تأخیر پرداخت می‌شود، معادل ارزش روز سررسید یا روز پرداخت، به انتخاب دارنده برات به ریال پرداخت شود.

ماده ۳۵۸ – دارنده برات را نمی‌توان به دریافت پیش از موعد مبلغ برات اجبار کرد.

ماده ۳۵۹ – برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخت شود. شخصی که وجه برات را قبل از موعد، پرداخت می‌کند در مقابل اشخاصی که نسبت به مبلغ برات حقی دارند مسؤول است.

ماده ۳۶۰ – در براتی که به وعده از رؤیت است، روز مطالبه و در براتی که به وعده از تاریخ صدور است، روز صدور محاسبه نمی‌شود.

ماده ۳۶۱ – در براتی که وعده آن یک یا چند ماه پس از صدور یا رؤیت تعیین شده است، هر ماه سی روز محاسبه می‌شود.

ماده ۳۶۲ – اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد، حق مراجعه به ظهرنویس‌های قبل از خود و برات دهنده‌ای که به مهلت رضایت نداده‌اند، ندارد.

ماده ۳۶۳ – پرداخت مبلغ برات در وعده سبب برائت است، مگر این که مبلغ برات به حکم قانون نزد پرداخت کننده توقیف شده باشد در این صورت نباید وجه آن را بپردازد و درصورت پرداخت مسؤول خواهد بود.

ماده ۳۶۴ – اگر جزئی از مبلغ برات پرداخت شود به همان اندازه

صادرکننده و ظهرنویس‌ها بری می‌شوند و دارنده فقط نسبت به بقیه وجه برات می تواند به مسؤولان سند رجوع کند. درصورت پرداخت جزئی از مبلغ برات پرداخت کننده می‌تواند پرداخت را موکول به درج آن درپشت برات با امضاء یا مهر و امضاء دریافت کننده، ارائه رسید، تصویب مصدق پشت و روی برات کند.

ماده ۳۶۵ – پرداخت مبلغ برات ممکن است به موجب نسخه دوم، سوم و چهارم و به بعد، به عمل آید، مشروط بر این‌که در روی نسخه‌ای که برات براساس آن پرداخت می‌شود ذکر شود که پس از پرداخت مبلغ برات به موجب این نسخه، نسخه‌های دیگر از اعتبار ساقط هستند.

ماده ۳۶۶ – شخصی که مبلغ برات را براساس نسخه‌ای بپردازد که قبولی در روی آن نوشته نشده است، درمقابل شخصی که نسخه قبول شده برات را دراختیار دارد، مسؤول پرداخت مبلغ آن است.

ماده ۳۶۷ – درصورت مفقود شدن نسخه‌ای از براتی که در چند نسخه صادر شده و هنوز قبول نشده است، دارنده آن می‌تواند قبولی و وصول آن را براساس نسخه‌های دوم یا سوم یا چهارم و بعد از آن تقاضا کند.

ماده ۳۶۸ – اگر نسخه متضمن قبولی مفقود شده باشد، ذی‌نفع می‌تواند با مراجعه به دادگاه تجارتی، با اثبات اخذ قبولی و دادن تضمین مناسب، وجه برات را مطالبه کند.

ماده ۳۶۹ – درصورت مفقود شدن براتی که فقط در یک نسخه صادر شده است، اعم از این که قبولی در روی آن نوشته شده یا نشده باشد، ذی‌نفع آن می تواند به‌ترتیبی که در ماده (۳۷۰) این قانون پیش‌بینی شده، نسخه جایگزین برات را

تحصیل کند. چنانچه تحصیل نسخه جایگزین برات ممکن نشود و براتگیر یا صادرکننده نیز به پرداخت مبلغ برات رضایت ندهند، ذی‌نفع می‌تواند با اثبات مالکیت خویش نسبت به برات و اثبات اخذ قبولی (درصورتی که ذی‌نفع مدعی اخذ قبولی برات مفقود شده باشد) و اعلام عدم انتقال آن به غیر و دادن تضمین مناسب به مدت سه سال به تشخیص دادگاه تجارتی، حسب مورد الزام قبول‌کننده یا صادرکننده یا سایر مسؤولان برات را به پرداخت مبلغ برات به‌طور تضامنی تقاضا کند.

چنانچه دادن تضمین ممکن نباشد، قبول کننده یا صادرکننده حسب مورد ملزم به ایداع مبلغ برات در صندوق دادگستری هستند. دادگاه ضمن صدور حکم به پرداخت مبلغ برات، حکم به ابطال سند مفقود نیز خواهد داد.

ماده ۳۷۰ – صاحب برات مفقود، برای تحصیل نسخه جایگزین باید به ظهرنویس پیش از خود، رجوع کند.

ظهرنویس مزبور ملزم است به صاحب برات، اختیار مراجعه به ظهرنویس ماقبل خود را بدهد و او را راهنمایی کند و همچنین هر ظهرنویس باید اختیار رجوع به ظهرنویس ماقبل خود بدهد تا به برات دهنده برسد، مخارج این اقدامات برعهده صاحب برات مفقود است.

ظهرنویس درصورت امتناع از دادن اختیار، مسؤول تأدیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است.

ماده ۳۷۱ – دادگاههای تجارتی نمی‌توانند بدون رضایت دارنده برات، برای پرداخت مبلغ آن مهلتی بدهند.

ماده ۳۷۲ – مالک برات مفقود برای حفظ حقوق خود مکلف است بلافاصله مراتب را با ارسال اظهارنامه به صادرکننده اطلاع دهد. اظهارنامه علاوه بر مشخصات مذکور در ماده (۳۶۵) این قانون باید متضمن بیان نحوه تحصیل سند و چگونگی فقدان آن باشد.

ماده ۳۷۳ – مسؤولین برات ملزم به ارائه اطلاعات و مدارکی هستند که درخصوص مالکیت مدعی فقدان سند دراختیار دارند، وگرنه ضامن خسارت وارده می‌شوند.

ماده ۳۷۴ – مبدأ محاسبه خسارت تأدیه دارنده برات مفقود زمان ارائه تضمین به صادرکننده است.

ماده ۳۷۵ – هر شخص ثالثی می‌تواند از طرف برات‌دهنده، یکی از ظهرنویس‌ها یا یکی از ضامن‌ها مبلغ برات اعتراض شده را پرداخت کند. دخالت شخص ثالث و پرداخت مبلغ باید در واخواست‌نامه عدم پرداخت ذکر شود.

ماده ۳۷۶ – پرداخت توسط شخص ثالث باید شامل تمام مبلغی باشد که مدیون اصلی مکلف به پرداخت آن است. این پرداخت باید تا پایان مهلت مقرر در واخواست‌نامه عدم پرداخت صورت گیرد. درصورت پرداخت، اصل برات و واخواست‌نامه عدم تأدیه باید به شخص ثالث مسترد شود.

ماده ۳۷۷ – دارنده‌ای که پرداخت مبلغ برات توسط شخص ثالث را رد می‌کند، حق رجوع خود را نسبت به مسؤولانی که با این پرداخت بری می‌شوند از دست می‌دهد.

ماده ۳۷۸ – شخص ثالثی که مبلغ برات را پرداخت می‌کند باید ذکر کند

پرداخت از طرف کدام یک از مسؤولان برات انجام می‌گیرد. درصورت عدم ذکر، پرداخت از طرف برات‌دهنده فرض می‌شود.

ماده ۳۷۹ – شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است، با این حال پرداخت کننده نمی‌تواند برات را دوباره ظهرنویسی کند.

ماده ۳۸۰ – اگر مبلغ برات را شخص ثالث از طرف برات‌دهنده پرداخت کند، تمام ظهرنویسها و ضامن‌ها بری می‌شوند و اگر پرداخت مبلغ از طرف یکی از ظهرنویس‌ها یا ضامن‌ها باشد، ظهرنویس‌های بعد از او و ضامنان آنها بری می شوند.

ماده ۳۸۱ – اگر چند شخص به اتفاق برای پرداخت مبلغ برات از سوی یکی از مسؤولان برات اعلام آمادگی کنند، پیشنهاد شخصی پذیرفته می‌شود که پرداخت مبلغ از سوی او تعداد بیشتری از مسؤولان را بری می‌کند. اگر خود براتگیر پس از اعتراض، برای پرداخت مبلغ برات حاضر شود، بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد. هر شخصی که با آگاهی از موضوع، خلاف این قاعده عمل کند، حق رجوع خود را نسبت به آنهایی که برائت می‌یافتند از دست می‌دهد.

ماده ۳۸۲ – ممکن است پرداخت تمام یا قسمتی از مبلغ برات ضمانت شود.

ماده ۳۸۳ – ضامن فقط با شخصی که از او ضمانت کرده است مسؤولیت تضامنی دارد. به هرحال مسؤولیت ضامن از مضمون عنه بیشتر نخواهد بود. دارنده برات می‌تواند به هر یک منفرداً یا مجتمعاً مراجعه کند.

ماده ۳۸۴ – ضمانت با درج نام، نشانی و امضاء یا مهر و امضای توام با درج عبارتی حاکی از ضمانت و تعیین مضمون عنه محقق می‌شود، با وجود این، صرف درج نام، نشانی و امضاء یا مهر و امضای روی برات، ضمانت از صادرکننده محسوب می‌شود. صرف درج نام و امضاء یا مهر و امضای پشت برات به‌عنوان ضمانت تلقی نمی‌شود، مگر این‌که خلاف آن ثابت شود.

ماده ۳۸۵ – ضامن درصورت پرداخت مبلغ برات، از کلیه حقوق ناشی از برات درمقابل مضمون عنه و نیز اشخاصی که دربرابر او مسؤولیت دارند، برخوردار است.

ماده ۳۸۶ – مسؤولیت ضامن، جز درخصوص ایرادات مرتبط با ظاهر سند و مرور زمان همواره اعتبار دارد.

ماده ۳۸۷ – نسبت به برات‌هایی که مبلغ آنها باید در ایران عندالمطالبه یا به وعده از رؤیت پرداخت شود، اعم از این‌که برات در ایران یا در کشور دیگر صادر شده باشد، دارنده برات مکلف است قبولی یا پرداخت آن را ظرف یک سال از تاریخ صدور برات مطالبه کند، وگرنه حق رجوع به ظهرنویس‌ها و همچنین به برات‌دهنده‌ای که مبلغ برات را به براتگیر پرداخته است، ندارد.

ماده ۳۸۸ – اگر در برات، اعم از اینکه در ایران یا در کشور دیگر صادر شده باشد، برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر شده باشد، دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا کند، وگرنه حق رجوع به ظهرنویس‌ها و همچنین برات‌دهنده‌ای که مبلغ برات را به براتگیر پرداخته است، ندارد.

ماده ۳۸۹ – اگر ظهرنویس برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد،

دارنده برات باید در همان مدت تقاضای قبولی کند، وگرنه درمقابل آن ظهرنـویس نمی‌تواند از مقررات راجع به برات استفاده کند.

ماده ۳۹۰ – هرگاه دارنده برات عندالمطالبه یا بـه وعـده از رؤیـت کـه در ایران صادر شده است و باید در یک کشور دیگر پرداخت شود، در مواعد مقرر در مواد قبل، قبولی یا پرداخت مبلغ برات را تقاضا نکرده باشد، مطابق مقررات همـان مواد حق او ساقط خواهد شد، مگر ایـن‌کـه بـین دارنـده بـرات و بـرات‌دهنـده و ظهرنویس‌ها به نحو دیگری توافق شده باشد.

ماده ۳۹۱ – دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند.

ماده ۳۹۲ – اعتراض به امتناع از پرداخت مبلغ برات باید ظـرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله واخواست‌نامه عدم پرداخت معین شود.

تبصره – درمواردی که بانک براتگیر به عنوان محل پرداخـت مبلـغ بـرات تعیین شده است گواهینامه عـدم پرداخـت کـه ظـرف ده روز از تـاریخ وعـده بـه تقاضای دارنده از سوی بانک براتگیر صادر می‌شود، جایگزین واخواست‌نامه عـدم پرداخت محسوب می‌شود.

ماده ۳۹۳ – اگر روز دهم تعطیل باشد، واخواست‌نامـه بایـد دراولـین روز غیر تعطیل بعد از آن ارسال شود. درصورتی که محل پرداخت بـرات بانـک باشـد صدور گواهینامه عدم پرداخت نیز باید روز بعد از تعطیل تقاضا شود.

ماده ۳۹۴ – درصورت فـوت یـا ورشکسـتگی براتگیـر، دارنـده بـرات از اعتراض عدم قبولی یا نکـول یـا اعتـراض پرداخـت معـاف اسـت. همـین حکـم درموردی نیز که قبول کننده برات قبل از وعده ورشکست شود، جاری خواهد بود.

ماده ۳۹۵ – درصورتی که به دلیل وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی که رفع آن از حیطه اختیار دارنده خارج است، ارائه برات برای قبولی یا پرداخت یا اعتراض عدم پرداخت میسر نشود، مهلت مذکور در مواد قبل به میزان مدت زمان ممنوعیت قانونی یا حوادث غیرقابل پیش‌بینی افزایش می‌یابد. دارنده مکلف است بلافاصله پس از رفع موانع یا پایان حوادث مزبور نسبت به ارائه برات برای قبولی یا پرداخت و درصورت لزوم اعتراض عدم پرداخت اقدام کند.

ماده ۳۹۶ – درخصوص ماده(۳۹۵) این قانون دارنده مکلف است دراولین فرصت ممکن، وجود ممنوعیت قانونی یا بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی را به طریق مضبوطی به ظهرنویس ماقبل خود اطلاع دهد وگرنه حق مراجعه به ظهرنویسان ماقبل خود و برات‌دهنده را نخواهد داشت.

ماده ۳۹۷ – درمورد براتی که به علت عدم پرداخت اعتراض شده است، دارنده برات باید ظرف ده روز از تاریخ اعتراض، مراتب عدم پرداخت مبلغ برات را به‌طریق مضبوطی به کسی که برات را به او واگذار کرده اطلاع دهد. همین تکلیف را هر یک از ظهرنویس‌ها نسبت به ظهرنویس ماقبل خود دارد، درغیر این صورت دارنده برات و هر یک از ظهرنویس‌ها، مسؤول خساراتی خواهد بود که درنتیجه عدم اطلاع به ظهرنویس قبلی خود وارد شده است.

ماده ۳۹۸ – اگر دارنده براتی که باید در ایران پرداخت شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده (۳۵۱) این قانون برای او مقرر داشته است استفاده کند، باید ظرف شش ماه از تاریخ اعتراض اقامه دعوا کند. این

مدت برای برات‌هایی که باید در کشور دیگر پرداخت شود، یک سال خواهد بود.

تبصره – درمورد برات‌هایی که مطابق ماده (۴۰۹) این قانون متضمن شرط «بدون اعتراض» است، دعوا باید به ترتیب ظرف شش ماه و یک سال از تاریخ عدم پرداخت اقامه شود.

ماده ۳۹۹ – هر یک از ظهرنویس‌ها که بخواهد از حقی که ماده (۳۵۱) این قانون برای او مقرر داشته است استفاده کند، باید در مهلت‌های مذکور در ماده (۳۹۸) این قانون اقامه دعوا کند و نسبت به او مهلت‌های اقامه دعوا از فردای روز ابلاغ اخطاریه دادگاه تجارتی محاسبه می‌شود و اگر مبلغ برات را بدون این‌که بر او اقامه دعوا شود، پرداخت کرده باشد، این مهلت‌ها از فردای روز پرداخت محاسبه خواهد شد.

ماده ۴۰۰ – پس از انقضای مهلت‌های مذکور در مواد (۳۹۸) و (۳۹۹) این قانون، دعوای دارنده برات علیه ظهرنویس‌ها و همچنین دعوای هر یک از ظهرنویس‌ها علیه ید سابق خود برای استفاده از حقوق ماده(۳۵۱) این قانون در دادگاه تجارتی پذیرفته نمی‌شود.

ماده ۴۰۱ – پس از انقضای مواعد مذکور در مواد (۳۹۸) و (۳۹۹) این قانون، دعوای دارنده و ظهرنویس‌های برات علیه برات‌دهنده نیز پذیرفته نمی‌شود مشروط بر این‌که برات‌دهنده کند در سر وعده مبلغ برات را به براتگیر پرداخت کرده است. در این صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به براتگیر را خواهد داشت.

ماده ۴۰۲ – اگر پس از انقضای موعدی که برای اعتراض یا برای اقامه

دعوا مقرر است، برات‌دهنده یا هر یک از ظهرنویس‌ها از طریق تهاتر یا عنوان دیگر مبلغی را که به‌منظور پرداخت برات به براتگیر رسانیده بود، مسترد کند، دارنده برات حق خواهد داشت علیه دریافت کننده وجه اقامه دعوا کند.

ماده ۴۰۳ – پس از اقامه دعوا، دادگاه تجارتی مکلف است صرف تقاضای دارنده براتی که به علت عدم پرداخت اعتراض شده یا دارنده براتی که پرداخت نشده ولی درمورد آن مطابق ماده (۴۰۸) اعتراض عدم پرداخت ضرورت نداشته است، دستور توقیف معادل مبلغ برات را از اموال خوانده به‌عنوان تأمین خواسته صادر کند.

ماده ۴۰۴ – اعتراض در موارد زیر به عمل میآید:

۱ – امتناع از قبول یا نکول.

۲ – عدم پرداخت مبلغ برات.

۳ – اعتراض عدم قبول یا نکول ازطریق واخواست‌نامه و اعتراض عدم پرداخت توسط واخواست‌نامه یا گواهینامه عدم پرداخت حسب مورد صادر می شود.

ماده ۴۰۵ – واخواست‌نامه توسط دادگاههای تجارتی طبق مقررات به محل اقامت براتگیر، اشخاصی که برای پرداخت برات معین شده‌اند یا شخص ثالثی که برات را قبول کرده است ابلاغ می‌شود و باید منضم به رونوشت کامل برات شامل مشخصات برات‌دهنده، براتگیر، ظهرنویس(ها) یا تصویر پشت و روی برات و متضمن تقاضای پرداخت مبلغ برات باشد.

ماده ۴۰۶ – چنانچه بانک محل پرداخت برات باشد، بانک مکلف است

درصورت عدم پرداخت، گواهینامه‌ای با محتویات زیر صادر کرده به دارنده برات تسلیم کند:

۱ – مشخصات کامل برات.

۲ – هویت و نشانی کامل برات‌دهنده.

۳ – هویت و نشانی کامل براتگیر (صاحب حساب).

۴ – میزان موجودی حساب درصورت عدم کفایت و یا تصریح به کفایت موجودی.

۵ – تاریخ ارائه برات به بانک.

۶ – گواهی مطابقت یا عدم مطابقت امضاء یا مهر و امضای براتگیر با نمونه امضاء یا مهر و امضای موجود در بانک.

۷ – نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده برات.

۸ – علت یا علل عدم پرداخت.

تبصره – درصورتی که موجودی حساب براتگیر نزد بانک کمتر از مبلغ برات باشد، بانک مکلف است به تقاضای دارنده برات مبلغ موجود در حساب را در قبال اخذ رسید در پشت برات پرداخت کند و گواهینامه عدم پرداخت را باتصریح به مبلغ پرداخت شده صادرکند. گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده برات جانشین اصل برات خواهد بود.

ماده ۴۰۷ – بانک، ضامن خسارات ناشی از خودداری از صدور گواهینامه عدم پرداخت و یا صدور نادرست و ناقص آن است.

ماده ۴۰۸ – بانک مکلف است نسخه ثانی گواهینامه عدم پرداخت را فوراً

برای صاحب حساب (براتگیر) ارسال کند.

ماده ۴۰۹ – برات‌دهنده و ظهرنویس‌ها و ضامن می‌توانند با قید شرط «بدون اعتراض» یا هر اصطلاح معادل دیگری که در برات نوشته، امضاء یا مهر و امضاء می‌شود، دارنده را از اعتراض عدم قبول یا نکول یا عدم پرداخت به منظور اعمال حق رجوع، معاف کنند. این شرط دارنده را از وظیفه ارائه برات ظرف مهلت مقرر معاف نمی‌کند ولی اثبات عدم رعایت این مهلت به عهده شخصی است که درمقابل دارنده به این ایراد استناد می‌کند.

اگر این شرط توسط برات‌دهنده نوشته شده باشد، آثار آن متوجه کلیه مسؤولان برات می‌شود. درصورتی که این شرط توسط یکی از ظهرنویس‌ها یا ضامن درج شده باشد، آثار آن فقط درمورد همان ظهرنویس یا ضامن مجری است.

اگر علی‌رغم درج شرط در برات به وسیله برات‌دهنده، دارنده برات اعتراض به عمل آورد، باید هزینه‌های مربوط را نیز متحمل شود. درصورتی که این شرط از جانب ظهرنویس یا ضامن قید شود مخارج اعتراض (اگر انجام شده باشد) از تمام مسؤولان برات قابل مطالبه است. مفاد این ماده درصورتی که محل پرداخت برات بانک براتگیر باشد اعمال نمی‌شود.

ماده ۴۱۰ – درمورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین کشور صدور است. در هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهرنویسی ضمانت قبولی و غیره) نیز که در خارج از کشور به وجود آمده است، تابع قوانین کشوری است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است با وجود این، اگر شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مطابق قانون ایران جمع

باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اند حق استناد به این را ندارد که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.

ماده ۴۱۱ – اعتراض و به‌طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشی از برات و استفاده از آن در خارج از کشور باید به عمل آید، تابع قوانین کشور محل اقدام است.

فصل چهارم – اسناد تجارتی الکترونیکی

ماده ۴۱۲ – اسناد تجارتی الکترونیکی شامل برات، سفته، چک، قبض رسمی انبار، سهام، اوراق مشارکت و سایر اسنادی تجاری است که با رعایت شرایط تعیین شده در قانون به صورت الکترونیکی اعلام و مبادله می‌شوند.

ماده ۴۱۳ – سند تجارتی الکترونیکی به دو روش سند جایگزین یا سند اصیل الکترونیکی به‌وجود میآید.

ماده۴۱۴ – سند جایگزین، خارج نویسی شده الکترونیکی اصل سند تجارتی (کاغذی) یا تصویر آن به نحوی است که اطلاعات قابل پردازش و انتقال باشد سند جایگزین باید شرایط زیر را دارا باشد:

۱ – تصویر یا مندرجات رو و پشت اصل سند.

۲ – برخورداری از ساختار مناسب مبتنی بر امنیت روز برای اتوماسیون.

۳ – ثبت ترکیب امنیتی به کار رفته در سند.

۴ – رعایت ضوابط فنی و ایمنی فنآوری به‌کار رفته.

تبصره – ضوابط فنی و ایمنی مذکور در بند (۴)، باید به تأیید مرکز

موضوع ماده (۸۰) قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ برسد یا توسط آن مرکز ابلاغ شود.

ماده ۴۱۵ – درصورتی که سندی متضمن یکی از شرایط مقرر در ماده (۴۱۴) این قانون نباشد به‌عنوان سند جایگزین الکترونیکی تلقی نمی‌شود.

ماده ۴۱۶ – اسناد اصیل الکترونیکی، بدون بدیل کاغذی و با استفاده از فناوری‌های امضای الکترونیکی مطمئن، به نحو مذکور در قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ به وجود میآیند.

ماده ۴۱۷ – سند جایگزین الکترونیکی از هر حیث در حکم اصل آن سند است و درصورت وجود مغایرت بین سند جایگزین و اصل سند تجاری، اصل سند ملاک است.

ماده ۴۱۸ – در تنظیم شکل الکترونیکی اسناد تجارتی، باید شرایط مقرر درمورد صورت آن اسناد در قوانین ذی‌ربط رعایت شوند.

ماده ۴۱۹ – شکل واخواست یا گواهی عدم پرداخت، نحوه ابلاغ و طرز نگهداری اسناد تجاری الکترونیکی به موجب آئین‌نامه‌ای است که توسط وزارت بازرگانی با همکاری وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۴۲۰ – نسبت به سند الکترونیکی می‌توان ادعای جعل نمود.

ماده ۴۲۱ – مدعی جعل اسناد تجاری الکترونیکی یا مدعی وجود مغایرت اسناد جایگزین با سند کاغذی، می‌تواند حسب مورد با تکمیل فرم‌های مخصوصی که متضمن علت مغایرت، ایجاد ضرر و ضرورت اعاده اصل (کاغذی) سند

جایگزین و یا جعل اسناد تجاری الکترونیکی است، حقوق خود را نسبت به اسناد مذکور محفوظ بدارد. نحوه آن به‌موجب آئین‌نامه‌ای است که توسط وزارت بازرگانی با همکاری وزارت دادگستری و بانک مرکزی تهیه و به تصویب هیأت وزیران برسد.

ماده ۴۲۲ – جاعل سند تجارتی الکترونیکی علاوه بر جبران خسارت وارده، به مجازات حبس از یک تا سه سال و مجازات نقدی معادل دو برابر وجه سند تجاری الکترونیکی محکوم می‌شود.

تبصره ۱ – هرکس سند تجاری الکترونیکی مجعول را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارات وارده به مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و جزای نقدی معادل وجه سند محکوم می‌شود.

درصورتی که جعل سند و استفاده از آن توسط یک شخص انجام شود، متخلف به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره ۲ – مجازات شروع به جعل اسناد تجاری الکترونیکی، حداقل مجازات در این ماده خواهد بود.

تبصره ۳ – درصورت ارتکاب جرایم مندرج در این ماده توسط اشخاص حقوقی مجازاتهای پیش‌بینی شده درمورد اشخاص حقیقی مرتکب جرم اعمال می شود و شخص حقوقی متضامناً با اشخاص حقیقی مسؤول جبران خسارات وارده به ذی‌نفع خواهد بود.

ماده ۴۲۳ – مرجع ایجادکننده سند جایگزین مکلف است درصورت تقاضای آخرین ذی‌نفعی که سند جایگزین به او منتقل شده است پس از احراز

هویت او، درحدود متعارف اصل سند را به‌طور کامل و به همراه عملیات مربوط به سند به وی مسترد کند.

ماده ۴۲۴ – مرجع ایجاد کننده سند جایگزین، مسؤول و متعهد جبران خسارت ناشی از عملیات وی در زمینه اسناد تجاری الکترونیکی درمقابل اشخاص ذی‌نفع می‌باشد.

ماده ۴۲۵ – وزارت بازرگانی مکلف است درمواردی که اجرای مقررات این بخش از قانون نیاز به تدوین آئین‌نامه دارد، آئین‌نامه مذکور را تهیه و به‌تصویب هیأت‌وزیران برساند.

ماده ۴۲۶ – به جز مقرراتی که به‌موجب این قانون و آئین‌نامه‌های آن که خاص اسناد تجاری الکترونیکی است، مقررات سند تجاری کاغذی، درخصوص سند تجاری الکترونیکی ذی‌ربط حاکم خواهد بود.

باب ششم: اشخاص حقوقی و شرکتهای تجاری

فصل اول – اشخاص حقوقی

ماده ۴۲۷ –شرکت‌های تجاری مذکور در این قانون دارای شخصیت حقوقی می‌باشند.

ماده ۴۲۸ – کلیه اشخاص حقوقی به جز آنها که به موجب قانون خاص تشکیل می‌گردند، باید به ثبت برسند و استناد به تشکیل آنها پیش از ثبت و آگهی مطابق مقررات مربوطه در روزنامه رسمی در مقابل اشخاص ثالث پذیرفته نیست.

ماده ۴۲۹ – تأسیس، اداره و انحلال اشخاص حقوقی که با اهداف غیر تجاری تشکیل می‌گردند جز در مواردی که تابع قوانین خاص هستند، مطابق آیین نامه مصوب هیأت وزیران می‌باشد.

ماده ۴۳۰ – تشخیص و ثبت شخص حقوقی که هدف آن مخالف با قانون باشد ممنوع است.

ماده ۴۳۱ – تشکیل و ثبت مؤسسات غیر تجاری با موضوعات تجاری مقرر در ماده (۴۲۸) این قانون و نیز اشتغال این‌گونه مؤسسات به امور تجاری ممنوع است. در صورت مبادرت مؤسسه غیر تجاری به فعالیت تجاری حسب مورد، به مجازات نقدی از پنجاه درصد (۵۰٪) تا هفتاد درصد (۷۰٪) ارزش معامله محکوم خواهد شد.

ماده ۴۳۲ – اشخاص حقوقی دارای کلیه حقوق و تکالیفی هستند که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است مگر حقوق و تکالیفی که تنها انسان، بنا به طبیعتش می‌تواند دارای آنها باشد.

ماده ۴۳۳ – اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز اصلی آنها می‌باشد. مرکز اصلی ، محلی است که امور مربوط به اداره شخص حقوقی در آنجا انجام می‌گیرد و باید در اساسنامه قید گردد، مگر در مورد اقامتگاه قراردادی که صرفاً نسبت به طرفین قرارداد معتبر است.

ماده ۴۳۴ – اشخاص حقوقی تابعیت کشوری را دارند که اقامتگاه آنها در آنجاست.

ماده ۴۳۵ – اشخاص حقوقی ایرانی نمی‌توانند اقامتگاه خود را در خارج از

کشور قرار دهند.

ماده ۴۳۶ – اقامتگاه اشخاص حقوقی غیرایرانی که مطابق مقررات مربوطه مبادرت به ثبت شعبه یا نمایندگی در ایران می‌نمایند، محل شعبه می‌باشد. حکم این ماده مانع از حق مراجعه اشخاص ثالث به مرکز اصلی شخص حقوقی نمی‌باشد.

ماده ۴۳۷ – هیچ یک از ارکان شخص حقوقی ایرانی نمی‌تواند تابعیت آن را تغییر دهد.

فصل دوم – شرکت‌های تجارتی

ماده ۴۳۸ – شرکت‌های تجاری بر چهار نوع می‌باشند:

۱ ـ شرکت سهامی (عام و خاص)

۲ ـ شرکت با مسؤولیت محدود

۳ ـ شرکت تضامنی

۴ ـ شرکت تعاونی

ماده ۴۳۹ – شرکت‌های تجاری مخصوص در ماده ۴۳۸ صرفنظر از موضوع فعالیت آنها، تجاری محسوب شده و مشمول این قانون و قواعد حاکم بر حقوق تجارت می‌باشند.

مبحث اول: کلیات

ماده ۴۴۰ – منظور از «روزنامه شرکت» روزنامه کثیرالانتشار (کاغذی یا الکترونیکی) سراسری است که آگهی‌هایی که به موجب قانون یا اساسنامه نشر آنها ضروری است، در آن منتشر شود.

هنگام تأسیس شرکت، تعیین روزنامه شرکت حسب مورد توسط مؤسسین یا مجمع عمومی مؤسس انجام می‌شود. پس از تشکیل شرکت و نیز در دورهء تصفیه، تغییر و یا تعیین روزنامه حسب مورد با مجمع عمومی عادی یا شرکاء شرکت است.

ماده ۴۴۱ – در کلیه موارد، دعوت از صاحبان سهام یا باید از طریق نشر آگهی در روزنامه شرکت به عمل آید. معذلک، رعایت مقررات مربوط به نشر آگهی و تشریفات دعوت در زمانی که کلیه صاحبان سهام یا شرکاء حاضر باشند، الزامی نیست.

در صورت توقف انتشار روزنامه شرکت و استمرار بیش از یک ماه آن به هر علت، هیأت مدیره در شرکتهای دارای هیأت مدیره، و مدیر عامل در سایر شرکت‌ها موظفند ظرف بیست روز از مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده یا شرکاء جهت تعیین روزنامه جایگزین از طریق آگهی در دو روزنامه کثیرالانتشار دعوت به عمل آورند. درصورت خودداری هیأت مدیره یا مدیرعامل از انجام تکلیف فوق، بازرس شرکت ظرف مدت بیست روز مبادرت به دعوت به طریق مزبور خواهد نمود. در غیر این صورت هر ذی‌نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها دعوت از مجمع مزبور را درخواست نماید. ثبت شرکت‌ها مکلف است ظرف

مدت بیست روز از تاریخ درخواست به هزینه ذی‌نفع مجمع مذکور را دعوت نماید.

ماده ۴۴۲ – منظور از «مدیران» در این قانون، کسانی هستند که به موجب تصمیم مؤسسین، یا مجمع عمومی یا شرکاء و یا صاحب سرمایه در شرکت یکنفره حسب مورد به عنوان عضو هیأت مدیره، مدیر و یا مدیر عامل انتخاب شده‌اند. مدیر یا مدیران تصفیه شرکت‌های در حال تصفیه نیز از نظر ومقررات این قانون مدیر تلقی می‌شوند.

تبصره ۱ ـ عنوان مزبور شامل شخصی که از سوی هیأت مدیره یا مدیران به عنوان مدیر عامل برگزیده شده‌اند، نیز خواهد بود.

تبصره۲ ـ موضوع این ماده شامل شخص حقیقی که به عنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیأت مدیره یا مدیر معرفی شده باشد نیز خواهد شد.

ماده ۴۴۳ – منظور از سرمایه شرکت در این قانون، سرمایه ثبت شده می باشد.

ماده ۴۴۴ – «صورت‌های مالی» عبارت است از گزارش وضعیت مالی، نتایج عملیات، جریانهای نقدی و سایر اطلاعات مالی که بر مبنای استانداردهای حسابداری تهیه و ارائه می‌شود.

ماده ۴۴۵ – شرکت مادام که به ثبت نرسیده فاقد شخصیت حقوقی است و انجام هر گونه عمل حقوقی جز در راستای تشکیل شرکت مجاز نمی‌باشد. در غیر این صورت و نیزدر صورتی که اشخاص به نام شرکت‌های تجاری و در شکلی به جز اشکال پذیرفته شده در این قانون به فعالیت بپردازند، درمقابل

اشخاص ثالث، دارای مسؤولیت نامحدود و تضامنی خواهد بود.

ماده ۴۴۶ – هر کس به منظور تأسیس شرکت به عمد مدارک خلاف واقع به مرجع ثبت شرکت‌ها ارائه کند، علاوه بر جبران خسارت وارده به مبلغ پنجاه میلیون (۵۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۴۴۷ – نماینده یا نمایندگان انتخابی از سوی مجمع مؤسس یا مؤسسین، مکلف به تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکت‌ها ظرف پانزده روز پس از تنظیم صورتجلسه نهایی مجمع عمومی مؤسس درمورد شرکت سهامی عام و صورتجلسه مؤسسین در مورد سایر شرکت‌ها می‌باشند. همچنین رفع نقص یا ایرادات وارد به مدارک یاد شده که مطابق مقررات این قانون و سایر قوانین برای ثبت شرکت تجاری بر حسب نوع آن بر عهده نماینده یا نمایندگان مزبور می‌باشد.

به هر حال در صورتی که عدم ثبت شرکت ناشی از قصور یا تقصیر نماینده یا نمایندگان یاد شده باشد، آنان متضامناً ملزم به جبران کلیه خسارت وارده به مؤسسین و پذیره‌نویسان می‌باشند. قصور یا تقصیر نماینده یا نمایندگان رافع مسؤولیت مؤسس یا مؤسسین در قبال اشخاص ثالث نخواهد بود.

ماده ۴۴۸ – چنانچه تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه تأسیس به مرجع ثبت شرکت‌ها، شرکت به ثبت نرسد، هر یک از مؤسسین و پذیره نویسان، می توانند با مراجعه به مرجع ثبت شرکت‌ها در خواست صدور گواهی عدم ثبت شرکت را بنمایند. با وصول گواهی مذکور، بانک کارگزار بنا به درخواست هر یک از مؤسسین و پذیره نویسان، وجوه پرداختی را به آنان مسترد خواهد کرد.

ماده ۴۴۹ – در صورتی که شرکت به ثبت نرسد، کلیه هزینه هایی که برای تأسیس شرکت پرداخت یا تعهد گردیده، بر عهده مؤسس یا مؤسسین خواهد بود. چنانچه عدم تأسیس شرکت را بتوان به عمل مؤسس یا مؤسسین منتسب نمود، اشخاص ذی‌نفع و ازجمله پذیره‌نویسان شرکت‌های سهامی عام می‌توانند علاوه بر استرداد اصل وجوه مندرج در ماده (۴۴۷)، جبران کاهش ارزش وجوه پرداختی خود را در فاصله زمانی پذیره‌نویسی تا استرداد، بر اساس نرخ رشد شاخص بهای مصرف کننده(شهری) اعلام شده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مطالبه کنند.

ماده ۴۵۰ – مؤسسین شرکت‌های تجاری نسبت به تصمیمات و اقداماتی که به منظور تأسیس و ثبت شرکت اتخاذ نموده و انجام می‌دهند، مسؤولیت تضامنی دارند.

مؤسسینی که در تصمیم‌گیری یا انجام عمل مورد نظر دخالت نداشته یا مخالفت خود را به نحو مضبوطی با آن اعلام داشته‌اند، مشمول حکم این ماده نمی باشند.

ماده ۴۵۱ – هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد، رعایت نشود، حسب مورد بنا به درخواست هر ذی‌نفع، بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه تجاری اعلام می‌شود. لیکن، مؤسسین یا شرکاء و مدیران و بازرس شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد کنند.

ماده ۴۵۲ – در صورتی که قبل از صدور حکم قطعی بطلان شرکت یا

بطلان عملیات یا تصمیمات موضوع دعوی، موجبات بطلان مرتفع شده باشد، دادگاه تجارتی قرار سقوط دعوی بطلان را صادر خواهد کرد.

ماده ۴۵۳ – در صورت صدور حکم قطعی بر بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات هر یک از ارکان شرکت، اشخاصی که بطلان منتسب به آنهاست، متضامناً مسؤول خساراتی خواهند بودکه از آن بطلان به شرکت، شرکاء و اشخاص ثالث وارد شده است.

ماده ۴۵۴ – در مواردی که حکم بطلان یا انحلال شرکت توسط دادگاه تجارتی صادر شود دادگاه تجارتی باید ضمن صدور حکم، مدیر یا مدیران تصفیه را بنا به معرفی سازمان تصفیه امور ورشکستگی انتخاب کند. حق الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه مطابق مقررات مربوطه تعیین خواهد شد.

ماده ۴۵۵ – سمت مدیریت در شرکت قائم به شخص بوده و غیر قابل واگذاری به دیگران می‌باشد. لیکن، مدیر یا مدیران شرکت در چارچوب مقررات قانونی و اساسنامه مجاز به تفویض بخشی از وظایف و اختیارات خود به دیگری می‌باشند.

ماده ۴۵۶ – مدیران شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث، نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا تصمیمات مجمع عمومی یا شرکا بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسؤول می‌باشند و دادگاه تجارتی حدود مسؤولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین می‌کند.

ماده ۴۵۷ – در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه تجارتی صلاحیتدار

می‌تواند به تقاضای هر ذی‌نفع، مدیر یا مدیرانی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی به نحوی از انحاء معلول تخلفات آنها بوده است، منفرداً یا متضامناً به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نمایند. این حکم مانع از آن نیست که سایر اشخاص ذی ربط به سبب قصور یا تقصیر خود با مدیران شرکت دارای مسؤولیت تضامنی باشند.

ماده ۴۵۸ – اشخاص زیر از مدیریت شرکت ممنوع می‌باشند:

الف ـ محجورین و یا کسانی که به دلیل ارتکاب یکی از جرایم ماده (۱۰۰۵) به بعد این قانون (بخش ورشکستگی) به موجب حکم قطعی دادگاه تجارتی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در طول مدت محرومیت.

ب ـ کسانی که به دلیل ارتکاب خیانت در امانت، کلاهبرداری و یا جرایمی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری است، سرقت ، اختلاس، جعل، استفاده از سند مجعول، ارتشاء، تدلیس و تصرف غیر قانونی در اموال عمومی به موجب حکم قطعی دادگاه تجارتی محکوم شده‌اند.

ج ـ کسانی که به حکم قطعی دادگاه تجارتی از مدیریت شرکت منع شده اند تا پایان دوره ممنوعیت.

ماده ۴۵۹ – علاوه بر افرادی که به موجب قوانین خاص از مدیریت شرکت منع شده‌اند اشخاص زیر نیز از مدیریت شرکت ممنوع هستند:

۱ ـ اشخاص مذکور در اصل ۱۴۱ قانون اساسی.

۲ ـ مشاورین رییس جمهور.

۳ ـ رییس قوه قضاییه، معاونین، مشاورین، قضات و کارکنان قوه قضاییه، سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی.

۴ ـ نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی .

۵ ـ اعضاء و کارکنان شورای نگهبان.

۶ ـ اعضاء و هیأت رییسه مجلس خبرگان رهبری.

۷ ـ اعضا و کارکنان شورای امنیت ملی.

۸ ـ اعضاء و کارکنان مجمع تشخیص مصلحت نظام، دبیر مجمع و معاونین وی.

۹ ـ مشاورین معاونین رییس جمهور.

۱۰ ـ رییس دفتر مقام معظم رهبری، معاونین و مشاورین رییس دفتر رهبری و رؤسای نهادهای وابسته و مدیران کل حوزه دفتر مقام معظم رهبری .

۱۱ ـ رؤسای دفاتر سران سه قوه.

۱۲ ـ سرپرستان وزارتخانه‌ها.

۱۳ ـ معاونین و مشاورین وزرا.

۱۴ ـ مدیران کل و سرپرستان ادارات کل وزارتخانه‌ها و مدیران کل حوزه وزارتی و رؤسای دفاتر وزرا.

۱۵ ـ رییس دیوان عالی کشور و معاونین و مشاورین وی.

۱۶ ـ دادستان کل کشور ومعاونین و مشاورین وی .

۱۷ ـ رییس و دادستانها و معاونین و مشاورین و مستشاران دیوان محاسبات.

۱۸ ـ رییس دیوان عدالت اداری و معاونین و مشاورین وی.

۱۹ ـ رییس سازمان بازرسی کل کشور و معاونین و مشاورین وی.

۲۰ ـ رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، معاونین و مشاورین وی.

۲۱ ـ رؤسا و سرپرستان سازمانها و ادارات کل و ادارات عقیدتی و سیاسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و جانشینان و معاونین آنان در سراسر کشور.

۲۲ ـ رییس سازمان صداو سیمای جمهوری اسلامی ایران و معاونین و مشاورین وی.

۲۳ ـ رییس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و معاونین و مشاورین وی .

۲۴ ـ ائمه جمعه سراسر کشور و رؤسای دفاتر ائمه جمعه.

۲۵ ـ نمایندگان ولی فقیه در دستگاهها و نهادها.

۲۶ ـ رؤسای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اعم از دولتی و غیر دولتی .

۲۷ ـ استانداران، معاونین و مشاورین استانداران.

۲۸ ـ فرمانداران و بخشداران در استان مربوطه.

۲۹ ـ شهرداران و رؤسای مناطق شهرداری و کارکنان شهرداری.

۳۰ ـ اعضای شورای اسلامی شهر.

۳۱ ـ اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل بانک‌ها.

۳۲ ـ رؤسا و سرپرستان سازمان‌های دولتی.

۳۳ ـ اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت .

ماده ۴۶۰ – شخص یا اشخاصی که بر خلاف مواد فوق به مدیریت شرکت انتخاب یا پس از انتخاب شدن مشمول موارد فوق شده باشند باید از پذیرش مدیریت امتناع یا استعفا کنند در غیر این صورت هر ذی‌نفع می‌تواند از هیأت مدیره بخواهد از مجمع عمومی جهت بر کناری چنین مدیری دعوت کند. در صورت خودداری هیأت مدیره از انجام این وظیفه ظرف مدت بیست روز یا شمول وضعیت مذکور در صدر مواد نسبت به اکثریت اعضای هیأت مدیره، ذی‌نفع مزبور می‌تواند تقاضا بالا را به بازرس شرکت ارایه کند بازرس مکلف است ظرف ده روز مجمع عمومی را برای این منظور دعوت کند چنانچه بازرس به تکالیف بالا عمل نکند و یا شرکت دارای هیأت مدیره و یا بازرس نباشد، و یا مجمع عمومی تشکیل نگردد و یا نتواند نسبت به موضوع اتخاذ تصمیم کند، دادگاه تجارتی صلاحیتدار به تقاضای ذی‌نفع نسبت به برکناری چنین مدیری اقدام خواهد کرد.

در شرکت هایی که مجمع عمومی وجود ندارد شرکاء و در شرکت هایی که هیأت مدیره‌وجود ندارد مدیر یا مدیریت باقیمانده شرکت، مکلف به انجام تکلیف بالا می‌باشند.

ماده ۴۶۱ – هیچ‌کس نمی‌تواند هم‌زمان مدیرعامل بیش از یک شرکت باشد. درغیراین صورت، مرجع منصوب کننده نسبت به بر کناری چنین مدیر عاملی مبادرت خواهد نمود. در غیر این صورت، دادگاه تجارتی صلاحیتدار به

تقاضای هر ذی‌نفع و یا بازرس شرکت حکم به بر کناری چنین مدیری از شرکت یا شرکت‌هایی که مدیر مزبور موخراً در آنها قبول سمت نموده است، صادر می‌کند، حکم صادره قطعی خواهد می‌باشد.

ماده ۴۶۲ – در صورت صدور حکم دادگاه تجارتی به برکناری شخصی از سمت مدیریت شرکت، مرجع ثبت شرکت‌ها مکلف است با اعلام اجرای احکام، مراتب را جهت اطلاع عمومی در روزنامه رسمی آگهی کند.

ماده ۴۶۳ – در صورتی که مدیر عامل شرکت هنگام انتخاب شدن مشمول ممنوعیت‌های مذکور در مواد(۴۵۸)،(۴۵۹)و(۴۶۱) این قانون باشد یا پس از انتخاب مشمول چنین ممنوعیت‌هایی شود، بایستی از قبول سمت خودداری و یا از مدیریت شرکت کناره‌گیری کند. در غیر این صورت هیأت مدیره و در شرکت‌هایی که هیأت مدیره ندارند شرکاء پس از آگاهی، مکلف به برکناری مدیر عامل انتخاب شده و تعیین جانشین وی می‌باشند.

درصورتی که حسب مورد هیأت مدیره و یا شرکاء به تکلیف خود عمل نکند، دادگاه تجارتی با درخواست هر ذی‌نفع حکم عزل چنین مدیر عاملی را صادر می‌کند. اعضای هیأت‌مدیره‌ای که به حکم دادگاه تجارتی متخلف شناخته شوند از یک تا سه سال از مدیریت شرکت‌های تجارتی محروم می‌شوند.

ماده ۴۶۴ – تصمیمات و اقدامات مدیری که بر خلاف مفاد مواد (۴۵۸)، (۴۵۹) و (۴۶۱) این قانون انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر بوده و مسؤولیت‌های ناشی از مدیریت شامل او خواهد شد.

ماده ۴۶۵ – چنانچه هر یک از مدیران شرکت مطابق مفاد (۴۶۰) و (۴۶۳)

از مدیریت شرکت مستعفی یا برکنار گردند، از تاریخ استعفا یا برکناری بلا سمت محسوب می‌شوند، مرجع ذی‌صلاح شرکت مکلف است بلافاصله نسبت به تعیین مدیر یا مدیرانی که سمت آنها بلاتصدی مانده است، اقدام کند.

ماده ۴۶۶ – اگر کسی به رغم ممنوعیت‌های مذکور در ماده (۴۵۸) و (۴۵۹) مدیریت شرکتی را بپذیرد، به تقاضای هر ذی‌نفع به محرومیت از تصدی مدیریت شرکت‌های تجاری از، یک تا سه سال، محکوم می‌شود.

ماده ۴۶۷ – چنانچه مدیری به رغم حکم دادگاه تجارتی مبنی‌بر محرومیت یا عزل وی از تصدی مدیریت شرکت‌های تجاری، آگاهانه چنین حکمی را نقض نماید، به تقاضای هر ذی‌نفع، دادگاه تجارتی مدیر متخلف را به حبس برابر با مدت محرومیت موضوع نقض محکوم می‌کند. این مجازات قابل تبدیل به جزای نقدی نیست.

ماده ۴۶۸ – در صورتی که مدیری مرتکب جرایم خیانت در امانت، کلاهبرداری، جعل اسناد، استفاده از سند مجعول، اختلاس و ارتشا در رابطه با شرکت گردد، دادگاه تجارتی رسیدگی کننده علاوه بر مجازات مقرر قانونی، مکلف به صدور حکم به محرومیت وی از مدیریت شرکت‌های تجارتی از دو تا پنج سال می‌باشد.

ماده ۴۶۹ – مدیران باید صورت‌های مالی میان دوره‌ای شش ماهه شرکت را تا پایان ماه هفتم سال مالی، تنظیم و به بازرس (در صورتی که در شرکت بازرس وجود داشته باشد) تسلیم کنند.

ماده ۴۷۰ – مدیران شرکت‌ها مکلف هستند ظرف یک ماه هر گونه تغییر

در نام میزان سرمایه و اقامتگاه شرکت را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام کنند. در غیر این صورت هر یک از مدیران متخلف به پرداخت ده تا بیست میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۴۷۱ – علاوه بر مواردی که دادگاه تجارتی مکلف به صدور حکم محرومیت مدیر متخلف از تصدی سمت مدیریت شرکت می‌باشد، دادگاه تجارتی می‌تواند مدیری را که به حکم مقررات این قانون و یا سایر قوانین به‌علت نقض مقررات قانونی، مفاد اساسنامه و یا تصمیمات مجامع عمومی یا شرکاء از جهت کیفری محکوم می‌گردد از یک تا سه سال به محرومیت مزبور محکوم کند.

ماده ۴۷۲ – چنانچه معلوم شود شخصی بر خلاف آنچه که راجع به صلاحیت و سوابق علمی و تجربی خود در هنگام انتخاب به عنوان مدیر شرکت اظهار نموده، فاقد شرایط مزبور است، به درخواست شرکت و به شرط احراز سوءنیت او، به دو تا سه سال محرومیت از مدیریت شرکت‌های تجاری محکوم می شود.

ماده ۴۷۳ – شخص یا اشخاصی که مجموع سهام و یا سهم الشرکه آنها دست کم یک پنجم سرمایه شرکت باشد، می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر هر یک از مدیران یا بازرس شرکت به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه آنها اقامه دعوی نموده و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها بخواهند. در صورت محکومیت خواندگان، حکم به‌نفع شرکت اجرا می‌شود و اقامه‌کنندگان دعوی صرفاً مستحق هزینه‌ها و خسارات دادرسی می‌باشند.

ماده ۴۷۴ – مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی و یا شرکاء به

هیچ عنوان نمی‌تواند حق سهامداران و یا شرکاء، را در مورد طرح دعوای کیفری یا مدنی علیه مدیران شرکت محدود کند.

ماده ۴۷۵ – شرکت تجارتی می‌تواند به عنوان شرکت وابسته یا شرکت تابعه تحت کنترل شرکت دیگری که شرکت مادر نامیده می‌شود قرار گیرد.

شرکت تابعه شرکتی است که بیش از پنجاه درصد(۵۰٪) سرمایه آن مستقیم یا غیر مستقیم به شرکت مادر تعلق داشته باشد.

شرکت وابسته شرکتی است که علی رغم تعلق مالکیت کمتر از پنجاه درصد(۵۰٪) سرمایه آن به شرکت مادر از طریق سهام ممتازه یا سایر طرق پیش بینی شده در اساسنامه یا با کسب اکثریت اعضای هیأت مدیره در کنترل شرکت مادر باشد.

ماده ۴۷۶ – شرکت مادر باید علاوه بر صورت‌های مالی خود، صورت های مالی تلفیقی را مطابق استانداردهای حسابداری تهیه و به مجمع ارائه کند.

ماده ۴۷۷ –

۱ ـ معامله بین شرکت مادر و شرکت تابعه و یا شرکت وابسته آن و همچنین تضمین تعهدات یکدیگر توسط آنها، باید با تصویب مجمع عمومی صاحبان سرمایه و رعایت حقوق سهامداران اقلیت انجام شود.

۲ ـ در مواردی که شواهد و قراین ثابت کند که تعهدات و دیون ایجاد شده برای شرکت تابعه و یا شرکت وابسته ناشی از دستورات و یا سیاستهای ابلاغی شرکت مادر باشد، شرکت مادر نیز در قبال تعهدات و دیون مزبور مسؤول می‌باشد. حدود مسؤولیت هر یک را دادگاه تجارتی معین می‌کند.

۳ ـ در صورتی که شرکت تابعه یا وابسته ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی آن برای تأدیه دیونش کافی نیست، دادگاه تجارتی به تقاضای هر ذی نفع مبنی بر اینکه امر فوق، ناشی از تصمیم و اقدام شرکت مادر بوده، رسیدگی کرده و شرکت مادر را به پرداخت آن بخشی از دیونی که در اثر تصمیم یا اقدام آن ایجاد شده، محکوم می‌کند.

۴ ـ خرید سهام یا سهم الشرکه شرکت‌های مادر، توسط شرکت‌های تابعه و وابسته ممنوع می‌باشد.

تبصره ـ تمامی شرکت‌های تابعه و وابسته موجود که دارای سهام شرکت مادر هستند، باید ظرف مدت یک سال نسبت به واگذاری سهام مزبور به غیر اقدام کنند.

ماده ۴۷۸ – مجامع یا هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات شرکاء بیفزاید.

مبحث دوم – شرکت سهامی

ماده ۴۷۹ – شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایهء آن به سهام تقسیم شده و مسؤولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی آنهاست.

ماده ۴۸۰ – شرکت سهامی به دو نوع عام و خاص تقسیم می‌شود: در شرکت سهامی عام، حداقل سی و پنج درصد (۳۵٪) از سرمایه شرکت از طریق عرضه سهام به عموم تأمین می‌شود.

در شرکت سهامی خاص، سرمایه شرکت منحصراً توسط مؤسسین تأمین می‌گردد.

ماده ۴۸۱ – در شرکت سهامی عام عبارت «سهامی عام» و در شرکت سهامی خاص عبارت «سهامی خاص» باید قبل یا بعد از نام شرکت بدون فاصله با نام شرکت در کلیه اوراق، اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت بطور روشن و خوانا قید شود .

ماده ۴۸۲ – تعداد سهامداران در شرکت‌های سهامی عام از ده نفر و در شرکت‌های سهامی خاص از سه نفر نباید کمتر باشد.

ماده ۴۸۳ – در موقع تأسیس، سرمایه شرکت های سهامی عام از مبلغ پنج میلیارد ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از مبلغ پانصد میلیون ریال نباید کمتر باشد.

تبصره ـ در صورتی که تصدی به موضوع تجاری خاصی مستلزم سرمایه گذاری بالاتری باشد، با تصویب هیأت وزیران حداقل سرمایه لازم تعیین خواهد شد.

ماده ۴۸۴ – چنانچه پس از تأسیس، سرمایه ثبت شده شرکت از حداقل مزبور در ماده قبل کمتر گردد، هیأت مدیره مکلف است مجمع عمومی فوق‌العاده را برای اتخاذ تصمیم درمورد شیوه‌های جبران کسری سرمایه و یا تبدیل شرکت های به نوع دیگری از انواع شرکت‌های تجاری دعوت کند. درصورت خودداری هیأت مدیره از انجام تکلیف بالا، بازرس شرکت مکلف است مجمع عمومی مزبور را فرا خواند.

اگر ظرف شش ماه از تاریخ کم شدن سرمایه، هیأت مدیره یا بازرس شرکت به تکلیف بالا عمل ننماید و یا ظرف شش ماه از تاریخ دعوت مجمع

عمومی مزبور تشکیل نگردد و یا نتواند نسبت به موضوع اتخاذ تصمیم نماید، هر ذی نفع می‌تواند از دادگاه تجارتی صلاحیتدار انحلال شرکت را درخواست نماید.

تبصره ـ هر گاه پیش از قطعی شدن رأی، موجبات درخواست انحلال مرتفع گردد، دادگاه تجارتی حکم رد دعوی را صادر خواهد کرد.

مبحث سوم – نحوه تشکیل شرکت سهامی

ماده ۴۸۵ – برای تأسیس شرکت سهامی عام، مؤسسین باید دست کم بیست درصد کل سرمایه را نقداً در حسابی به نام «شرکت در شرف تأسیس» نزد یکی از بانک هایی که به منظور امر کارگذاری پذیره نویسی تعیین شده است، واریز نموده و گواهی دریافت دارند.

ماده ۴۸۶ – مؤسسین باید به انضمام گواهی مذکور در ماده بالا اظهارنامه‌ای همراه با پیش نویس اساسنامه و طرح اعلامیه پذیره‌نویسی را که به امضاء همه مؤسسین رسیده باشد به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت دارند.

تبصره ـ چنانچه انجام موضوع شرکت مستلزم دریافت مجوز خاصی باشد، مجوز مزبور نیز باید به پیوست مدارک فوق به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم گردد.

ماده ۴۸۷ – اظهارنامه تأسیس شرکت باید با قید تاریخ به امضای کلیه مؤسسین رسیده و موارد زیر در آن ذکر شود:

۱ ـ نام شرکت.

۲ ـ هویت کامل و اقامتگاه مؤسسین.

۳ ـ موضوع شرکت.

۴ ـ مبلغ کل سرمایه.

۵ ـ تعداد سهام و ارزش اسمی هر سهمو نیز تعیین تعداد سهام بی نـام در صورت وجود چنین سهامی.

۶ ـ تعداد سهام ممتاز و تعیین دقیق ویژگی‌ها و امتیازات این گونه سـهام، چنانچه این گونه سهام مدنظر باشد.

۷ ـ میزان آورده هر یک از مؤسسین، نام بانک و شماره حسابی که وجـوه به آن واریز شده است.

۸ ـ مرکز اصلی شرکت.

۹ ـ مدت شرکت.

ماده ۴۸۸ – طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضاء مؤسسـین رسـیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد:

۱ ـ نام شرکت.

۲ ـ موضوع شرکت به طور صریح و منجز.

۳ ـ مدت شرکت.

۴ ـ مرکز اصلی شرکت.

۵ ـ مبلغ سرمایه شرکت.

۶ ـ تعداد سهام بی نام و با نام و مبلغ اسمی آنها و در صـورتی کـه ایجـاد سهام ممتاز مورد نظر باشد، تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات این گونه سهام.

۷ ـ نحوه انتقال سهام با نام .

۸ ـ شرایط و ترتیبات مربوط به انتشار اوراق مشارکت و تبدیل آن به سهام

.

۹ ـ شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه سهام.

۱۰ـ مواقع و ترتیب دعوت مجمع عمومی .

۱۱ ـ مقررات راجع به حد نصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها.

۱۲ ـ طریقه شور و اخذ رأی و اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی.

۱۳ ـ تعداد اعضاء اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره و مدت مأموریت آنها و نحوه جایگزینی اعضاء اصلی به وسیله اعضاء علی‌البدل.

۱۴ ـ نحوه انتخاب اعضاء هیأت مدیره و تعیین وظایف و حدود اختیارات آنها.

۱۵ ـ تعیین میزان تضمینی که مدیران باید بسپارند.

۱۶ ـ چگونگی انتخاب بازرس و مدت مأموریت وی و نحوهء جایگزینی وی به وسیلهٔ اعضاء علی البدل.

۱۷ ـ تعیین آغاز و پایان سال مالی و موعد تنظیم صورت‌های مالی و تسلیم آن به بازرس و به مجمع عمومی سالانه.

۱۸ ـ نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن.

۱۹ ـ نحوهء تغییر اساسنامه.

۲۰ ـ نحوه توزیع پاره سهام بین سهامداران ذی نفع در حدود ماده

(۵۰۹)این قانون.

ماده ۴۸۹ – آگهی پذیره نویسی باید در بر گیرنده موارد زیر باشد:

۱ ـ نام شرکت.

۲ ـ موضوع شرکت.

۳ ـ مرکز اصلی شرکت.

۴ ـ مدت شرکت .

۵ ـ هویت، اقامتگاه و شغل مؤسسین.

۶ ـ مبلغ سرمایه شرکت.

۷ ـ تعداد و نوع سهام از جهت با نام و بی نام و یا ممتاز بودن.

۸ ـ در صورتی که مؤسسین برای خود سهام ممتاز در نظر گرفته باشند، تعداد این گونه سهام و مزایای آنها.

۹ ـ ذکر هزینه هایی که مؤسسین تا آن زمان به منظور فراهم ساختن مقدمات تشکیل شرکت پرداخت نموده و برآورد هزینه‌های احتمالی تا آغاز به کار شرکت.

۱۰ ـ تعیین حداقل سهامی که هر پذیره نویس باید پذیره نویسی نماید.

۱۱ ـ تعیین مهلت پذیره نویسی.

۱۲ ـ ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ پذیره نویسی به آن واریز گردد.

۱۳ ـ قید اینکه اظهارنامه تأسیس شرکت و طرح اساسنامه برای ملاحظه علاقمندان نزد مرجع ثبت شرکت‌ها موجود است.

۱۴ ـ تعیین روزنامه شرکت.

۱۵ ـ چگونگی تخصیص سهام به پذیره نویسان.

ماده ۴۹۰ – مرجع ثبت شرکت‌ها مکلف است حداکثر ظرف بیست روز از تاریخ دریافت مدارک مقرر در ماده(۴۸۶) این قانون در صورت وجود مغایرت، مراتب را به مؤسسین اعلام و درصورت مطابقت اسناد و مفاد آنها با مقررات قانونی، اجازه انتشار آگهی پذیره‌نویسی را صادر نماید.

ماده ۴۹۱ – آگهی پذیره نویسی علاوه بر نشر در حداقل یک روزنامه کثیرالانتشار دو بار با فاصله پانزده روز، باید در پایگاه الکترونیکی بانک کارگزار پذیره نویسی در معرض دید مردم قرار گیرد.

ماده ۴۹۲ – سند پذیره نویسی (اعم از کاغذی و الکترونیکی) علاوه بر امضاء باید دربر گیرنده موارد زیر باشد:

۱ ـ نام شرکت .

۲ ـ موضوع شرکت.

۳ ـ مرکز اصلی شرکت.

۴ ـ مدت شرکت.

۵ ـ سرمایه شرکت .

۶ ـ مشخصات مجوز انتشار آگهی پذیره نویسی.

۷ ـ تعداد و مبلغ اسمی حداقل سهام هر پذیره نویس که باید پذیره نویسی شود.

۸ ـ نام و شعبه بانک و شماره حسابی که واریز وجوه به آن انجام می‌گیرد.

۹ ـ هویت و نشانی پذیره نویس.

۱۰ ـ قید و شرط زمان استرداد وجوه پرداخت شده بابت پذیره نویسی .

ماده ۴۹۳ – ظرف مهلت مقرر در آگهی پـذیره‌نویسـی، متقاضـیان ضـمن تکمیل سند پذیره‌نویسی مبلغ پذیره‌نویسی را واریز و رسید دریافت خواهند نمود.

چنانچه سند مزبور را شخصی به نمایندگی از دیگری تکمیل نموده باشـد، مشخصات و اقامتگاه وی تصریح و مدرک نمایندگی وی اخذ می‌شود.

ماده ۴۹۴ – امضاء سند پذیره‌نویسی به منزله پـذیرش مقـررات اساسـنامه شرکت و مصوبات مجامع عمومی می‌باشد.

ماده ۴۹۵ – پرداخت تمام یا بخشـی از سـرمایه شـرکت سـهامی عـام بـه صورت غیر نقد مجاز نمی‌باشد.

ماده ۴۹۶ – پس از پایان مهلت پذیره نویسـی، مؤسسـین حـداکثر ظـرف مدت سی روز ضمن بررسی امر پذیره‌نویسی و احراز پذیره‌نویسی تمـامی سـرمایه شرکت، تعداد سهم هر یک از پذیره نویسان را مشخص و مجمع عمومی مؤسـس را دعوت خواهند کرد.

ماده ۴۹۷ – مجمع عمومی مؤسس با رعایت تشریفات مقرر در این قانون تشکیل می‌گردد. این مجمع پس از رسیدگی و احراز پذیره نویسی تمـامی سـرمایه شرکت به نحو مقرر در ماده قبل، نسبت به بررسی مفاد طرح اساسـنامه، عنـداللزوم اصلاح و سپس تصویب آن اقـدام و نخسـتین اعضـاء هیـأت مـدیره و بـازرس را انتخاب خواهد نمود.

مدیران و بازرس شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند، این قبولی به منزلـهء

آگاهی آنان نسبت به تکالیف خود می‌باشد.

ماده ۴۹۸ – اساسنامه مصوب همراه با صورتجلسه مجمع عمومی مؤسس و اعلام کتبی قبول سمت از سوی مدیران و بازرس، به منظور ثبت شرکت و آگهی تشکیل آن جهت اطلاع عموم به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم خواهد شد.

ماده ۴۹۹ – چنانچه در مجمع عمومی مؤسسین معلوم گردد که لزوماً سرمایه مذکور در اعلامیه پذیره نویسی تأمین نشده است، مؤسسین و پذیره نویسان حاضر با رعایت شرط مقرر در ماده (۴۸۰)، (تأمین حداقل سی و پنج درصد (۳۵٪) سرمایه از طریق عرضه به عموم) می‌توانند نسبت به تأمین کسری سرمایه اقدام کنند، در غیر این صورت تشکیل شرکت منتفی تلقی می‌شود.

ماده ۵۰۰ – مرجع ثبت شرکت‌ها مکلف است حداکثر ظرف بیست روز از تاریخ تسلیم مدارک موضوع ماده قبل، مفاد آنها را با مقررات قانونی تطبیق و در صورت مطابقت آن با مقررات قانونی، نسبت به ثبت شرکت اقدام نماید.

ماده ۵۰۱ – در صورتی که سرمایه تأمین شده از میزان سرمایه مقرر در اعلامیه پذیره‌نویسی بیشتر باشد مجمع فوق می‌تواند سرمایه تأسیس را معادل مبلغ تأمین شده منظور کند و یا آنکه مبلغ مازاد را با نسبتی یکسان، معادل نسبت مبلغ مازاد به مبلغ سرمایه تأمین شده به مأخذ پرداختی هر پذیره‌نویس به آنان مسترد کند.

ماده ۵۰۲ – تا هنگامی که شرکت به ثبت نرسیده، بانک کارگزار پذیره نویسی از پرداخت وجوه واریز شده به حساب شرکت در شرف تأسیس به هر کس ممنوع می‌باشد، مگر آنکه از سوی مرجع ثبت شرکت‌ها گواهی عدم ثبت

شرکت صادر و تسلیم شده باشد.

ماده ۵۰۳ – هر کس آگاهانه و بر خلاف واقع پذیره نویسی سهام را تصدیق و یا برخلاف مقررات این قانون آگهی پذیره نویسی منتشر کند به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال و یا مجازات نقدی از سی میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۰۴ – برای تشکیل و ثبت شرکت سهامی خاص به پیوست اظهارنامه‌ای که باید به امضاء کلیه مؤسسین رسیده باشد، مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم خواهد شد:

۱ ـ اساسنامه شرکت که باید به امضاء کلیه سهامداران رسیده و متضمن موارد مذکور در ماده (۴۸۸) این قانون باشد.

۲ ـ اظهار نامه حاکی از پرداخت تمام سرمایه شرکت که به امضاء همه مؤسسین رسیده باشد. چنانچه بخشی از سرمایه شرکت به صورت غیر نقد باشد، کل این گونه سرمایه باید تأمین شده و صورت ارزیابی آن به تفکیک، همراه با اسناد مالکیت پیوست اظهار نامه باشد. سرمایه غیر نقد نمی‌تواندبیش از کل سرمایه شرکت باشد و نمی‌توان سرمایه غیر نقد را به مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس رسمی پذیرفت.

۳ ـ گواهی بانکی مبنی بر اینکه سرمایه نقدی شرکت در دو حسابی تحت عنوان شرکت در شرف تأسیس نزد این بانک تأمین شده است.

۴ ـ صورتجلسه‌ای که به امضاء کلیه سهامداران رسیده و در آن ضمن انتخاب نخستین گروه از اعضاء هیأت مدیره و بازرس، روزنامه کثیرالانتشاری که

آگهی مربوط به شرکت تا اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر می‌گردد، تعیین شده باشد.

۵ ـ قبول کتبی سمت از سوی مدیران و بازرس.

۶ ـ ارایه تصویر مدارک هویت مؤسس یا مؤسسین .

تبصره ۱ ـ سرمایه غیر نقد تا زمان ثبت شرکت به صورت امانی نزد آورنده این‌گونه سرمایه، نگاهداری خواهد شد و پس از ثبت شرکت تحویل مدیران آن می‌شود.

تبصره ۲ ـ رعایت سایر شرایطی که برای تشکیل و ثبت شرکت سهامی عام مقرر است، در مورد شرکت سهامی خاص ضروری نمی‌باشد.

ماده ۵۰۵ – شرکت سهامی خاص مجاز به تأمین سرمایه از طریق آگهی عمومی به هر شکل و از جمله پذیره نویسی یا توسط بانک‌ها نمی‌باشد. همچنین نمی‌توان سهام این نوع شرکت را در بازار بورس اوراق بهادار عرضه نمود.

ماده ۵۰۶ – هرگاه کارشناس یا مؤسسین عالماً و عامداً در تعیین و یا ارزیابی آورده غیر نقد مبلغی بیشتر از ارزش واقعی آن آورده را اعلام نمایند، به مجازات نقدی معادل دو برابر تفاوت قیمت اعلامی با ارزش واقعی به علاوه پرداخت خسارات وارده به ذی نفع محکوم خواهند شد.

ماده ۵۰۷ – تا هنگامی که شرکت سهامی خاص به ثبت نرسیده، برداشت از وجوه موجود در حساب شرکت در شرف تأسیس ممنوع می‌باشد، مگر در مورد موضوع ماده ۴۴۸ این قانون.

مبحث چهارم – سرمایه و سهام

ماده ۵۰۸ – سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مشخص کننده میزان مشارکت، تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی باشد. گواهی سهم، سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

ماده ۵۰۹ – مبلغ اسمی سهام باید مساوی باشد و صدور پاره سهم مجاز نمی‌باشد. درصورتی که در اثر انتقال قهری یا کاهش یا افزایش سرمایه و یابه هر دلیل دیگر پاره سهم به سهامداران تعلق گیرد پاره سهم به ترتیبی که در اساسنامه تعیین شده بین سهامداران ذی‌نفع توزیع خواهد شد.

ماده ۵۱۰ – سهام شرکت عادی بوده، مگر آنکه اساسنامه برای آن امتیازاتی قائل شده باشد، که سهم ممتاز نامیده می‌شود. صدور سهام با هر نام یا عنوان دیگری خارج از انواع مذکور و یا اعطای هر نوع اختیاری تحت هر عنوان به جزء در قالب سهام ممتاز مجاز نمی‌باشد. سهام ممتاز باید به صورت با نام باشد.

ماده ۵۱۱ – در شرکت‌های سهامی عام، مبلغ اسمی هر سهم نباید از یک میلیون ریال بیشتر باشد.

ماده ۵۱۲ – گواهی سهام بایستی به صورت یکسان و دارای شماره ترتیب بوده و دارای شرایط زیر می‌باشد:

۱ ـ نام و شماره ثبت شرکت.

۲ ـ مبلغ سرمایه شرکت.

۳ ـ تعیین نوع سهم از جهت بانام بی نام یا ممتاز بودن.

۴ ـ مبلغ اسمی هر سهم.

۵ ـ تعداد سهامی که هر گواهی سهم نماینده آن است.

۶ ـ امضاء.

ماده ۵۱۳ – شرکت باید تا سه ماه پس از تشکیل، گواهی سهام صادر و به سهامداران تسلیم گردد.

ماده ۵۱۴ – تا هنگامی که شرکت در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسیده صدور گواهی سهم ممنوع می‌باشد. در صورت تخلف، امضاء کنندگان مسؤول جبران خسارات وارده به اشخاص ثالث خواهند بود.

ماده ۵۱۵ – هر کس پیش از ثبت شرکت و یا در صورتی که شرکت مزورانه به ثبت رسیده باشد، با آگاهی از واقع امر، گواهی سهم صادر نماید، علاوه بر جبران خسارات به سه ماه تا یکسال حبس یا پرداخت معادل مبلغ سهام منتشره محکوم خواهد شد.

ماده ۵۱۶ – هر سهم در مجامع عمومی از یک رأی برخوردار می‌باشد، مگر آنکه سهام از نوع ممتاز بوده و برای این گونه سهام حق رأی بالاتری مقرر شده است.

ماده ۵۱۷ – سهم بی نام، سندی است در وجه حامل که ملک دارندهء آن شناخته می‌شود مگر آنکه خلاف آن اثبات گردد. واگذاری این گونه سهام با قبض و اقباض انجام می‌گیرد.

ماده ۵۱۸ – شرکت‌های سهامی اعم از عام و خاص مجاز به انشار سهام بی نام بیش از سی‌درصد (۳۰٪) سرمایه نمی‌باشند.

ماده ۵۱۹ – سهام با نام سندی است که نام دارنده و یا عبارت «بـا نـام» در آن قید شود. صدور و انتقال سهام مزبور به استثنای سهام شرکت‌های پذیرفته شـده در بورس اوراق بهادار که تابع مقررات بورس خواهند بود، باید با قید مشخصـات کامل و اقامتگاه دارنده یا طرفین در دفتر ثبت سهام شرکت و امضاء انتقال دهنـده و یا نماینده قانونی وی انجام شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق بـه عمـل آید از نظر شرکت و اشخاص‌ثالث فاقد اعتبار است.

ماده ۵۲۰ – واگذاری سهام در شرکت‌های سهامی عام نبایـد مشـروط بـه موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهم بشود.

ماده ۵۲۱ – هر گونه تغییر در امتیازات سهام ممتاز بایـد از طریـق اصـلاح اساسنامه و پس‌از جلب موافقت دارندگان حداقل دوسوم سهام مـذکور در مجمـع عمومی فوق العاده به تصویب برسد.

ماده ۵۲۲ – در صورتی که صدور یا اعطای سـهام ممتـاز بـرای برخـی از سهامداران مدنظر باشد، سهامداران ذی نفع، در جلسه مجمع عمومی فوق العـاده‌ای که به این منظور تشکیل شده، حق رأی ندارند.

ماده ۵۲۳ – در صورت انتقال سهام ممتاز، امتیازات این سـهام نیـز منتقـل خواهد شد مگر آنکه در اساسنامه خلاف این امر پیش بینی شده باشد.

مبحث پنجم – تبدیل سهام

ماده ۵۲۴ – تبدیل سهام از بی نام به بانام مطابق مقررات اساسنامه یـا بنـا به تصمیم مجمع عمومی فوق العاده به عمل میآید. تبدیل سهام از با نام به بـی نـام

مجاز نمی‌باشد.

ماده ۵۲۵ – در مورد تبدیل سهام بی نام به سهم با نام باید مراتب در روزنامه شرکت سه نوبت هر یک به فاصله پنج روز منتشر گردد و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به صاحبان سهام داده می‌شود تابرای تبدیل سهام خود به شرکت مراجعه کنند. در آگهی باید تصریح گردد که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی نام شرکت باطل شده تلقی خواهد شد.

ماده ۵۲۶ – سهام بی نام که ظرف مهلت مذکور در ماده ۵۲۵ برای تبدیل به سهام با نام به شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب شده و برابر تعداد آن سهام با نام صادر و توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بازار بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بازار بورس، وگرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یک ماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط یک نوبت در روزنامه شرکت منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز و حداکثر یک ماه خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمتی از سهام به فروش نرسد حراج تا دو نوبت دیگر طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد.

ماده ۵۲۷ – از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده (۵۲۶) فروخته می شود بدواً هزینه‌های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق الزحمه کارگزار بورس کسر و مازاد آن توسط شرکت در حساب پس انداز بانکی خاصی سپرده می‌شود. در صورتی که ظرف ده سال از تاریخ فروش، سهام باطل شده به شرکت مسترد شود مبلغ سپرده و سود مربوط به دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهم

پرداخت می‌شود. پس از انقضای ده سال، وجوه مزبور در حکم مال بلاصاحب بوده وباید توسط بانک و با اطلاع دادستان محل به خزانهء دولت منتقل گردد.

تبصره ـدر مورد ماده قبل و این ماده، هرگاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام به فروش نرسد صاحبان سهام بی نام که به شرکت مراجعه می‌کنند به ترتیب مراجعه اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده به نسبت سهام بی نامی که در دست دارند وجه نقد دریافت کنند و یا این که برابر تعداد سهام بی نام خود سهام با نام تحصیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهم فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرار دارد رعایت خواهد شد.

ماده ۵۲۸ – پس از کلیه سهام بی‌نام به سهام با نام، یا گذشتن هر یک از مهلت‌های مذکور در ماده ۵۲۵، شرکت باید مراتب را به مرجع ثبت شرکت‌ها منعکس کند تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاع عموم آگهی شود.

ماده ۵۲۹ – دارندگان سهامی که بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت به آن سهام حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام را ندارند.

مبحث ششم – اوراق مشارکت

ماده ۵۳۰ – ورقه مشارکت، سند قابل معامله‌ای است که به مبلغ اسمی مشخصی برای سررسید معین به صورت با نام یا بی نام منتشر می‌شود و معرف میزان مشارکت دارنده آن در موضوع مشارکت بوده و علاوه بر سود حاصله از

موضوع مشارکت، حقوق دیگری نیز ممکن است برای آن منظور نمود.

ماده ۵۳۱ – شرکت سهامی عام می‌تواند تحت شرایط زیر، اوراق مشارکت منتشر نماید:

الف ـ شرکت در زمان انتشار اوراق مشارکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده و از فهرست شرکت‌های موجود در بورس حذف یا معلق نشده باشد.

ب ـ در صورت نیاز مجوز لازم برای اجرای موضوع مشارکت از مرجع ذی صلاح را اخذ نموده باشد و سرمایه در گردش مورد نیاز آن به تأیید بازرس رسیده باشد.

ج ـ پیش‌بینی سود اجرای موضوع مشارکت و یا سود عملکرد تا سررسید اوراق مشارکت، طبق استانداردهای حسابداری مربوط توسط بازرس شرکت رسیدگی و درخصوص آن اظهار نظر شده باشد.

د– شرایط مصوب شورای پول و اعتبار در مورد سقف کلی انتشار اوراق مشارکت، مدت و حداکثر نرخ سود علی الحساب آن رعایت شده باشد.

ه– تناسب حجم اوراق مشارکت قابل انتشار توسط شرکت باخالص دارایی‌های آن (مجموع دارایی‌ها منهای مجموع بدهی‌ها) به تأیید بازرس رسیده باشد.

ماده ۵۳۲ – دارندگان اوراق مشارکت در اداره امور شرکت حق هیچ گونه دخالتی ندارند.

ماده ۵۳۳ – نقل و انتقال اوراق با نام فقط از طریق بورس اوراق بهادار امکان‌پذیر بوده و از این جهت تابع مقررات حاکم بر بورس می‌باشد.

ماده ۵۳۴ – تصمیم در اجرای به انتشار و فروش اوراق مشارکت و شرایط آن باید با رعایت مندرجات ماده(۵۳۱) این قانون و طرح اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام شود. مرجع ثبت شرکت‌ها پس از دریافت مندرجات مزبور و همچنین تطبیق مندرجات اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت با این قانون، اجازه نشر اطلاعیه مذکور را صادر خواهد نمود. شرکت با دریافت اجازه مذکور، اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت را با قید شماره و تاریخ مجوز مرجع ثبت شرکت‌ها، در روزنامه شرکت، آگهی می‌کند.

تبصره‌قبل از اخذ مجوز مذکور در این ماده، هر گونه آگهی برای فروش اوراق مشارکت ممنوع است.

ماده ۵۳۵ – اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت باید مشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضای مجاز شرکت، امضاء شده باشد:

۱ ـ نام شرکت.

۲ ـ موضوع شرکت.

۳ ـ شماره و تاریخ ثبت شرکت.

۴ ـ مرکز اصلی شرکت.

۵ ـ مدت شرکت.

۶ ـ مبلغ سرمایه شرکت.

۷ ـ اطلاعات مربوط به اوراق مشارکت تسویه نشده قبلی، شامل: مبلغ، تعداد و تاریخ صدور آن و تضمیناتی که احتمالاً برای باز پرداخت آن در نظر گرفته شده است و همچنین مبالغ باز پرداخت نشده آن.

۸ ـ در صورتی که اوراق مشارکت یا بدهی‌های اشخاص دیگری را تضمین کرده باشد، مبلغ، مدت و سایر شرایط تضمین مذکور.

۹ ـ مبلغ و مدت اوراق مشارکت انتشار یافته، مبلغ اسمی هر ورقه، نرخ و مواعد پرداخت سود علی الحسابی که به اوراق مشارکت تعلق می‌گیرد، ذکر سایر حقوق و امتیازاتی که احتمالاً برای اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است، موعد و یا مواعد و شرایط باز پرداخت اصل و پرداخت سود اوراق و در صورتی که اوراق مشارکت قبل از سررسید قابل بازخرید باشد، شرایط و ترتیب بازخرید آن.

۱۰ ـ تضمیناتی که احتمالاً برای اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.

۱۱ ـ اگر اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام شرکت باشد، مهلت و سایر شرایط تبدیل.

۱۲ ـ خلاصه صورت‌های مالی اساسی آخرین سال مالی شرکت که به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده است.

۱۳ ـ موضوع شرکت که به منظور تأمین مالی تمام یا قسمتی از آن، اوراق مشارکت منتشر شده است و همچنین شماره مجوزهای صادر شده توسط مراجع ذی صلاح برای اجرای موضوع مشارکت در صورت نیاز.

۱۴ ـ نام بازرس شرکت و اظهار نظر وی در مورد حساب‌های شرکت و پیش بینی سود موضوع مشارکت.

۱۵ ـ مهلت خرید اوراق مشارکت.

۱۶ ـ نام و نشانی مرجعی که برای فروش اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.

۱۷ ـ با نام یا بی نام بودن اوراق مشارکت.

۱۸ ـ دوره پرداخت سود علی الحساب.

ماده ۵۳۶ – صادر کننده اوراق مشارکت می‌تواند برای اخذ تضمین نسبت به تأمین تمامی اعتبار مورد نیاز، گزارش توجیه اقتصادی طرح مربوطه را بـه تأییـد بانک یا مؤسسه معتبر برساند به نحوی که بانک یا مؤسسه مزبور تعهد کندکه پـس از عرضه عمومی اوراق مشارکت، آن قسـمت از اوراق کـه بـه فـروش نرسـیده را ظرف مدت یک هفته یکجا و نقدی خریداری کند. اگر بخشی از اوراق صادره طی مهلت مقرر به فروش نرسد و تضمین خرید باقیمانده اوراق اخذ نشده باشد، صادر کننده اوراق، موظف است علاوه بر استرداد اصل مبالغ واریزی، خساراتی را معادل سود علی الحساب اوراق فوق، از تاریخ واریز وجوه بپردازد.

تبصره‌خرید اوراق مشارکت، توسط شرکت صادر کننده ممنوع می‌باشد.

ماده ۵۳۷ – مهلت عرضه اوراق مشارکت حداکثر برای یک بار و به مدت نصف دوره زمانی اولیه اعلام شده برای عرضه اوراق، قابل تمدید است.

ماده ۵۳۸ – ورقه مشارکت باید شامل نکات زیر بوده و بـه همـان ترتیـب مقرر برای اوراق سهام، امضاء شود:

۱ ـ نام شرکت.

۲ ـ شماره و تاریخ ثبت شرکت.

۳ ـ مرکز اصلی شرکت.

۴ ـ مبلغ سرمایه شرکت.

۵ ـ مدت شرکت.

۶ ـ موضوع شرکت.

۷ ـ مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه مشارکت.

۸ ـ تاریخ و شرایط بازپرداخت اصل اوراق مشارکت و نیز شرایط بازخرید ورقه مشارکت(اگر قبل از سررسید قابل باز خرید باشد).

۹ ـ نرخ و مواعد پرداخت سود علی‌الحساب و نحوه پرداخت سود قطعی اوراق مشارکت.

۱۰ ـ تضمیناتی که احتمالاً برای استرداد وجوه اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.

۱۱ ـ سایر حقوق و امتیازاتی که برای اوراق مشارکت در نظر گرفته شده است.

۱۲ ـ اگر اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام شرکت باشد، مهلت و سایر شرایط تبدیل.

۱۳ ـ قید با نام یا بی نام بودن اوراق مشارکت.

ماده ۵۳۹ – قبل از تأمین مبلغ مورد نیاز، شرکت حق استفاده از وجوه جمع آوری شده از محل فروش اوراق مشارکت را نداردو این وجوه به صورت امانت نزد شرکت می‌ماند.

ماده ۵۴۰ – شرکت این اختیار را دارد که صرفاً به اعتبار وضعیت و با پشتوانه‌های دارایی‌های خود اوراق مشارکت صادر کند. در عین حال شرکت می تواند از طریق بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و یا شرکت‌های دیگر اصل یا اصل و سود اوراق مشارکت صادره را تضمین کند.

ماده ۵۴۱ – تصمیم به انحلال و یا تجزیه شرکت، پیش از تصفیه حقوق

دارندگان اوراق مشارکت قابلیت ثبت و اجرا ندارد.

ماده ۵۴۲ – شرکت می‌تواند با اعطای امتیازاتی که باید از قبل تعیین شده باشد، اوراق مشارکت خود را قبل از سررسید بازخرید کند، مشروط به آنکه این موضوع در اطلاعیه انتشار اوراق مشارکت و در ورقه مشارکت به صراحت قید شده باشد.

ماده ۵۴۳ – شرکت می‌تواند با تصویب مجمع عمومی فوق العاده اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام منتشر کند.

تبصره–۱ اوراق مشارکت نمی‌تواند درعین حالی که از سررسید قابل بازخرید، است، قابل تبدیل به سهام باشد.

تبصره–۲ تازمانی که کلیه تعهدات شرکت بابت اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهامی که قبلاً انتشار یافته، انجام نگردد، انتشار اوراق مشارکت جدید قابل تبدیل به سهام مجاز نمی‌باشد.

ماده ۵۴۴ – تصمیم مجمع عمومی فوق العاده مذکور در ماده ۵۴۳، مبنی بر اجازه انتشار اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام، منوط به اجازه مجمع مزبور مبنی بر افزایش سرمایه تا میزان مبلغ کل اوراق مشارکت منتشره در سررسید این اوراق و همچنین سلب حق تقدم کلیه سهامداران ر خرید سهامی که در مقابل تبدیل اوراق مشارکت صادر می‌شود، است.

ماده ۵۴۵ – بهای سهام قابل واگذاری به دارندگان اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام باتوجه به بهای روز سهام شرکت در تابلوی بورس پس از افزایش سرمایه محاسبه می‌شود، لیکن شرکت می‌تواند تخفیفاتی را برای دارندگان اوراق

مشارکت مذکور، منظور کند مشروط بر آنکه موضوع قبلاً به تصویب مجمع عمومی فوق العاده مندرج در ماده(۵۴۳) این قانون رسیده باشد.

ماده ۵۴۶ – دارندگان اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام شرکت، در صورت تمایل به تبدیل اوراق مشارکت خود، باید تا دو ماه قبل از سررسید اوراق مذکور، درخواست خود را تسلیم کنند. و گرنه حق آنها به تبدیل اوراق مشارکت خود به سهام ساقط می‌شود.

تبصره‌همراه با تسلیم درخواست تبدیل اوراق مشارکت بی نام به سهم، اوراق مذکور باید به نحو مقتضی و روشن مهمور گردد.

ماده ۵۴۷ – دارنده اوراق مشارکت نمی‌تواند پس از تسلیم در خواست تبدیل، اعلام انصراف نماید.

ماده ۵۴۸ – حداکثر ظرف یک ماه از سررسید اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام، به منظور افزایش سرمایه شرکت معادل اوراق مشارکتی که طبق در خواست دارندگان آن به سهام شرکت قابل تبدیل است. هیأت مدیره شرکت باید مصوبه مجمع عمومی راجع به افزایش سرمایه موضوع ماده (۵۴۴) این قانون و گواهی بازرس شرکت حاکی از موافقت دارندگان اوراق مشارکت با تبدیل اوراق مشارکت آنها به سرمایه را به مرجع ثبت شرکت‌ها

تسلیم کند. پس از ثبت این افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکت‌ها، سهام جدید صادر و به دارندگان اوراق مذکور در مقابل اوراقی که به شرکت تسلیم کرده‌اند، تحویل خواهد شد.

ماده ۵۴۹ – در سررسید پس از پرداخت اصل و سود علی الحساب، میزان

سود قطعی اوراق مشارکت بر اساس استانداردهای حسابداری محاسبه و همراه با اظهار نظر بازرس شرکت، حداکثر ظرف یک ماه پس از تاریخ سررسید اوراق مشارکت، با درج اطلاعیه در روزنامه شرکت نشر می‌گردد. اگر سود قطعی اوراق مشارکت، مازاد بر سود علی الحساب پرداخت شده باشد نحوه و مهلت پرداخت مازاد مذکور که نمی‌تواند بیش از دو ماه از تاریخ سررسید باشد، در اطلاعیه مذکور درج خواهد شد.

تبصره‌تبدیل اوراق مشارکت به سهام، بر اساس اصل و سود علی الحساب خواهد بود و زمان تبدیل اوراق مشارکت به سهام نباید به‌تعویق افتد. ما به التفاوت سود علی الحساب و سود قطعی پس از تبدیل اوراق مشارکت به سهام نقداً به دارندگان اوراق پرداخت خواهد شد.

ماده ۵۵۰ – چنانچه سود شرکت مربوط به موضوع مشارکت از سود علی الحساب مقررکمتر باشد، سود علی الحساب، سود قطعی تلقی می‌شود.

ماده ۵۵۱ – فقط اشخاص زیر بارعایت این قانون مجاز به انتشار اوراق مشارکت می‌باشند:

۱ ـ شرکت سهامی عام پذیرفته شده در بورس.

۲ ـ شرکت‌های سهامی عام پذیرفته نشده در بورس در صورت تضمین بازپرداخت اصل و سود اوراق مشارکت یا تأیید بانک مرکزی(به شرط آنکه دو سال تمام از تاریخ ثبت آنها گذشته باشد و همچنین دو صورت مالی آخرین سالهای مالی آنها تصویب شده باشد).

۳ ـ دولت و شرکت‌های دولتی مطابق تبصره‌های قانون بودجه کشور.

۴ ـ شهرداریها در صورت تضمین باز پرداخت اصل و سود با تأیید بانک مرکزی .

۵ ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با تصویب شورای پول و اعتبار.

ماده ۵۵۲ – مصرف وجوه حاصل از واگذاری اوراق مشارکت در غیر موضوع مشارکت، در حکم تصرف غیرقانونی اموال عمومی محسوب می‌شود.

ماده ۵۵۳ – به محض آنکه یکی از پرداختها بابت سود یا استرداد اصل مبلغ اوراق مشارکت با تأخیر مواجه شد، بانک کارگزار مکلف است نسبت به تأمین و پرداخت هر یک حسب مورد از محل تضمین اقدام کند.

ماده ۵۵۴– حداکثر تا ۵ ماه پس از سررسید اوراق مشارکت، سود قطعی اوراق محاسبه و پس از تأیید سازمان حسابرسی به عنوان امین پرداخت خواهد شد.

ماده ۵۵۵– در صورت عدم ایفای تعهدات ناشر در بازپرداخت اصل و سود در سررسیدهای مقرر، بانک کارگزار مکلف است رأساً اقدام کند.